



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

هرگ برامپریالیسم
و سگهای زنجیریش

پهء ۱۰۰۰ ریال

دی و بهمن ۶۸ - ۵۵ صفحه

سال چهارم شماره ۳۰

رویزیونیست‌ها و هـشـضـل آخـر بـا بـا بـا بـا



حزب کمونیست شوروی با تجدید نظر در اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و دستاوردهای انقلاب کبیر اکتبر را یکی پس از دیگری نابود ساخته و زمینه را برای رشد مناسبات بورژوازی در این کشور فراهم نمودند، اکنون بر زمینه رشد این مناسبات و چنان بحرانی سراسر جامعه شوروی را دربر گرفته است که در صفحه ۲

بدنبال آشکار شدن هر چه بیشتر ورغسکتگی رویونیست‌هایی که سالهاست بنام پرولتاریای قهرمان و حزب کمونیست وی در شوروی بر اریکه قدرت تکمیل زده‌انده جنبشهای اعتراضی و تشنج و ناآرامیهای سیاسی همه‌جامعه‌را فرا گرفته و هر روز نیز بعد و دامنه جلیبندی مییابد. اگر در گذشته سران مرتد حاکم بر

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز رستاخیز سیاهگل و تیام بهمن

در سالروز رستاخیز سیاهگل و قیام شکوهمند بهمن که هر یک نقشی تاریخی در مبارزات خلقهای ما داشته‌انده ضمن گرامیداشت خاطره دلایر بهسا و فداکاریهای رزمندگان سیاهگل در ۱۹ بهمن سال ۴۹ و توده‌های میلیونی در قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ از آنجا که معتقدیم بهترین شیوه بزرگداشت خاطره شهدائی که بانثار خون خود در جریسان این رویدادهای بزرگ، نهال انقلاب ایران را آبیاری نمودند، همانا بکارگیری تجربیسات و درسهای این وقایع در زندگی مبارزاتی است، می‌کوشیم تا براساس تئوری راهنمای آن رزمندگان دربارہ شرایطی که مبارزه در صفحه ۷

جبهه‌دوری اسلامی ضد رویونیست (۱) و ماهانه نفت با اسرائیل

در صفحه ۵۰

در این شماره

- ۱۷ گفته‌ها و نکته‌ها
- ۲۸ اعلامیه هواداران سوئد
- ۲۹ اعلامیه‌ای درباره UN پاکستان
- ۳۱ شعری از نسیم بوشج
- ۳۳ اخبار و گزارشهای خبری
- ۴۱ ایران از درجه آمار
- شیدای دی و بهمن ماه چریکهای
- ۴۷ فدائی خلق ایران و روز شمار
- ۴۸ کمکهای مالی

گزیده‌هایی از صدای چریکها

در صفحه ۲۵

تحولات رومانی در کدامین سو؟

در صفحه ۳۲

نمادهائی از تضادهای درونی هیات حاکمه

در صفحه ۴۳

هیات تحقیق: کمیسیون حقوق بشر و مجمع خانواده‌های رزمندگان زندانیان سیاسی در برابر دفتر سازمان ملل در تهران

در صفحه ۱۴

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

رویز یونیونیستها و محضل آخریایجان

از صفحه ۱

تاثیرات مخرب آن در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، خود را به بارزترین شکل نشان میدهد. در وجه اقتصادی، با تین آمدن نرخ تولید ناخالص ملی، خوابیدن تولید، مواجهه کشور با کمبود بسیاری از مواد ضروری از جمله غله و مواد غذایی دیگر و وجود ۵۳ میلیارد دلار بدهی خارجی و غیره، بخوبی نمایانگر این امر است. شکی نیست که شرایط بد اقتصادی و بحران در این حوزه نمیتوانست به رشد نارضایتهای عمومی منتج نداده و مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش که سالها تحت ستم و مظالم حاکمیت رویزیونیستی بسر برده‌اند را با نامنه هر چه گسترده‌تری جاری سازد و اتفاقاً درست با پیش‌بینی چنین اوضاعی بود که استراتژیستها و طراحان رویزیونیست کوشیدند پیشاپیش با ارائه طرحهایی تا آنجا که ممکنست، بنقابله با بحسبران اقتصادی و سیاسی موجود برخیزند و از وسعت و نامنه آن بکاهند. مفهوسم گلاسنوست و پروستریکا ای آقای گورباچف نیز درست‌تر این رابطه قابل درک است. گورباچف با این طرحها در صدد برآمده است که بر موج بحران سوار شده و آنرا در جهت حفظ حاکمیت رویزیونیستها کنترل و سست و سوهند.

امروز هیچ نقطه‌ای در خاک پهناور

شوروی نیست که مستخوف ناآرامی نبوده و در آن به انحاء گوناگون علم اعتراض و طغیان بر علیه دولت مرکزی و با اصطلاح حزب کمونیست برافراشته نشده باشد. ولی مسئله مهمی که در رابطه با این ناآرامیها در خور توجه است این نکته میباشد که مبارزات و درگیریهای جاری بهیچوجه از محتوی و مضمون واحدی برخوردار نبوده و گرایشات متفاوت و متضاد در آن عمل مینمایند. هم از اینرو در حالیکه ما از یکسو شاهد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان هستیم که در جهت احقاسای حقوق خویش با خاسته و سران رویزیونیست حاکم را دچار چنان محصهای میسازند که علیرغم همه پز آزادیخواهی و دمکراسی - طلبی مجبور میگردند نقاب از چهره بر گرفته و مثلاً آشکارا خرمان ممنوعیت، اعتصاب صادر نمایند، از طرف دیگر فعالیت و حرکاتی را مشاهده میکنیم که در جهت ایجاد دگرگونیهای پورژوایی هر چه بیشتر و تحقق گرایشات ارتجاعی خود به مخالفت با حکومت مرکزی برخاسته و با آن درگیر میشوند. با اینحال در میان گرایشات مختلف و متضاد و متضاد با یکدیگر دو جهت عمده این گرایشات و هدف‌نهایی درگیریها و کشفکشیهای موجود کاملاً مشخص است. در یکطرف کارگران و زحمتکشان قرار دارند که ضدیت آنسان با دولت مرکزی و با حزب رویزیونیست

حاکم نارای جهت انقلابی و دفاع از دستاوردهای انقلاب کبیر اکتبیر میباشد و در طرف دیگر نیروهایی که با هدف پایمال کردن هر چه بیشتر دستاوردهای انقلاب و رشد و تحکیم مناسبات پورژواکسی، در مقابل نیروهای انقلابی جامعه قرار گرفته‌اند. شکی نیست که جایگاه حسکام رویزیونیست در این میان در نسته دوم قرار دارد. بر این اساس در حالیکه دولت رویزیونیستی شوروی از جانب گرایش انقلابی و رادیکال خود را با خطری جدی مواجه مینمیدند و در رابطه با گرایشات ارتجاعی علیرغم اختلافات و تضادهای آنان با دولت مرکزی به اشتراك منافع خود با این گرایشات آگاه است. بنا براین در شرایطی که این دولت آماج ختم و نفرت توده‌های کارگسز و زحمتکش قرار ناسته و خود را با خطر اوج‌گیری مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان مواجه مینمیدند، میدان عمل دادن به گرایشات ارتجاعی به امسری اجتناب‌ناپذیر برای او درآمده است تا بدین وسیله با وسعت‌یابی میدان عمل گرایشات ارتجاعی، امکان انحراف مبارزات انقلابی از مسیر اصلی خویش بوجود آمده و در کانالهای کم‌خطرتر کانالیزه گردد. اصلاحات گورباچف با مضمون پورژواکسی خویش زمینه ساز رشد این گرایشات بوده و در خدمت آن قرار دارد. میتوان گفت در

اوضاع و احوالی که بخران سراسر جامعه شوروی را فرا گرفته، سیاستی که دولت برای مقابله با جنبشهای انقلابی و مترقی و جلوگیری از رشد و گسترش آنها در پیش گرفته است علاوه بر سرکوب آن مبارزات و کنترل آنها و به انحاء و روشهای گوناگون انداختن آنان به مسیرهای انحرافی و کانالهایی است که بتوانند انرژیهای انقلابی را بهرز برده و موجب تضعیف آنها کرده امسری که بسا وسعت گیری گرایشات ضدانقلابی در جامعه شوروی صورت واقعیت بخود گرفته و امکان عمل یافته است. با بررسی آنچه اخیراً در آذربایجان گذشت میتوان به گوشه ای از این حقیقت پی برد.

پس از گذشت مدتها از تشنج و ناآرامی در آذربایجان شوروی در حالیکه ضمیمت گروهی از آذربایجانیها با آرامنه بحدی اوج گرفت که به تیرهای مسلحانه و خونینی فیما بین آنان انجامیده و در طی آن بیش از ۲۰۰ تن از ارمینها کشته و هزاران خانواده ارمنی مجبور به فرار از شهر باکو و ترک خانه و کاشانه خویش شدند ارتش مرکزی تحت عنوان خاتمه دادن به این تیرگیریها و آرام کردن اوضاع وارد شهر باکو مرکز آذربایجان شوروی گردیدند و از آنجا که مردم شهر عیدنا مخالف ورود ارتش به آذربایجان بوده و به همین دلیل راه بندانهای مختلف بر سر راه ورود ارتش ایجاد کرده و حتی عده ای در جلوی تانکها تراز کهنه بودند، ورود ارتش مرکزی به آسانسی صورت نگرفت. در هر حال تانکهای دولتی پس از زیر گرفتن و کشتار کسانی که مانع

از عبور آنها به شهر بودند، راه را گشوده و ارتش پس از تیرهای سخت و تیرگیریهای خونینی که به کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر انجامید در شهر استقرار یافته و با اعلام حکومت نظامی در باکو موفق به برقراری "نظم" گردید.

عدت محل دولت شوروی در مقابل رویاندنهای آذربایجان با توجه به برجسته بودن تیرگیریهای کور ملی همراه با گرایشات مذهبی، مخالف سیاسی مختلف را مجبور به موضعگیری در این رابطه نمود و اتفاقاً همگان (البته در اردوی دشمنان و سازشکاران و دوستان نادان خلق) با عنوان این مطلب که دولت شوروی برای خاتمه دادن به ناآرامیها مجبور به چنسان اقداماتی بوده است، به ابراز مواضع تائیدآمیز نسبت به لشکرکشی دولت شوروی به آذربایجان نمودند. در همین زمینه اگر از سخنان بوش که - ضمن آنکه "گورباچف" را "بهترین امید برای حفظ مصالح آمریکا در شوروی و کشورهای اروپای شرقی" میخواند - با دلسوزی (!) اظهار ناهت "فکر نمیکنم کسی از رهبر شوروی بخاطر مشکلاتی که او در آذربایجان با آن روبروست خرده بگیرد" بگذریم و همچنین از موضع وزارت امور خارجه آمریکا که اعزام نیروهای نظامی شوروی بسه آذربایجان را حق دولت مرکزی اسلام نموده و تاکید کرد که این کار بسرای خاتمه دادن به ناآرامیهای قومی صورت گرفته است "زنده اینکه بیان ناراحتیهای نسلت آمیز را سرکوب کند" آوای سازشکاران وطنی نیز بگوش میرسد که نسبت به دولت شوروی بدلیل مواجهیه با مشکلات ملی ابراز تاسف و دلسوزی مینمایند. بر این اساس

قبیل از اینکه روی این امر تاکید کنیم که کدام شرایط اقتصادی - اجتماعی و چه زمینههای مادی باعث پیدایش چنسان "مشکلاتی" گفته است و نقش دولت رومیزیونیستی شوروی در آفرینش آن شرایط و زمینههای مادی این مشکلات چیست و باید به طرح این عنوان پرداخت که آیا با توجه به سابقه اختلافات آذربایجانیها و آرامنه بر سر منطقه ناگورنوقره بساخ در دو سال پیش، دولت شوروی پیش از این قادر به پیشگیری از آن حوادث خونبار نبود و یا جلوگیری از بسیج "افراطیون و تبهکاران، خرابکاران، مجرمین و اوباش" (عناوینی که گورباچف بسکار برده است) و قرار گرفتن اسلحه در دست آنان پیش از این امکانپذیر نبوده است؟! البته باید دانست که علیرغم برجسته شدن اختلافات فیما بین آرمینها و آرامنه، شرایط بحرانی حاکم بر آذربایجان بهمین مورد خلاص نمیشود. در آذربایجان نیز همچون سایر جمهوریهای شوروی از مدتها پیش اعتراض و مبارزه بر علیه حکومت مرکزی البته با تفکرات و گرایشهای مختلف بددت جریان داشته است. نمونه تظاهرات مردم جلال آباد (یکی از شهرهای آذربایجان) بر علیه رومیزیونیستها و خاتمه دادن به استیلاي حزب باامطلاح کمونیست حاکم این واقعیت را بخوبی بیان میکند. در جریان این تظاهرات که بطور گسترده صورت گرفت، از آنجا که مبارزه مردم قبل از هر چیز بر علیه سران رومیزیونیست حاکم متمرکز بود، پلیس به سمت تظاهرکنندگان به تیراندازی پرداخت ولی این امر مانع از حرکت مبارزاتی

روک بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

مردم نشدند آنان با خشم تمام به درگیری با پلیس پرداخته و موفق به حمله به ساختمان وزارت کشور و تصرف آن گشتند. جالب است که اولین اقدام توده‌های سازمانی تظاهرکننده پس از اشغال وزارت کشور، خلع ید از رویزنیونیه‌های دست‌اندرکار در این شهر و مدیران دولتی بود.

در همان حال در بجنوبه درگیریهای یاد شده و تشنجات مربوط به آن، روینادی که توجه همگان را بخود جلب نمود عبور عده‌ای از آذربایجانیه‌های شوروی از طرق مختلف بخاک ایران بود. بگونه‌ای که عده‌ای از آنها بقصد ورود به ایران به پستهای دیده‌بانی مرزی حمله کرده و سیمهای خاردار را از جای میکشیدند. در همین رابطه معلوم شد که شمار جدائی و استقلال و حتی پیوند دو آذربایجان ایسران و شوروی در بین آذربایجانیه‌های شوروی مطرح بوده و آنها با این شعار بر ضد دولت مرکزی بسیج شده‌اند.

اقدام آذربایجانیه‌های شوروی جهت عبور بخاک ایران نه تنها باعث تگرانی و اعتراض جمهوری اسلامی نشد و آنها از این امر جلوگیری ننمودند بلکه رژیم ایران در بعضی نواحی عبور از مرز را آزاد اعلام نموده و به هزاران نفر از آذربایجانیه‌های شوروی امکان داد که براحتی در ایمن نواحی رفت و آمد کنند. در ضمن جمهوری اسلامی مدعی شد که آنها جهت آمسوزش تعالیم اسلامی و دریافت قرآن به ایران اسلامی می‌آیند. در جریان این رویداد جمهوری اسلامی نه فقط پشتیبانی خود را از این آذربایجانیه‌های "وحدت طلب" نشان داد بلکه دخالت خود در حوادث جسامتی در آذربایجان شوروی را نیز بقدری آشکار نمود که رادیو مسکو طی تفسیری در تاریخ ۴ بهمن به جمهوری اسلامی اظهار کرد که

"از انامه تحریک‌های سیاسی و مذهبی اهالی آذربایجان شوروی نست بردارد" و بالحنی دیپلماتیک خاص خویش یا نا آور شد که "اینگونه تحریکات ممکن است نتایج بسیار سوئی در پی داشته باشد." و گویا چنانچه در حالیکه نا آرا میهای آذربایجان را در خدمت "عده کمی افراطیستون و آدمهای ماجراجو و نمایندگان بازارهای سیاه" میخواند، اظهار داشت که "در آذربایجان مسلمانان بنیادگرا را ایجاد اغتشاش و نا آرامی نست داشته‌اند و... این افراد میخواهند از اتحاد جماهیر شوروی جدا شده و جمهوری مستقل اسلامی برای خود بسازند..."

ولی آیا سران رویزنیونیهست حاکم بر شوروی و در رأس آنها آقای گورباچف بتازگی متوجه فعالیت "بنیادگرایسان مسلمان" در آذربایجان شوروی شده و بتازگی بی به "تحریک‌های سیاسی و مذهبی" اهالی آذربایجان توسط مزدوران جمهوری اسلامی برده بودند؟ واقعیتها بسیار خلاق این ادعا را ثابت کرده و خط بطلان بر آن میکشد.

واقعیت این است که از مدت‌ها پیش جمهوری اسلامی جهت نفوذ در آذربایجان شوروی و بسط اندیشه‌های ارتجاعی کسه عنوان "بنیادگرائی اسلامی" بنفوذ گرفته است. نست به فعالیت گسترده‌ای زده و میکوشید مبارزات انقلابی توده‌های معترض در این منطقه را به مسیرهای ارتجاعی مورد نظر خویش کالهنزه نماید و اتفاقاً موفقیت مزدوران جمهوری اسلامی در این رابطه بحدی بود که ناگهان اخباری حاکی از رشد گرایشات مذهبی در بین مردم آذربایجان شوروی و روی آوری آنها بسوی قرآن و مسجد و غیره منتشر میشد و مزدوران جمهوری اسلامی نیز از اینکه از "گلدسته‌های" مساجد با کوه صدای آنان

میشنوند، ابراز شغف مینمودند. مسلماً چنان اموری نمیتوانست از دید مقامات شوروی بدور مانده و مسورد توجهشان قرار نگیرد. حتی در ازبکستان در جریان درگیری که گویا بین ازبکهای اهل تسنن و شیعیان ترك تبار در خرداد ماه سال جاری پیش آمد و معلوم شد که ازبکها بنفع خمینی مزدور شعار داده و بهنگام کشتار ترك تباران برچم سبز و عکس خمینی را بهمراه داشته‌اند (البته این واقعیت نیز بنهان نماد که به هر یک از ازبکهای که به چنان عملی نست زده بودند ۵۰ تا ۱۰۰ روبل داده شده بود) و گویا چنانچه اظهار داشت که "بنیادگرایسان مذهبی باعث کشتار بین ازبکها و ترکها گردیده‌اند." این واقعیت در حالیکه نشان میدهد نه "تحریکات سیاسی و مذهبی" جمهوری اسلامی در مورد توده‌های مسرد شوروی امر جدیدی بوده و نه اطلاع دولت شوروی از این امور تا زگی داشته است. در عین حال این مسئله را آشکار میسازد که علیرغم آگاهی دولت شوروی از فعالیت مزدوران جمهوری اسلامی در بین توده‌های شوروی و دخالت او در امور داخلی کشور خویش، این دولت حاضر به اقدامی بسر علیه جمهوری اسلامی نبوده و بجای نشان دادن عکس العملی حاد در مقابل برخوردهای چنان گستاخانه جمهوری اسلامی، صرفاً به اظهارات گله‌آمیز در این زمینه بسنده میکند.

از طرف دیگر باید روی این واقعیت تکیه کرد که رفتار مقامات شوروی با سران جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل آذربایجان نه تنها گویای خصم و ناراضی آنها از اقدامات ارتجاعی جمهوری اسلامی در آذربایجان شوروی نبوده است بلکه گاه خود آنان بهیچا پیس

امکان تبلیغ اندیشه‌های بااصطلاح اسلامی را برای مزدوران جمهوری اسلامی فراهم ساخته و با حتی بهمان نگرته که در جوابیه گورباچف به پیام خمینی آمده است خواهان اعزام کسانی نیز به "حوزه‌های علمیه قم" جهت فراگیری "تعالیم اسلامی" و "نفسر آنها در بین توده‌های شوروی بوده‌اند؟ و آیا این امر اتفاقی بود که در سفر رفسنجانی به مسکو، وی از طرف مقامات شوروی به باکو برده شد و در آنجا برای مردم شهر در مورد "محاسن" اسلام خمینی به سخنرانی پرداخت؟ حقیقت را بخواهیم، حتی ابراز ناراضی گورباچف از رشد "بنیادگرائی اسلامی" در آذربایجان و اختلال‌های مقامات دولت شوروی به رژیم جمهوری اسلامی منبسطی بر اینکه به تحریک مردم آذربایجان پرداخته و با حتی اسلحه در اختیار آنان قرار داده است و ... و از طرف دیگر اعتراض مزدوران رژیم به کشتار "مردم مسلمان" باکو توسط ارتش مرکزی شوروی، قبل از اینکه در غرور آن باشد که جدی تلقی کرده، در بهتره‌سن حالت به جنگی زرگری میبافت داشت، جالب است که مقامات شوروی قبل از لشکر کشی

(*) - بعداً در سفر رفسنجانی به مسکو این موضوع بصورت یکی از بندهای موافقت نامه بین ایران و شوروی درآمد و گفته شد: "طرفین ضمن بکارگیری مساعی خود در جهت شناخت عمیق‌تر ارزشهای مملوئی دو کشور، در صدد آشنا کردن بهتر مردم ایران و شوروی بسا زندگی، فرهنگ، اعتقادات، سنن و آداب دوستی بین یکدیگر خواهند بود." دو کشور همچنین به مبادله هیاتهای مذهبی و برقراری تماسهای علمی و روحانیون بسا یکدیگر کمک خواهند کرد."

به آذربایجان، سران حکومت ایران را در جریان امر قرار داده بودند و مزدوران جمهوری اسلامی که "براندان مسلمانان" در آنسوی مرز بخاک و خون کشیده میشدند، در برخورد به این مسئله تنها به ابراز تاسفهای دلخوشکنک بسنده نموده و از زبان ۱۶۰ تن نماینده مجلس ملی نامه‌ای به گورباچف از وی خواستند که "تحسنت تاثیر سوسه استکبار جهانی و امریکا قرار نگرفته و با مسلمانان به طسرس سلامت آمیز رفتار شود."

این واقعیتها گویای چه حقیقتی میتواند باشد، آنچه که بروشنی از وری تمامی وقایع ذکر شده خودراندیمان میسازد این است که دولت شوروی آنقدرها نیز از فعالیت سیاسی مرتجعین جمهوری اسلامی در بین مردم آذربایجان ناراضی نبوده و نسبت به دخالتست جمهوری اسلامی در امور داخلی کشور خویش نگرانی نداشته است و بعبهارت دیگر ننمود "بنیادگرائی اسلامی" را برای منافع خویش خطرناک تلقی نمیکرده است. چرا چنین است، چه واقعیتها و کدام شرایط مادی عدم جلوگیری از فعالیت جمهوری اسلامی در بین توده‌های آذربایجان را برای دولت شوروی ایجاب نموده است؟

مسلمان پس از گذشت بیش از ۷۰ سال از انقلاب ببولتاریائی اکتبر بسروز اختلافات ملی آنهم در سطحی که درگیریهایی مسلحانه‌ای را بین دو ملت بوجود میآورد و همچنین رشد گرایشات مذهبی و پویش قرار گرفتن آن برای طرح یکسری خواسته‌های سیاسی، قبل از هر چیز نمایانگر انحراف جامعه شوروی تحت حاکمیت رویزیونیستها از مسیر اصلی

خود پس از انقلاب اکتبر میباشد، بسا اینحال خلاصت هر آینده تصور شود که مسئله ملی و یا خواست بااصطلاح برقراری جمهوری اسلامی، علت و هدف مبارزات مسردم آذربایجان شوروی است، بلکه سرمنشا و پتانسیل مبارزاتی عظیمی که امروز توده‌های کتیسری به صحنه سیاسی کفانده است را باید در مناسبات ظالمانه‌ای جستجو کرد که سالهای متمادی پرتوده‌های کارگر و زحمتکش شوروی و از جمله در آذربایجان تحمیل شده است. به این اعتبار علتست خیزش توده‌ای در آذربایجان بطور اولی حدت یابی تضادهای آنان با عناصر است ظالمانه و استثماریگانه‌ای است که در طول سالها توسط رویزیونیستها بر حیات و هستی آنان اعمال شده و میشود و باید دانست که رهائی از قید و بند ایسمن مناسبات جوهر اصلی حرکات اخیر بوده است. این حقیقتی است که رویزیونیستها با توجه به قرار داشتن جامعه شوروی و حاکمیت رویزیونیستی در آستانه بسک انفجار، حتی قبل از تحولات اخیر به آن آگاهی داشته‌اند. ولی اگر قرار است رشد بحران در شوروی آبستن یک جنبش توده‌ای گمترده و قهرآمیز بر علیه کل بسساط رویزیونیستها باشد، چه بهتر که ایسمن جنبش همانا زیر پرچم "مبارزات ملی" و "اسلامی" متمرکز و رهبری گردده بر این اساس خود حکام شوروی اصرار دارند که مضمون و جهت همه مبارزات جساری در آذربایجان را درگیری بین "ارمنیها" و "مسلمانها" و یا "افراطیون" و "تدسروهای ملی" جا بزنند. با این تاکتیک از یکطرف میتوان جهت تیز جنبش انقلابی

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

درگیریهای موجود در آذربایجان ابعاد چنان خونینی یافت، هرگز خواست رویزیونیستهای حاکم بر شوروی نبوده است، ولی سوار شدن بر موج پر تلاطم جنبش گریزنابنهر توده‌ها و کثافتدن آن به مسیرهای حائل‌مقدور کم‌خطرتر بهترین تدبیر و تنها راه چاره‌از دید آنان جهت حفظ حاکمیت خویش است. در این مسیر پیشامد وقایعی نظیر آنچه در آذربایجان بوقوع پیوست، چندان نیز غیر منتظره نبوده است.



جمهوری اسلامی و تبلیغات ...

از صفحه ۲۴

حاکمیت کثیف امپریالیستها و مزدور نشان خبری نباشد، درست بهمین دلیل است که امروزه امپریالیستها و نارودسته‌های سرسپرده‌ای نظیر رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر یورشهای زهرآگین خویش به مارکسیسم و طبقه کارگر را افزایش داده‌اند.

پس کارگران آگاه ماهم باید در چنین موقعیت بفرنجی با شناخت ایسن دسیسه ضد خلقی بورژوازی، در هر شکل و شمائلش به مقابله برخیزند و ضمن افشای ماهیت بورژواشی نارودسته‌های رویزیونیست حاکم بر چین و شوروی و غیره بیگانگی سنتی آنها و سیاستهای ضد انقلابی شان را با مارکسیسم و کمونیسم نشان داده و ضمن افشای فریبکاریهای تبلیغات زهرآگین امپریالیستی، بیش از هر هنگام به دفاع نظری و عملی از مارکسیسم و کمونیسم بنشاید تنها راه راهائی استثمار شوندگان از زیر یسوع بندگی و اسارت بورژوازی بپردازند.



حاکم نخواهد بود، بلکه اتفاقا ایسن پارامتر خود بعنوان جزئی از اجزای نقشه شوم و توطئه رویزیونیستها برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش توده‌های کارگر و زحمتکش این کشور بخدمت آنها در خواهد آمد. این است دلیل آنکه چرا دخالتها و گستاخیهایی جمهوری اسلامی در رابطه با آذربایجان و دیگر جمهوریهای شوروی از طرف مقامات دولت شوروی با عکس‌العملهای حاد و جدی روبه‌رو نمیکردند.

مسئله این امر که تشنجات و

توده‌ها بر علیه دستگاه رویزیونیستی حاکم را کند نمود و از سوی دیگر با تاکید بر منتهی بودن جنبش توجیه سرکوب مثنی "اوباش" و "ملی‌گرای منتهی" در نظر عمومی مقبولتر و برای آنان آسانتر از سرکوب یک جنبش رادیکال و انقلابی قابل توجیه خواهد بود.

با چنین تبیین صحیحی است که میتوان دریافت از نظر حکام شوروی، "دخالتهای" جمهوری اسلامی در آذربایجان نه تنها مخالف منافع رویزیونیستهای

تحولات رومانی در کدامین سو؟!؟

از صفحه ۲۲

کشور نبوده و نیست. حقایق نسیان میدهند که آنچه در رومانی بوقوع پیوست، سقوط نارودسته‌ای ضد انقلابی و منحرف و روی کار آمدن نارودسته ضد انقلابی دیگری است که با فریبکاری تمام و بمدد تبلیغات ریاکارانه امپریالیستها و شرکای رویزیونیستشان، در صدد است که خود را رژیم برآمده از "انقلاب" توده‌ها جا بزند تا بتواند بر منسوج گسترده نارضایتی و طغیان مبارزاتی موجود در این کشور سوار شده و بر بحران سیاسی این کشور که محصول سالها حکومت سیاه رویزیونیستهاست فائق آید.

این جوهر آن واقعیتی است که در کتبه تحولات رومانی جریان دارد و توضیح و تشریح آن باید مضمون اصلی تبلیغ کمونیستی را در تحلیسل رویدادهای رومانی تشکیل دهد.



گسترده‌ای با غرب برآمد. در جریان این روند بود که دول امپریالیستی و منجمله فرانسه برغم بحران اقتصادی نظامهای سرمایه‌داری، آمادگی خود را برای دادن وام و کمکهای به رومانی - نظیر آنچه که به لهستان و مجارستان پرداخت شده - و گسترش روابط اقتصادی با این دولت اعلام کردند.

این مختصر و مجموعه گسترده دیگری از شواهد و فاکتورهای عینی بخوبی مؤید این واقعیتند که تعویض نارودسته ورشکسته و رویزیونیست چائوشکو بسا گروهی که خود را "جنبه نجات رومانی" میخوانند، آنها بر بستر تشدید بحران همه‌جانبه گریبانگیر بلرک‌تری و نارضایتی و درگیری روزافزون توده‌ها با حکومتها و رویزیونیستی موجود، بهیچ رو انعکاس و نتیجه وقوع یک انقلاب اجتماعی و رسیدن سرفصل آزادی و دموکراسی برای کارگران و توده‌های زحمتکش و رنج‌دیده در ایسن

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز رستاخیز سیاهگل و پیام بهمن

از صفحه ۱

خلقهای ما در آن قرار گرفته است با توده‌های خویش سخن گوئیم.

در ۱۹ بهمن سال ۴۹ رزمندگان سیاهگل با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهگل مبارزه‌ای را برپا نمودند. سلطه امپریالیزم و سگ زنجیرش رژیم جنایتکار شاه آغاز نمودند که بن بست مبارزاتی حاکم بر جنبش انقلابی خلقهای ما در آن سالها را در هم شکست و با تغییر فضای سیاسی حاکم بر ایران آنچنان تاثیراتی بر جامعه برجای گذاشت که در جریان قیام بهمن نتایج آن با وضوح هرچه بیشتری به اثبات رسید. در پرتو این راهگشائی بود که جنبش نوین کمونیستی ما رشد و شکوفائی شگفت‌انگیزی یافت و کمونیزم از آنچنان اعتباری در نزد توده‌ها برخوردار گردید که چه در سطح جامعه و چه در سطح جهانی هیچ نیروئی نمیتوانست کمونیزم را که حال با نام چریکهای فدائی خلق عجین گشته بود را در صحنه سیاسی ایران نابود کند.

رزمندگان سیاهگل در شرایطی بسیار خسته و مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند که طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده ما در یکی از تیره‌ترین روزهای تاریخ سلطه امپریالیزم در ایران بسر میبردند. شرایطی که دشمن متشکل و متمرکز با سرکوب وحدت و جنبش و اعلام "جزیره ثبات و آرامش" قدرتی را به خود را به نمایش میگذاشت و طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده ما فاقد تدکلهای مبارزاتی ویژه خود بودند و در پراکندگی بسر میبردند و رکود و خمود بر مبارزات توده‌ها چیره گشته بود. در شرایطی که روشنفکران انقلابی از توده‌ها جدا افتاده و سلطه مزمن اپورتونیزم انرژی انقلابی آنها را به هز میبرد. آری در چنین وضعی بود که رزمندگان سیاهگل با شلیک گلوله‌هایشان در "شب سیاه بهمن" بن بست مبارزاتی را درهم شکستند و طلوع "خورشید فروزان انقلاب" را نوید دادند.

رزمندگان سیاهگل با ترک وظیفه‌ای که شرایط بر عهده روشنفکران انقلابی گذاشته بود با راهگشائی جسورانه خود بار دیگر نشان دادند که کمونیستهای واقعی حتی در سیاهترین شرایط نیز نه تنها چشم انداز مبارزه را از دست نداده و بر اساس امکانات موجود با علم به اینکه مبارزه‌ای سخت و طولانی در پیش دارند، در جهت سرنگونی سلطه بورژوازی می‌رزمند، بلکه با علم به اجتناب ناپذیر بودن پیروزی و با ایمان به پیروزی راهمان از هیچ فداکاری‌ای در این راه دریغ نمی‌ورزند.

رزمندگان سیاهگل انقلابیونی بودند که با تکیه به مارکسیزم - لنینیزم این تئوری راهگشائی طبقه کارگر ایمان داشتند. شرایط حاکم در آن سالها هرچند که سخت و ناگوار است و هرچند که دشمن با همه امکاناتش میکوشد این شرایط را حفظ کرده و جاودانه جلوه دهد، اما چنین شرایطی گذرا و موقتی است و به همین دلیل نیز در همان شرایط تیره و تاریک که چشم انداز پیروزی برگی روشن نبود و "پیروزی افسانه‌ای" تلقی میشد که بقول چه‌گوارا "تنها یک انقلابی میتواند بدان بیندیشد" چشم انداز روشن

پیروزی را دریافت و با نثار جان خود در راه رسیدن به آن، گام برداشتند و دیدیم که چگونه مبارزه مسلحانه آن رزمندگان بن بست مبارزاتی حاکم در آن سالها را در هم شکست و اصفیر گلوله‌هایشان آغازگر دوران جدیدی در تاریخ مبارزات خلقهایمان گردید، دوره‌ای که توده‌های قیام‌کننده در ۲۱ و ۲۲ بهمن با نرس‌گیری از مبارزات آن رزمندگان و سردان شماره‌های آنها، زرادخانه‌های رژیم شاه را آماج حملات خود قرار داده و رژیم وابسته به امپریالیزم شاه را به زیاده‌دان تاریخ انداختند. گرچه قیام بهمن شکست خورد و نتوانست سرنگونی رژیم شاه را به سرنگونی سلطه امپریالیزم و پیروزی انقلاب تبدیل نماید اما همین قیام علیرغم شکست آن ضمن اینکه تأییدی بود بر نظر آن رزمندگانی که با آغاز مبارزه مسلحانه در سهاکل اعلام کرده بودند، راه پیروزی انقلاب و قطع قطعی سلطه امپریالیزم در ایران جنگ‌جویی توده‌ای و طولانی است، در همان حال آنچنان توده‌ها را به صحنه مبارزه و سیاست‌کفاند و چنان تجربیات مبارزاتی خلقهای ما را فزونی بخشید که تأثیرات آن بدون شک برای پیروزی انقلاب خلقهای ما در آینده بس بزرگ می‌باشد.

با شکست قیام بهمن رژیم بر اریکه قدرت قرار گرفت که از همان روز اول استقرارش به نابسودی ستاوردهای مبارزات توده‌ها و قیام بهمن برخاست و سرکوب‌خونین انقلاب را با وحشیگری تمام به پیش برد و در دهال گذشته آنچنان فجایعی آفرید که در تاریخ خلقهای ما بی‌سابقه است؛ اما در همان حال شکست قیام بهمن و استقرار جمهوری اسلامی نرسهای بزرگی نیز برای خلقهای ما در برداشت و به آنها از جمله نشان داد که تنها با حرکت مستقیم و فعال توده‌ها در میدان مبارزه است که امکان پیروزی بصت می‌آید. به آنها نشان داد که ضربه وارد نمودن به سلطه امپریالیزم حتی اگر به تغییر رژیمهای دست‌نشانده منجر گردد برای رسیدن به آزادی کافی نیست چرا که با جایجایی سگان زنجیری، حاکمیت امپریالیستی در حال با برجا میماند و تا این حاکمیت برقرار است دیکتاتوری و اختناق از جامعه ما رخت برنخواهد بست. به آنها نشان داد که چگونه آزادی در نزد هر قشر و طبقه‌ای معنای ویژه خود را دارد و تنها با نابودی سلطه امپریالیزم و نظام سرمایه‌داری وابسته است که آزادی برای اکثریت توده‌های ستمدیده بدست خواهد آمد.

امسال در شرایطی سالروز رستاخیز سهاکل و قیام بهمن را گرامی میداریم که جنبش انقلابی خلقهای ما در جریان بیش از دهال سلطه ددمنشانه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی و سرکوب‌خونین انقلاب توسط این رژیم در شرایط بس حساسی قرار گرفته است.

سرکوب‌خونین انقلاب ضربات بزرگی به مبارزات توده‌ها و سازمانهای سیاسی وارد ساخت. بخشی از سازمانهای سیاسی در زیر این یورش وحشیانه متلاشی و نابود شدند و بخشی حوزه فعالیتشان وسعاً محدود گردید و صعبور به عقب‌نشینی‌های بزرگی گردیدند و مراکز رهبریشان عمدتاً در خارج از کشور قرار گرفت. جدائی از توده‌ها و قرار گرفتن در محیط روشنفکری خارج از کشور، باعث دورافتادن هرچه بیشتر سازمانهای سیاسی از زمینه اجتماعی خود و محدودتر گشتن تأثیرگذاری آنان بر جامعه و بر روند اوضاع و مسائل جاری و همچنین از دست دادن توان جسمی نیرو برای گسترش فعالیتهای مبارزاتی گشته است. در بیشتر این اوضاع که خود بیانگر سطره بحران در جنبش انقلابی است، انشعابها و جدائیهای غیراصولی عناصر و گروههای سیاسی از یکدیگر مرتباً به وقوع می‌پیوندد، انشعابها و جدائیهایی که معمولاً فاقد مرزبندیهای روشن ایدئولوژیک بوده و اغلب حاصل رشد تضادها و اختلافات افراد و بحران در روابط سازمانی است. بحرانی که از ضعف و ناتوانی روشنفکران انقلابی در پاسخگویی به نیازهای عملی جنبش نشست گرفته است. در بستر جدائی بیساهدک از توده و روشنفکران مارکسیست از طبقه کارگر هر روز عمیق‌تر و بیشتری یافته و رشد و گسترش می‌یابد. در چنین اوضاعی در بین سهاکل از روشنفکران چشم‌اندازهای

مبارزاتی تضعیف و روحیه پاس و ناامیدی و گرایشات غیراصولی از جمله انفعال طلبی، پوچ گرائی و انحلال طلبی و ارتداد گسترش پیدا نموده است. اپورتونیستهای رنگارنگ نیز در این شرایط بسطی برای حفظ بساط خود از امواج بحران و نجات از "مخمس" ای که آنها را فراگرفته است، هر يك راه حلهائی ارائه میدهند که درست بدلیل نادرست بودنشان تنها باعث تشدید بحران موجود میگردد. اگر عسدهای نست شستن از مبارزه حیاسی و روی آوری به مطالعات بیمارگونه را تنها راه نجات از وضعیت کنونی قلمداد میکنند، عدهای دیگر فرمان "میخکوب" عین در "مبارزه اقتصادی" طبقه کارگر را مسادار مینمایند و کسانی نیز در پاسخ به این امر از ضرورت وحدت فراکمیونهای مختلف "طیف" خود سخن میگویند و ...

یورش وسیع بورژوازی جهانی بر علیه انقلاب و کمونیزم و تبلیغات جهانی که امپریالیسم در سطح جهان بدلیل ورشکستگی رویزیونیسم بر علیه کمونیزم سازمان داده است، زمینه و عامل دیگری بر سر رشد گرایشات انحرافی در بین روشنفکران ایران میباشد.

ورشکستگی رویزیونیستهای که تحت نام مارکسیزم و کمونیزم کالقای بورژوائی خویس را تبلیغ میکنند و تبلیغات وسیع بورژوازی جهانی بر علیه کمونیزم و القای این تصور نادرست که نتیجهی اجتناب ناپذیر کمونیزم همانا سرنوشت کشورهای چون شوروی و چین و ... میباشد، بدویه خود باعث تضعیف هر چه بیشتر چشم اندازهای مبارزاتی گشته و به روند تصفیه جنبش از "رفیقان نیمه راه" آهنگ هر چه بنهشتی بخشیده است.

در چنین شرایطی اما کمونیستهای واقعی باید همچون رزمندگان سیهکل که در سیهاترین روزهای استیلاي امپریالیزم و اپورتونیزم نیز چشم انداز مبارزه را از دست نداده و هدف بزرگ رهائی تودهها از قید ستم و استثمار بورژوازی را فراموش نکردند، بر تلاش تر به مبارزه برخیزند و همچون رزمندگان سیهکل که هرگز از تلاش برای رسیدن به هدف باز نایستادند، در همین شرایط سخت نیز بکوشند تا ضمن مقابله با تبلیغات جهانی امپریالیزم و سگهای زنجیرش بر علیه کمونیزم و انقلاب، اجتناب ناپذیری انقلاب و پیروزی سوسیالیسم را به تودهها نشان داده و مهتر از آن در جهت راهگمائی برای فائق آمدن بر این بحران گام بردارند.

باید ضمن مبارزه بر علیه آن نیروهائی که بجای درك دلائل واقعی اوضاع نابسامان کنونی و نشان نداشتن راههای واقعی خروج از آن با عبارت بردازیهائی بی محتوا گریبان خود را از زیر بار مسئولیتی که این شرایط بر عهده روشنفکران انقلابی قرار داده است، خالی مینمایند، سعی در شناخت دلائل بحران موجود نموده و قدمهای عملی در جهت رفع آن برداشت.

از نظر ما راه فائق آمدن بر این بحران نه آن مطالعات بیمارگونه است که در جهت پاسخگویی به مسائل مبهم جنبش نبوده و صرفاً ارضا کننده حس کنجکاو و روشنفکران میباشد و نه کوشش برای دستیابی به آن وحدتهای غیر اصولی است که بنا به تبلیغات فرمت طلبانه گویا در صورت تحقق، پاسخگویی همه مشکلات خواهد بود.

اگر عدم پاسخگویی به نیازهای عملی جنبش آن عامل اصلی در بوجود آمدن بحران در جنبش میباشد و اگر تئوری مبارزه مسلحانه تنها تئوری پرولتری است که صحت آن در پراتیک مبارزاتی خلقهای ما و در طی تجربیات تودههای میلیونی از جمله در قیام بهمن به اثبات رسیده است، بنا بر این تنها با گسترش

پیش پیروی تشکیل ارتش خلق

پراتیک انقلابی و با پیاده کردن این تئوری در عمل است که میتوان قدمهای جدی در جهت پیشبرد انقلاب و فائق آمدن بر بحران کنونی برداشت.

در سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن با ایمان به پیروزی کارگران و توده‌های ستم‌دیده در مبارزه بر حقتان بر علیه سلطه امپریالیزم و نظام سرمایه‌داری وابسته، به لزوم اتحاد همه کمونیست‌هایی که به عمق بحران کنونی و ضرورت مبارزه با آن پی برده و قلبشان برای فائق آمدن بر آن و رشد و شکوفائی جنبش میطیبت تاکید میورزیم و ایمان داریم که با ادامه راه شکوهمند رزمندگان سیاهکل در جریان رشد و گسترش پراتیک انقلابی، در بطن شرایط مبارزه طبقاتی جاری در ایران جنبش انقلابی ما یکبار دیگر در مسیر رشد و اعتلاء قرار گرفته و با در هم کوبیدن نظرگاههای انحرافی دشمنان داند و رشک‌تنگی اجورت‌نویسها چشم‌اندازهای روشن پیروزی راه‌چرخ در مقابل دید همگان ترسیم خواهد نمود و با جلب حمایت توده‌ها، دشمن ددمنش راسرنگون و پیروزی انقلاب را به ارمغان خواهد آورد.

هرچه برای فراهته‌ترباد پرچم خونین رستاخیز سیاهکل گرامسی بساد خاطره "قیام بهمن" سرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر

با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران
بهمن ۶۸

www.iran-archive.com

تحقیق کمیسیون حقوق بشر گردیدند. خلغالی رذل و قیاطه در توجیه اعدام دسته جمعی انقلابیون و شکنجه زندانیان سیاسی طهران گفت: "ما از شما انتقام می‌گیریم، شما را زندانی می‌کنیم، شما را می‌کشیم، این یک فرمان الهی است." بیشک نه این سخنان و نه تومیه‌های به اصطلاح شفقت آمیزی که اخیرا خامنه‌ای و یزدی بدلیل حضور هیأت تحقیق در تهران در رابطه با زندانیان سیاسی و بکارگیری "رفتارهای اسلامی همچون گذشته" (؟) با آنان نمودند، هیچیک واقعیت شکنجه‌های وحشیانه ددمنشی‌ها و شرایط طاقت فرسای حاکم بر زندان‌های قرون وسطائی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را تغییر نخواهند داد و آنچه واضحت این واقعیت می‌باشد که سردمداران جمهوری اسلامی علی‌رغم همه تلاش‌های مذبح‌خانه خویش در تحقق تاکتیک فریبکارانه اخیرشان ناموفق بوده و هرگز قادر نخواهند بود تا چهره ضد خلقی خویش را با مانورهای سیاسی همچون پذیرش سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل لایوشانی نمایند.

از صفحه ۱۴
هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر و...
باشد. با اینحال توده‌های مبارزه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی باید به هر نحو که شده با هیأت تحقیق تماس گرفته و به افشای جنایات رژیم در حق فرزندان مبارز خود بپردازند. چرا که این افشاء گری‌ها، بدویه خود می‌توانند مانع از تحقق اهداف ناپلید رژیم از پذیرش سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران گشته و چهره فریبکار اورا بیش از پیش رسوا نماید. از اینرو تجمیع اخیر خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران که به جهت رساندن فریاد مبارزاتی خویش به گوش جهانیان صورت گرفته است یک اقدام انقلابی است.
خانواده‌های مبارز زندانیان سیاسی علی‌رغم تمام تمهیدات رژیم مبنی بر جلوگیری از تماس آنان با هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر و علی‌رغم انیت و آزار و اقدامات بشمارنده‌ای که از طرف سرسپردگان و ایادی اوپای رژیم در مورد آنان به عمل می‌آید و مضمون آنها در سخنان رذیلاخله خلغالی جلال منمکس گردیده سرفرازانم مقاومت نموده و خواهان تماس با هیأت



جمهوری اسلامی ضد صهیونیست (۱) و معامله نفت با اسرائیل

از صفحه ۵

دروغ برداریهای همیشگی سردمداران رژیم تاکید نمود که «انتشار این گونه اخبار از جمله طرفداریهای تبلیغاتی است که دیگر شریک کارآمدی برای اتزوی انقلاب اسلامی ایران نزد افکار عمومی جهان نیان به حساب نمی آید»

البته وجود رابطه بین رژیمهای سرسپرده ایسراان و اسرائیل امر تازه ای نیست و علیرغم همه تلاشهای جمهوری اسلامی در لایوئانی آن، این واقعیت بارها بار با تکیه به اسناد معتبر اثبات گردیده است و همچنانکه در جریان سفر ملک فارلین به ایران که به اعتبار حدت یابی تظانهای درونی طبقه حاکمه در امریکا به رسوائی «ایران گیت» انجامید و نه تنها رابطه ایران و امریکا بلکه روابط بینانی و فریدی و فروشهای مرمیانه اسلامه بین جمهوری اسلامی و اسرائیل در مقابل افکار عمومی جهان نیان قرار گرفت، بنا بر این ایسراان واقعیت که جمهوری اسلامی از بدو استقرارش با رژیم مسزور اسرائیل در تماس بوده و در جهت بهیبرد سیاستهای امپریالیسم در منطقه با این رژیم صهیونیست همکساری نزدیک داشته است و حقیقتی غیرقابل انکار است و ولسمی در این میان آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، یقین در آنست که رویزیونیستهای شوروی در دفاع از جمهوری اسلامی می باشد که حتی در این زمینه که کوس رسوائی رژیم در همه جا به صدا درآمده است و تلاشهای بیشتابهای بکار می بردند تا در جهت تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی حقیقت فوق را بگونه ای کتمان نمایند و امری که بار دیگر ما بهیضه ضد مردمی رویزیونیستهای وریدکننده شوروی را در مقابل انظار جهان نیان قرار میدهند.

با افشای معامله نفتی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل دستگاهای تبلیغاتی شوروی در تداوم سیاستهای شناختی شده همیشگی خود، ضمن تکذیب این خبره از دشمنان خلقهای ایران یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی چنان

دفاعی نموده و به تظهر چهره دهنش و فریبکار این رژیم پرداختند که باید گفت و لازم و بهتر است سردمداران رژیم مدتی و مسئولین دستگاه تبلیغاتی خود را برای فراگیری شیوههای دفاع از «اسلام ناب محمدی» به نزد مبلغین شوروی که در نقش کاسه ناغتر از آبی در مقام توجیه سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی و لایوئانی حقایق رسوا بر علیه این رژیم قرار گرفته اند اعزام نمایند. رانیو مسکوم در رابطه با خبر فوق و با ذکر این نکته که تهران تصمیم گزارشهای مربوط به فروش نفت به اسرائیل را بی اساس خوانده است و گفت: «به نظر می رسد غرب به جنگ تبلیغاتی جدیدی بر علیه رهبران ایران دست زده است و کوشش می کند ایران را در مقابل بین المللی و مهمتر از همه در مقابل جهان اسلام بی اعتبار سازد» و در توجیه این امر بنا بر اساس مطلب اعلام نمود که: «تحلیل گران می گفتند که ایسراان در برابر غرب عقب خواهد نشست و از موضع اصولی خود در محاسبات بین المللی دست نخواهد کشید و اما چنین اتفاقی نیفتاد و بنا بر این غرب تبلیغات خود را بر علیه ایران از سر گرفت که خبر معامله نفتی ایران و اسرائیل بعضی از آن بود» بلکه بیشتر ما نه تر و وقیحانه تر از این نمیشد سخن گفت ولی را بهر مسکو در چهار چوب خط همیشگی این چنین سخن گفت و بار دیگر نشان داد که در وارونه جلوه دادن حقایق و لایوئانیستی رسوائیهای جمهوری اسلامی از هیچ شگردی روگردان نمی باشد و جایی که رژیم جمهوری اسلامی به اعتبار پیش از ده سال سلطه نشینش و فجایعی که در این فاصله در ایران و در منطقه آفریده است و رسوائی و بی اعتباری شهره عام و خاص گردیده، در عدد کسب اعتبار برای این رژیم ضد خلقی است. برای این مبنا در شرایطی که تروریسم جمهوری اسلامی جسته در ایران بر علیه خلقهای ما و جنبش انقلابی و چه در خارج از

معامله نفتی ایران و اسرائیل طی کرد چگونه هم ماهیست تکذیب‌های سردمداران جمهوری اسلامی و همیالگی همسای اسرائیلیشان بار دیگر برملا گشت و هم ماهیت تبلیغات و دفاع مذبح‌خانه‌رویزیه‌نویس‌های شوروی از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پیش از پیش مشخص گردید. (۴)

پس از تکذیب‌شنا بزرده خیر "معامله" از سوی وزارت انرژی اسرائیل و آنجا که این خیر در بستر تضادهای جناح‌های مختلف دولت اسرائیل و نیروهای پشتیبان این جناح‌ها در آمریکا افشاء گردیده بود و حتی یکی از مقامات اسرائیل پس از افشای خیر مزبور مجبور گردید اعتراف نماید که: "در داخل سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل عواملی وجود دارند که مانع از ارتباط اسرائیل با رژیم جمهوری اسلامی میشوند" اسحاق رابین و وزیر دفاع اسرائیل در جلسه کمیسیون مشترک امور دفاعی خارجه پارلمان اسرائیل اعلام کرد: "من ابرار کامل خرید نفت از جمهوری اسلامی را به زودی به رئیس ایمن

کمیسیون تسلیم خواهد کرد" و چون افتضاح بالا گرفتار موده آرنز وزیر خارجه اسرائیل ضمن تأیید معامله نفتی با جمهوری اسلامی اعتراف نمود که "من در جریان معامله با جمهوری اسلامی قرار نداشتیم" و همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد: "اسرائیل معامله نفتی خود با جمهوری اسلامی را به اطلاع آمریکا رسانده بود" به این ترتیب روشن شد که "شیطان بزرگ" نیز در "شبه‌طنت" بسسرای "انزوی" (۵) انقلاب اسلامی نقش داشته است (۶)

به این ترتیب و در شرایطی که بدلیل اختلافات درونی هیئت‌حاکمه اسرائیل هر روز گوشه‌های تازه‌تری از چگونگی معامله فیما بین اسرائیل و جمهوری اسلامی افشاء می‌گردد، رهاکارانه بودن آن تکذیب‌های اولیه که هم‌مردوران جمهوری اسلامی و هم همیالگی‌های اسرائیلیشان در مورد خبر ایمن معامله انجام نمانده پیش از پیش آشکار می‌شود و معلوم می‌گردد که جمهوری اسلامی علیرغم همه ظاهری‌های مربوط به گویا آرمان‌خواهی خود و ابراز ضدیت با صهیونیست‌های اسرائیل به این دلیل که حضم "مسلمانان" می‌باشند بواقع دوست وفادار و هم‌پیمان اسرائیل بوده و خیر فسروش

ایران به واقعیتی غیر قابل انکار تبدیل گردیده و چهره تروریستی جمهوری اسلامی در همه جا افشاء شده است و رانیمو مسکو در دفاع از این رژیم تروریست و جنایتکار در متن تحلیل‌هایی که از افشاء شدن معامله نفتی اخیر جمهوری اسلامی بعمل می‌آورد، به‌شمارانه مطرح می‌کند که روزنامه‌های غربی چنین می‌گویند که "هدف از این کارزار آزاد ساختن سربازان اسرائیلی و گروگان‌های لبنانی است و به ایمن ترتیب جمهوری اسلامی با سروصدا زیاد به فعالیت‌های تروریستی ارتباط داده می‌شود"

بنابراین تحلیل دستگاه تبلیغاتی شوروی از آنجا که جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی دارای "موضع اصولی" است (۷) و "در برابر غرب" ایستاده و در همان حال در "مخالف بین‌المللی" و "جهان اسلام" از اعتبار بزرگی برخوردار می‌باشد و با توجه به اینکه رو شدن معامله نفتی با اسرائیل به این "اعتبار" ضربه می‌زند، لذا غرب تبلیغات دروغینی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برآه انداخته است و می‌کوشد "رهبران ایران" را در "مخالف بین‌المللی" بی‌اعتبار ساخته و آنها را "بأسر و صدای زیاد" به "فعالیت‌های تروریستی" ارتباط دهد. با چنین به اصطلاح تحلیلی است که رانیمو مسکو ضمن تطهیر چهره رسوای جمهوری اسلامی و افشای فروش نفت از طرف جمهوری اسلامی به دولت صهیونیستی اسرائیل را ساخته و پرداخته "غرب" جلوه می‌دهد. حال قبل از آنکه مطلب لازم است به آن نکته از طرف‌نویسندگان "گلاست" و "پروستریکا" که در ضمن به نقض جمهوری اسلامی در فعالیت‌های تروریستی و آگاهی کاملاً نارسیده متذکر شویم که جایی که رژیم گاه خود تلویحا و آشکارا از ارتباط خویش با گروگان‌گیری و فعالیت‌های تروریستی ضمن می‌گوید دفاع رویزیونیست‌های شوروی از جمهوری اسلامی و کتمان چهره تروریست او تنها یاد آور مثالی است که می‌گوید کاسه داغتر از آتش شده است و برخلاف نظر آنان که گویا جف را مدافع سوسپالیسم و ناجی طبقه کارگر خوانده و برنامه‌های او را مثبت و در جهت ترقی و بهسرفرت معرفی می‌نمایند، همین امر بمثابه گوشه‌ای از واقعیت نشان می‌دهد که سیاست شوروی در دوره "پروستریکا" نیز ادامه همان سیاست ضد انقلابی پیشین است که وظیفه‌ای جز ضدیت و مخالفت آشکار با منافع توده‌ها در مقابل خود قرار نداده است. حال به اصل مطلب برگردیم و ببینیم در ادامه روندی که جریان

(۴) در ضمن مبلخین شوروی به این نحو می‌کوشند با خاک پاشیدن به چشم توده‌ها و بازداشتن آنها از پی بردن به کنه واقعیات و رسوائی معاملات چند میلیون دلاری شوروی با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را کم‌رنگ نمایند.

حقایق بی میبرند و می‌توانند هرچه بیشتر به ماهیت "گلاستوت" یا "علنیت" آقای گورباچف و قوف بافتسه و دریا بند که معنای عملی این "علنیت" هیچ چیز نیست جز "مخفی" نمودن هرچه بیشتر چهره ددمنشانه بسوزنوازی در سراسر جهان و همانگونه که مفهوم واقعی "پروستریکا" یا بازسازی که گورباچف از آن بعنوان يك "انقلاب از بالا" یاد می‌کند، چیزی نیست جز "بازسازی" هرچه بیشتر مواضع بسوزنوازی در شوروی، بدون هک توده‌های رنجیده و زحمتکشی که ثمرات انقلاب کبیرا کتبر و مواضع انترناسیونالیستی آن در دفاع از کارگران و زحمتکشان را بعینه دیده و یا در مسوردهی شنیده و به آن آگاهی یافته اند، بهتر می‌توانند به ماهیت "انقلاب از بالا" ی کسانی که با نا بودی دستاوردهای انقلاب اکتبر براریکه قدرت نشسته‌اند پی برده و دریا بند کسسه گردانندگان "انقلاب از بالا" به تنها چیزی که نمایانند همانا منافع کارگران و زحمتکشان می‌باشد. مردم ما نیز از جمله وقتی از خبر فروش ۲ میلیون بشکه نفت از طرف رژیم مزدور جمهوری اسلامی به صهیونیست‌های اسرائیلی مطلع گشته و بار دیگر متوجه می‌شوند که باوه‌های ایسن رژیم در ضد امپریالیست و ضد صهیونیست جلوه دادن خویش تا چه حسد بی پایه و اساس می‌باشد، به این نیز پی میبرند که کتمان خبر معامله مذکور از طرف رویزیونیست‌های شوروی بمنظور دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و تلاش‌های بی ثابته آنان در تحکیم موقعیت این رژیم، از چه موضعی صورت می‌گیرد. باز مواضع ضد انقلابی و مفایر با منافع کارگران و زحمتکشان و توده‌های رنجیده ما!

۲ میلیون بشکه نفت از طرف ایسن "مسلمانان" به آن صهیونیست‌ها که ملامت داشته است. در این میان سالسه‌ای که باقی میماند اینست که حال دستگاه‌های تبلیغاتی شوروی بته برانی خود را در رابطه با تکذیب خبر فوق به نفع جمهوری اسلامی چگونه می‌خواهند توجیه کنند و شاهکار خود را در این زمینه چگونه ماستمالی می‌نمایند؟! البته برای رویزیونیست‌های شوروی که نشان داده‌اند در جهت تامین منافع خود به هر رذالتی تن می‌دهند موضوع اخیر می‌تواند امری کوچک و پیش پا افتاده باشد و در مقابل منافع حاصل از معاملات چند میلیارد دلاری آنها با جمهوری اسلامی موضوعی باشد که اساسا قابل چشم پوشی است و بهمین دلیل دستگاه تبلیغاتی آنها باز هم می‌تواند هم صنا بسا سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی از "ضد امپریالیست" بسودن جمهوری اسلامی و "موضع اصولی" اش در صحنه بین المللی و "اعتبار" آن در "جهان اسلام" و "مخالف بین المللی" نم بزند. اما برای کارگران و زحمتکشان ما که بیش از نه سال است زیر سلطه وحشیانه جمهوری اسلامی بسر می‌برند و تماشای جنایات و مظالم این رژیم سرسپرده را با گوشت و پوست خود لمس می‌نمایند، هرگز نقش ضد انقلابی شوروی در مسائل ایران و بویژه تلاش‌های بی‌گیرانه این دولت در تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی قابل اغماض نیست. مردم مسابا شنیدن تبلیغات فریبکارانه آنجنانی و مقایسه آنها با واقعیاتی که هر روز در جلوی چشمشان در جریان است و بخوبی به واقعیت تلاش‌های رویزیونیست‌های شوروی در کتمان

جمهوری اسلامی در حق فرزندان رشید و دلاور خویش را به این هیات بازگونمایند. باید کوشش در ایجاد فضا و اوضاعی نمود که هیات تحقیق رای خود را نه بر لسه جمهوری اسلامی که بر علیه او صادر نماید.



ندهند که رژیم و اربابان امپریالیست. از سفر هیات تحقیق و رای آن مستمسکی برای لایوتانی دستان تا مرفق بخسود جمهوری اسلامی ساخته و چهره جنایتکار را و را تطهیر نمایند. خانواده شهدا و اسرای دریندمایبند از هیچ کوششی در جهت رساندن فریاد عدالت خواهی خویش به گوش جهان نسیان فروگذاری نکنند و باید از هر طریقی که امکان نیز است با هیات تحقیق حقوق بشر تماس گرفته و اعمال ددمنشانه رژیم

سفر هیات تحقیق کمیسیون ...

از صفحه ۲۲

آبرویا ختگی در صحنه بین المللی بدلیل نقض حقوق بشر میباشد بنا بر این وظیفه‌ای که در این زمینه بعهده توده‌هسای ستمدیده و مبارز و بخصوص خانواده‌های شهدا و انقلابیون نربند قرار دارد این است که مبارزات و اعتراضات خود را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر شدت بخشیده و اجازه

هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر و تجمع خانواده‌های

رزمنده زندانیان سیاسی در برابر دفتر سازمان ملل

در تهران

مانع از اعمال ضد خلقی رژیم در حق زندانیان سیاسی گردیده چرا که بیگناهی توری و اعمال روش‌های جنایت کارانه و سبمانده از طرف رژیم جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و انقلابیون و از ماهیت ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم این رژیم نشأت گرفته و از آن جدائی ناپذیر می‌باشد و اساساً این رژیم ماهیتاً جهت‌حفظ وجود ننگین خویش به چنان روش‌هایی نیازمند است، ولی پلنریس سفر هیأت تحقیق حقوق بشر به ایران از طرف رژیم بمنظور کتمان نستان به خون آغشته خویش دقیقاً در خدمت برنامه‌ای قرار دارد که در جهت به اصطلاح عادی‌سازی روابط رژیم با اربابان امپریالیست و می‌کوشد در بین ممالک بین‌المللی برای این رژیم کسب وجهه نموده و در بین افکار عمومی جهان او را بعنوان رژیمی که دیگر از اعمال تروریستی دست برداشته است، معرفی نماید.

سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران در شرایطی صورت گرفته است که هنوز مدت زیادی از حمام خونی که رژیم با کشتار انقلابیون اسیر پناه انداخته نمی‌گذرده در این میان تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی پس از شکنجه‌های وحشیانه توسط مزدوران جمهوری اسلامی نسته نسته اقدام و به گورهای نسته جمعی سپرده شدند در شرایطی که میطره فضای رعب و وحشت در جامعه و اختناق نهفتنك و شرایط پلیسی مانع از آنست که توده‌ها و خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی بپراحتی بتوانند با هیأت تحقیق تماس گرفته و حقایق را بسا او در میان بگذارند. بنا بر این گذشته از ماهیست خود این هیأت می‌توان پیش‌بینی نمود که گزارش هیأت مزبور در بهترین حالت نمی‌تواند بازگو کننده تمام حقایق مربوط به جنایات و فجایع ننگین رژیم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی

در صفحه ۱۵

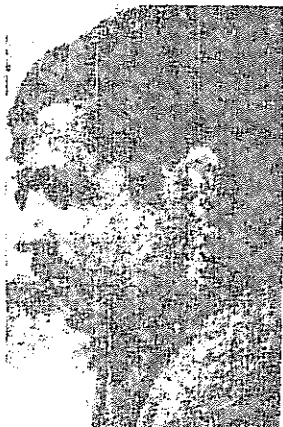
در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌کوشد جنایات بیشمار و فجیعی را که از پیش و به قدرت رسیدنش در حق توده‌های ستم‌دیده و نیروهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی مبارز مرتکب شده و می‌سود و لایوشانی نموده و یا آنها را کمرنگ، جلوه نموده در شرایطی که این رژیم جنایتکار با توجه به سمت و شدت اعمال فجیعی و سبمانده‌اش در حق زندانیان سیاسی و انباشتگری نیروهای مترقی و انقلابی در این رابطه چندین سال بود که از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به دلیل نقض حقوق بشر محکوم اعلام می‌شده در سال جاری جهت ممانعت از حکومت دوباره خویش دست به شگرد جدیدی زده و پلنریس تاهینات تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران سفر نماید.

با سفر هیأت تحقیق کمیسیون حقوق بشر به ایران بررسی رسانده‌های امپریالیستی می‌کوشند تا پذیرش این هیأت از سوی جمهوری اسلامی را گامی مثبت در رعایت حقوق بشر از طرف این رژیم ضد خلقی جلوه دهند و در این میان عناصر سازشکار و فرصت طلب و دوستان نادان خلق نیز هر يك بگونه‌ای از نتایج مثبت این سفر صحبت نموده و گاه از آن بعنوان عقب نشینی رژیم و التزام او به رعایت "حقوق بشر" در ایران بساد می‌کنند.

صرف نظر از اینکه هیأت تحقیق حقوق بشر سازمان ملل در پایان سفر خویش در مورد فجایع و اعمال جنایتبار رژیم جمهوری اسلامی چه اظهار نظری نموده و چه رایی صادر نماید و پلنریس سفر این هیأت از طرف رژیم نه به مفهوم قبول رعایت "حقوق بشر" بوده و نه بدلیل عقب نشینی او از مواضع ضد خلقی پیشین صورت گرفته است، در عین حال این نکته را نیز باید اضافه نمود که سفر هیأت مزبور هرگز نمی‌تواند

گرامی باد خاطره سرخ رزمندگان قهرمان سپاهکمل

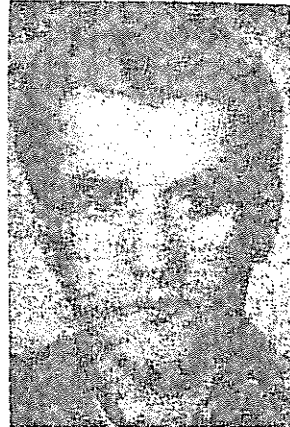
★
جلیل انفرادی



★
محمد علی محمدنقندچی



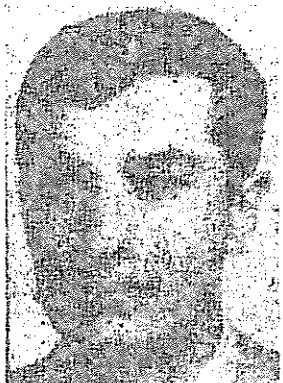
★
هادی بنده خدا انگرودی



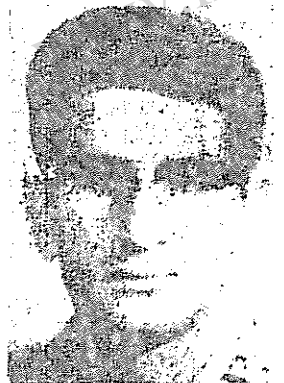
★
علی اکبر صفایی فراهانی



★
اسماعیل معینی عراقی



★
غفور حسن یوراخیل



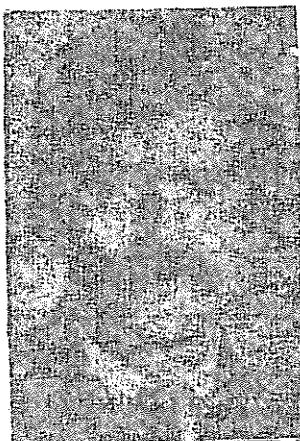
★
محمد هادی فاضلی



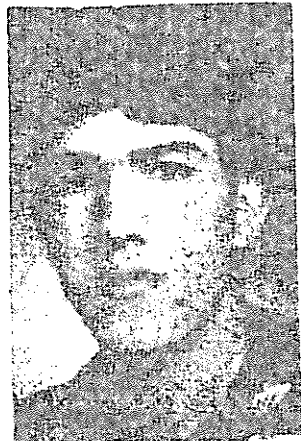
★
احمد فرهودی



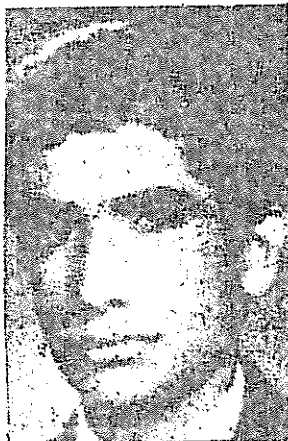
★
هوشنگا نیری



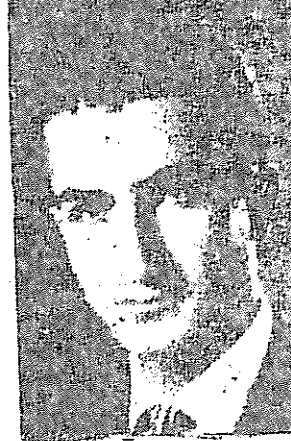
★
ناصر شیفت ذلیل صفایی



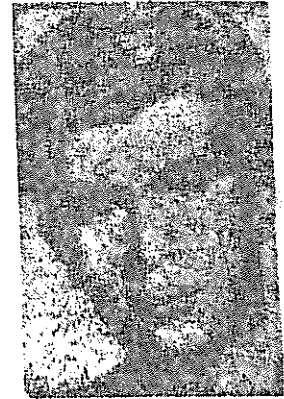
★
محمد رحیم سمایی



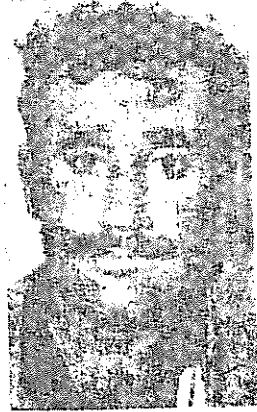
★
تجاج الدین مشیدکا



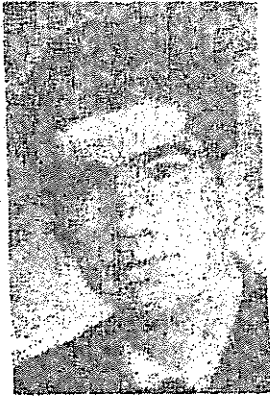
★
اشکندر رحیمی



★
عباس دانش یزادی



★
محمد مهدی اسحاقی



نماینده های از تضادهای درونی هیأت حاکمه.

از صفحه ۴۵

اظهار داشت که: "آقای شعله سعیدی نماینده شیراز صحبت خودشان را با این جمله شروع کردند که من به عنوان نماینده مستقل چنین و چنان می گویم، مثل اینکه غیر از جناب ایشان همسایه وابسته هستند، البته مشخص هم نکردند که بقیه وابسته به کجا هستند، وابسته به غرب و شرق یا یک جناح؟! انگار فقط ایشان هستند که مستقل هستند"، وی در حالیکه در دفاع از برنامه های غارتگرانه دولت خطا به رقبای ناراضی و نماینده مزدور سخن میرانده در ادامه سخنانش گفت: "اژن نشستن و بیرون گود ناسزا گفتن کار راحتی است"، "حمله به یک جناح از ابتدا تا انتها که این هم حمله به یک جناح نیست، حمله به یکسری ارزشهاست"، در همین جلسه مجلسی مزدور دیگری به نام محمد تقی رنجبر که بدامطلاح نماینده مردم هومه سرا می باشد از سخنان کبیری آزرده شد و در اعتراض به وی گفت: "اینکه آقای

جلوه ای دیگر از اوضاع نابسامان

از صفحه ۲۲

آن و مناسبات غارتگرانه سرمایه داری وابسته با برجاست و اوضاع اجتماعی اقتصاد نو ده های نریند. ماه نه تنها کوچکترین بهبودی نخواهد یافت بلکه بر ابعاد فقر و فلاکت آنها بسی افزوده خواهد گشت. پس برخلاف آگسایه و زحمتکش ماست که برای نجات از اینس اوضاع، برای برقراری حاکمیت عادلانه خویش، مقاومت و مبارزه سترگ خود را بر علیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش هر چه بیشتر گسترش دهند.

مهندس کبیری در ارتباط با اشکالات سخنرانی آقای شعله سعیدی گفتند و نکوهش می کردند از اینکه شعله در سخنرانیها ارزشها را می گویند در مطالبات نسبت به دولت گذاشته و کارهایی که انجام شده حمله کرده اند ممکن است حرف درستی باشد. اما شما برادر عزیز چرا اشاره به سخنرانی روز یکشنبه بعضی از آقایان در همین مجلس که ارزشها را گویدند و نسبت به ناروا به جریان مقابل دادند، نگاه نکردید".

ایشان بود شده ای از درگیریهای درونی سردمداران جمهوری اسلامی طوسی ماههای اخیر، کشمکش ها و جدال هایی که گاه به صورت حاد و گاه با جدت کمتر، در اشکال و صور مختلف بروز نموده و لاسرزان بودن پاید های حکومت جمهوری اسلامی و طبایق بسیاری را در رابطه با این رژیم بر ملا می سازند.



گفته‌ها و نکته‌ها

اخلال در سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین فاطق نوری در دانشگاه تهران

رسالت سه شنبه ۱۲ دی ۶۸

بخش خبری: یک اجتماع دانشجویی که از سوی جامعه اسلامی دانشجویان در مسجد دانشگاه تهران ترتیب یافته بود از طرف عده‌ای از دانشجویان منتسب به دفتر تحکیم برهم زده شد. همین گزارش حاکی است، حوالی ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته دانشجویان که به عبادت همیشگی برای اقامه نماز ظهر و عصر به مسجد دانشگاه می‌آمدند با در بسته مسجد روبرو شدند. بنا بر گفته برخی دانشجویان در مسجد به دستور رئیس دانشگاه تهران بسته شده بود. دفاعی بعد با پیوسته جمعی از ایمان حقایق، اما می‌توانیم با هم برادر باشیم و به این برادری افتخار کنیم. وحدت ما با شما علیه دشمن است که صفوف متحد امت اسلامی فشرده‌تر می‌کند و به زنا می‌بندد.

آقایان بنشینند اگر سؤال یا اشکالی دارند مطرح نمایند تا در محیطی برادرانه پاسخ دهیم. ولی دانشجویان اخلال‌گر به عمل زشت خود ادامه دادند. آقای فاطق نوری گفت: من از عزیزان برگزار کننده و سایر دانشجویانی که از جاهای دیگر آمده‌اند تقاضا می‌کنم کوچکترین برخوردی با اخلال‌گران ننمایند. وی با اشاره به بعضی از اعضای دفتر تحکیم در اجلاس سالیانه خود در مهرماه گذشته گفت: «افتخار ما این است که اجازه ندادیم جناح دانشگاه تهران نفس بکشد» اظهار داشت: واقعا این است فضای برادری و انصاف که به عنوان یک

می‌تواند آزادیه حرف خود را بزند. سپس آقای فاطق نوری به حرف نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی برای ایراد نطق پشت بلندگو قرار گرفتند که متأسفانه به دلیل عدم همکاری مسئولین مسجد دانشگاه ایشان با بلندگوی دستی شروع به صحبت کرد. اخلال‌گران همچنان به اخلال خود در جلسه ادامه دادند. آقای فاطق نوری طی سخن کوتاهی در پاسخ به عکس العمل اخلال‌گران گفت: متأسفانه این بچه‌ها اینقدر کم جنبه و کم تحمل هستند که تحمل شنیدن ۲ کلمه حرف حق را ندارند. وی گفت: بهتر است

محمد عظیمی

نماینده مردم طبقه و چهاران

کسانی که از وزیر خسار جسمه سست‌شوال می‌کنند، بیایند توبه کنند و با مردم با صداقت برخورد کنند و گرنه مردم تکلیف خود را با آنها روشن خواهند نمود.

عباس دوزدوزانی
نماینده مردم تهران
*مسئکمن است
بعضی‌ها بپرسند که
پس چطور در دوره دوم
مجلس سؤال که شد،
آن سؤال با لحن تند
حضرت امام روبرو
شد، من عرض کردم که
آن سست‌شوال از وزیر
خارجی نبود.
و این ناطق‌ها

دو هفته ۱ دی ۱۳۶۸ - ۴ صادی ۱۳۶۸

کودمایی نورگزاران تهران
در اعتراض به اظهارات صبر مستور
علیه محرومان کشور

صبح امروز اعضای ۱۳۱ اتحادیه صنی با بعضی از افراد مجمع در مسجد جامع نسبت به تلافیهای دفتر افکات قرار می‌گیرند و وضعیت دیپلماسی خارجی کشور را عرض کردند.

اطاعت کامل و بی چون چرا از رهبری حضرت آیت الله خافیه‌ای به منزله اطاعت از حضرت امام (ره) محسوب می‌شود.

برخی افسردگی که در گذشته خود را مدافع سینه چاک ولایت فقیه قلمداد می‌کردند اکنون به اشکال مختلف از اطاعت ولی فقیه سرباز می‌زنند

اگر به اصل ولایت مطلقه فقیه صدمه بخورد سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی در طول سالها آتش بیاری در محرکه جنگ امپریالیستی ایران و عرق صدها هزارتن از بهترین جوانان و توده های محروم این مرز و بوم را به عنوان گوشت دم توپ، بدون هیچ دغدغه ای در میدانهای این جنگ خانه خراب کن از دم تیغ گذرانید.

جنایات رژیم در جریان این جنگ ارتجاعی آنقدر وحشیانه و تاسف بار است که تجلیات موهن آن گاه در نزد توده ها بصورت سوژه های مسخره آمیز بر علیه رژیم درمی آید. اما سران فریبکار رژیم با آگاهی به عمق تنفروانزجار توده ها که در قالب تمثیلهای و جوک های گوناگون در سطح جامعه نشر یافته، حتی از این جریان نیز به عنوان ابزاری در جهت تحمیق و فریب توده های تحت ستم استفاده کرده و سعی نموده اند با کمال لایزه کردن این جریان در کمالهای دلخواه، ایده های ارتجاعی مورد نظر خویش را به صورت فرهنگی که گویا در حمایت از جنگ امپریالیستی از درون جامعه برآمده جلوه دهند. "محض ریا جهت اطلاع" جلوه کشیف دیگری از این فریبکاری ردیالانده رژیم جمهوری اسلامی است.

معاصر ریا جهت اطلاع!

نگاهی به تعبیرها و اصطلاحات جبهه

«یک بار مصرف»، «کانال پرکن»، «عاشق خاکریز اول» هم می گویند. و همه حکایت شجاعت و مظلومیت نیروهای مردمی است. و اینکه به کام خطر می روند و در میان آتش منزل می کنند. و اهل هجرت و جهاد هستند و در این مسرکه به هیچ چیز نمی اندیشند جز عشق و ارتباط و انس با او.

پالنگ کن:

نماز شب خوان، چون معمولاً در تاریکی مطلق برای اقامه نماز شب برمی خیزند، برای بیرون آمدن از سنگر یا چادر بناچار پای بعضی از دوستان را نادیده نگذ می کنند.

«محض ریا جهت اطلاع» حدیث نفس و تعریف از خود است. وقتی کسی می خواهد واقعاتی را تعریف کند که به نحوی خودش هم در آن شرکت داشته برای اینکه بگوید مطمئن نیستم که خودم شایسته آن می گوید، محض ریا جهت اطلاع عرض شد.

«بوی بهشت دادان» بوی زودی شهید شدن و باده وصال بسیار رسیدن «زور آنگی شده»، «زور آنگی شده»، «زور آنگی شده» به کسی که به جهت اخلاص و «بی خویله» بوده هم می گویند. کرده و حضور قلب بیشتری دارد گفته می شود و «گلبرگ» نیز می گویند.

«شهید است یا شهید پرور» نوزاد، پسر است یا دختر از کسی که خدا به او فرزندی عنایت کرده و خورشید به وسیله نامش در جبهه به او رسیده حساسیت غلط در مورد دختر دار شدن را از شخصی می گیرند و قضا را هدفتدار مطرح می کنند.

«راگان» بین راه به وسیله بانوق های مردمی ارائه می شود، مهم از آب و غذا و جا و مکان و حمام، آرایش و خیاطی و خلاصه حواجز اولیه رزمندگان که معمولاً با کمکهای مردمی هم تغذیه می شوند.

با بین راه به وسیله بانوق های مردمی ارائه می شود، مهم از آب و غذا و جا و مکان و حمام، آرایش و خیاطی و خلاصه حواجز اولیه رزمندگان که معمولاً با کمکهای مردمی هم تغذیه می شوند.

صفحه
چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۴۸
۱۹ خرداد ۱۳۴۹

سرمای شنیده در ترکیه موجب مرگ يك ایرانی شد

آنکارا - خبرگزاری جمهوری اسلامی
يك ایرانی که از طریق مرز زمینی وارد ترکیه شده بود با تعداد روز گذشته در آنسوی مرزهای شدید در شرق این کشور جان خود را از دست داد.

وی که صبری نوزاده نام داشت به همراه دو تن دیگر از دوستان خود از طریق مرز مرزی چالدران واقع در استان شرقی وارد ترکیه شده بود.

خبرگزاری نیمه رسمی آنا تنما.

تنگی دیگر بر پیشانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

در چهارمین روز از دهه فجر کارکنان یک واحد تولیدی در اصفهان ۲ ساعت بیشتر کار می کنند

اصفهان - روابط عمومی شرکت تهیه مواد غیر فلزی اصفهان با انتشار اطلاعیه ای، ضمن ارج نهادن به ایام الله دهه مبارک فجر اعلام کرد: کارکنان این شرکت روز چهارم از این دهه را که روز دامام - انقلاب و استقلال نامگذاری شده است، ۲ ساعت بیشتر از سایر روزها انجام وظیفه می کنند.

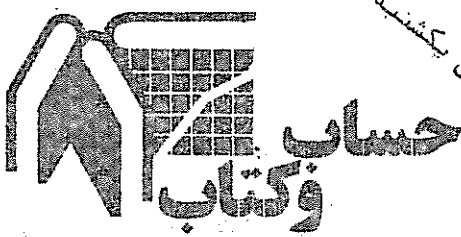
سازمان بهمن ۱۳۶۸
بیست و پنجم جمادی الثانی ۱۴۱۰
۲۳ ژانویه ۱۹۹۰ - شماره ۱۸۹۵۹

یک شبکه احتکار و توزیع داروهای کمیاب در مشهد متلاشی شد

کشف صدها بسته داروی کمیاب در بیمارستان و سقز

کشف ۷۴ تن سیسبازمینی احتکار شده از سه بیمار در اهواز و شهر کرد

شهر کرد - چهارتن سیسبازمینی در بیمارستان پرو - اهواز، ۱۰ دی جمعه



ادبیات کارگری!

ادبیات همیشه از متولات بسیار با اهمیت در رتبه و شکوفایی فرهنگی بوده و هست و خواهد بود، علی الخصوص وقتی قرار باشد وزارت کار بپایه ادبیات از نوع کارگری را تهیه بنماید بکنگره برگزار نماید. مندر را با اینکه از چند سال قبل عنوان کارگری امور خدمات استخدام رسمی نوده و ماه به ماه حق بیمه و مالیاتش را واریز کرده و حتی بیز کلا حتی بن کارگری چند سال قبل و چند سان بعدش را هم داده ام، تاکنون نسبت به مقوله ادبیات کارگری توجه نکرده بود لذا کتبه یا در این منوطه تتبع کند یا اینکه به وزارت کار شکایت خواهد کرد که کارگر بی دین دارم...

او هم ۲ - ساعت مرخصی گرفت و دست آخر این قطعه ادبی کارگری را در یک متر کاغذ خط - خطی کرد تا بلکه با ادب بودنش را ثابت کند. لذا چون هنوز نامبرده را بی ادب می دانم منتظر آثار بعدی اش هستم تا بلکه خلافتی را ثابت کند، نوشته سرا هم بداولین کنگره ادبیات کارگری که قرار است در زاهدان تشکیل شود می فرستیم. من کارگر هستم، وقتی که حق بیمه می دهم!
من کارگر نیستم، وقتی که دفترچه بیمه می دهم!
من کارگر هستم، وقتی که «بن» کارگری می گیرم!
من کارگر نیستم، وقتی که کالای بن کارگری نمی گیرم!
من کارگر هستم، وقتی که استخدام می شوم!
من کارگر نیستم، وقتی که باز نشسته می شوم!
کارفرما از من وحشت دارد!
قانون کار هم از من می ترسد!
- وقتی که کارگر هستم:
دوست دارم اضافه کاری ام را به زاهدان ببرم!
و در آنجا شرمی - قطعه ای در وصف گل و بیل بسرایم و بگویم:
حقوقم با اندازه مخارج ۱۰ روز مخارج با اندازه حقوق ۹۰ روز ۹۰ را با ۱۰ جمع می کنم و می گویم ۱۰۰ درصد من کارگر هستم!

خطر جدی آلودگی هوای تهران نیاز به یک اقدام جدی دارد

کارشناسان هشدار می دهند که هوای تهران چندین برابر استاندارد قابل قبول، مسمومیت زا است.

صفحه ۲

اطلاعات

کشف اجناس خارجی از ۱۰ فروند لنج و قایق همتوسی در آبهای ساحلی بندر عباس

از آن تعداد ۴۴۸۶ دستگاه ساعت، ۱۸۱۰ عدد لگن ناخن، ۹۶ شیشه آوکلن و ۱۱۷۵ عدد روسری کشف شد. در

گزیده‌هایی از صدای چریکها:

جاوهای دیگر از اوضاع نابامان

بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی

۶۸/۱۰/۱۱

سالهاست که تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، توده‌های ستمدیده ما در فقر و فلاکت، بیکاری و گرائی، گرسنگی و کمبود روزافزونی بسر می‌برند و حتی از دستیابی به اساسی‌ترین ملزومات زندگی خویش محرومند و تحت حاکمیت این رژیم ضد خلقی، روزبه روز نیز برداشته رنج و مرارت آنها افزوده می‌گردد.

یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین معضلاتی که توده‌های ماست طی این سالها با آن دست به گریبان بوده و همواره زندگی پراز رنج و محقت آنها را در معرض خطر قرار داده است، نبود و کمبود پزشک، دارو و حداقل امکانات درمانی میباشد که در همه حال بعنوان یکی از اساسی‌ترین مشکلات خلقهای ما مطرح بوده و هست. در عین حال که این معضل از برکت سر رژیم جمهوری اسلامی در سراسر ایران

جمهوری اسلامی و تبلیغات

زهر اکین ضد کمونیستی

۶۸/۱۰/۲۴

مدتی است که آشکار شدن روزافزون ورشکستگی رویزیونیستهای خائن حاکم بر چین، شوروی و امارش، فرصتهای نویسی را به نارودسته‌های امپریالیستی داده تا بددت بر علیه طبقه کارگر و کمونیسم اصیل به لجن پراکنی پرداخته و پایان عمر سوسیالیسم و کمونیسم، بعنوان تنها مکتب رهاثیبخش زحمتکشان را اعلام کنند. در چنین موقعیتی طبیعی است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز در حیطه انجام وظایف امپریالیستی خویش، با تمام توان بر حدت و شدت لجن پراکنیها و تبلیغات بوزروائی بر علیه کمونیستها بیفزاید و نقش ضد خلقی خویش را به کمال در این کارزار ضد کمونیستی ایفا کند.

اما در این جنجال، گنفته از تلاشهای هیستریک بر ضد کمونیسم و طبقه کارگر، سران مزدور این رژیم با از این حد هم فراتر گذاشته و به انحاس مختلف درصددند که در تبلیغات

در صفحه ۲۳

سفر هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر

سازمان ملل به ایران و تبلیغات عوامفریبانه

رسانه‌های امپریالیستی

۶۸/۱۱/۵

در شرایطی که سالهاست کوس رسوائی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی قهرمان در هر کوی و برزن بصدا درآمده است، در شرایطی که سالهاست اسم سیاه این رژیم در زمره وحشی‌ترین حکومتهائی که حقوق بشر در آنها پایمال میشود ثبت گردیده، سران مزدور این رژیم سرانجام در راستای سیاستهای ریاکارانه و ضد خلقی خویش، با سفر هیاتی از سوی سازمان ملل به ایران توافق نموده و این هیات چندروز پیش وارد تهران شد. جمهوری اسلامی ضد خلقی با اتخاذ این سیاست فریبکارانه اولاً در مجمع سازمان ملل متحد از صدور قطعنامه دوباره‌ای در رابطه با محکومیت جنایات خویش در افکار بین‌المللی جلوگیری بعمل آورد و ثانیاً اینستور جلوه داد که گویا این رژیم آنسکش و سرکوبگر حاضر است که واقعیت دهشتناک سیاهچالهای قرون وسطائی خود را به معرض قضاوت عمومی بگذارد و به آنها نشان

در صفحه ۲۵

تحت سلطه و حتی با بعد وسعت سوری نسبت به گذشته بیداد می‌کنند تا جاییکه با توجه به کثرت و شیوع بیماریهای مختلف و سطح نازل بهداشت، توده‌های رنج‌دیده مادر زندگی فلاکت‌بارشان از دستیابی به دارو و درمان شدیداً رنج می‌برند.

ابعاد کمبود دارو و درمان و تاثیرات این مساله را بویژه می‌توان در مناطق محروم میهنمان با شدت‌تری دو چندان بعینه دید. واقعیتی که نشان میدهد خلقهای رنج‌دیده ما بخصوص در این مناطق از زاویه تامین حداقل امکانات اجتماعی چه ستم هولناکی را متحمل می‌شوند.

برای نمونه اگر به بندر لنگه بعنوان یکی از محرومترین شهرستانهای ایران نظری بیاکنیم هرچه بیشتر به عواقب سیاه ناشی از حکومت رژیم جمهوری اسلامی و ابعاد فقر و تیره‌روزی توده‌های زحمتکش میهنمان پی می‌بریم. در واقع اوضاع بهداشت و درمان این شهر نشان میدهد که توده‌های رنج‌دیده این خطه برای رفع حداقل نیازهای درمانی خویش با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

قبل از هر چیز لازم بیا نآوری است که در شهرستان بندر لنگه همانند بسیاری از نقاط میهن تحت سلطه‌مان از بهداشت به مفهوم رعایت حداقل موازین آن خبری نیست. مهم‌تر اینکه آب آشامیدنی بعنوان ابتدائی‌ترین وسیله زندگی، آلوده به انواع و اقسام میکروبها میباشد. بنا بر این و با توجه به ابعاد

فزاینده فقر گریبانگیر زحمتکشان در این شهر عدم بهداشت، نبود دارو و درمان و غیره زمینه بیشتری برای شیوع انواع بیماریها در این شهرستان و اطراف و اکثاف را موجب گردیده است.

با توجه به چنین شرایط نهمتساك زیستی و این شهرستان تنها از وجود يك بیمارستان اگر بشود آنرا بیمارستان نامید برخوردار است. بیمارستان موجود در بندر لنگه در سال ۱۳۴۶ بنا شده است، و در آن زمان با ظرفیت ۲۵ تخت و بخش زایمان، داخلی و جراحی برای جمعیتی حدود ۱۰ هزار نفر ساخته شده بود. بعد از گذشت سالها که جمعیت به چندین برابر افزایش یافته است باز هم این بیمارستان با همین ظرفیت همچنان بعنوان تنها بیمارستان این شهر باقی مانده است که بایست پاسخگوی نیاز درمانی ۱۸۰ هزار جمعیت بندر لنگه و حومه‌اش باشد. بالطبع يك بیمارستان در شهری که تا شمساع ۲۶۰ کیلومتری آن بیمارستان وجود ندارد و رژیم جمهوری اسلامی هم کمترین گامی در جهت رسیدگی به کمبودهای آن برنمیدارد، بهرور زمان دچار آسیب دیدگیها و خرابیهائی هم خواهد شد. از اینرو در سال ۶۳ این بیمارستان بمنظور انجام تعمیرات بمدت ۴ ماه تعطیل شد. پس از انقضای این مدت بیمارستان بازگشائی و به اصطلاح به سرویس نهی به بیمارانش پرداخت.

اما درست یکسال و نیم بعد از انجام اولین تعمیرات مجدداً و این بار بمدت ۶ ماه یکبار دیگر این تنها بیمارستان بندر لنگه تعطیل شده بدون

اینکه محل دیگری حتی نظیر یساک در مانگاه نیز جایگزین آن نشده. بنا بر این با توجه به خرابیهائی موجود در بیمارستان، بهمین منوال بیمارستان مزبور از سال ۶۳ تا کنون بارها و هربار بمدت چندین ماه تعطیل شده است. حال میتوان در نظر گرفت که با وجود تنها يك بیمارستان در شهری با آن کمیت، زمانی که همین مرکز نیم بند درمانی تحت تعمیرات قرار گرفته و تعطیل شده توده‌های ستمدیده برای سناوای بیمارانش خود با چه مصائب و مشکلاتی روبرو می‌گردند.

از اینرو اهالی بندر لنگه و بخشهای بستک، گاوبندی، شیبکوه، لاسرد و بندر خمیر که از بیمارستان مزبور سرویس می‌گیرند، یا باید متحمل هزینه گرانی شوند و به شهرهای دیگر مراجعه نمایند و یا بخاطر فقستان امکانات مالی و ندری و بیچارگی، مرگ تدریجی عزیزان را در مقابل چشمشان خود مشاهده نمایند.

تازه اینها فقط شمه کوچکی از نمای بیرونی و ظاهری بیمارستان بندر لنگه محسوب می‌شوند. سلما بیسان تصویر کوچک دیگری از وضعیت درونی بیمارستان پیش از پیش روشن می‌سازد که تحت حاکمیت وابسته جمهوری اسلامی، توده‌های ستمدیده این خطه با چه مصیبت و بدبختی ای نیاز درمانی خویش را برآورده می‌سازند.

در مورد امکانات درونی این به اصطلاح بیمارستان که گویا بایست تکافوی رفع نیازهای بیش از ۱۸۰ هزار

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

نفر زحمتکشان بندر لنگه و حومه را داشته باشد باید گفت که این مرکز به معنی تنها بیمارستان این مرز و بوم فاقد حداقل امکانات و تجهیزات ضروری است و حتی از دستگاه تنفسی و دستگاه گرفتن نوار مغزی که ابتدایی ترین وسیله لازم هر بیمارستان محسوب می‌شود برخوردار نیست. در واقع این بیمارستان تنها کاریکاتوری از بیمارستان است که فاقد بخشهای ارتپدی و چشم و سوختگی سوانح و مراقبتی و ویژه است. اضافی بر همه اینها کمبود کادر پزشکی و بهر ا پزشکی و پرستاری و محدودیت تخت‌های بیمارستان از دیگر مشکلات این بیمارستان محسوب می‌شود که مثبوی هفتاد من کاغذ است. تنها محض نمونه کافی ست اشاره شود کسسه کمبود پرستار آنقدر محسوس است کسسه کادرهای بیمارستان نه نظافتچی بیمارستان را ملزم به کفیدن سرم از دست بیماران کرده‌اند. این امر به علت عدم آشنایی نظافتچیان با مسائل پزشکی بارها منجر به خونریزی شدید از محل نصب سرم گردیده و خطرات باز هم بیشتر می‌شود. متوجه جان بیماران کرده و می‌کند. از سوی دیگر وضعیت بیمارستان بگونه‌ای است که بیماران مبتلا به بیماریهای عفونی و واگیرداره در کنار مایوس بیماران بستری می‌شوند. نمونه‌های دیگری وجود دارند که مثلاً یک بیمار قلبی که نیاز به مراقبت‌های ویژه دارد در بخش عادی که بر از سروصدای است بستری می‌شود. گذشته از اینها در محلها تو که بیماران را بستری نموده‌اند بوی ممتزکننده و گند توالی نفا را پر کرده و مامهسا را آزار میدهد. در هر اتاق ۷ تا ۸ بیمار

با بیماریهای گوناگون از بیماری قلبی گرفته تا دیک کمره برونشیت و سل و غیره را روی تختها و در کنار هم خوابانده‌اند و صدای سرفه و آه و ناله برخی از بیماران مزاحم بیماران دیگر است. بوفشی که بیماران بعنوان ملحفه از آنها استفاده می‌کنند سوراخ سوراخ و کثیف است. ضد عفونی کردن آنها که جای خود دارد. به اصطلاح بعضی کسسه بیماران در آن بستری شده اند همواره مملو از مگس است. بطور کلی بهداشت در این بیمارستان که بعنوان مرکز درمانی و بهداشتی شناخته می‌شود در سطح بسیار نازلی قرار دارد و گذشته از بیماران، همراهان آنها نیز برای مبتلا شدن به بیماریهای دیگری تهدید می‌کند. از همه اینها گذشته اکثر مواقع در ناروغانه بیمارستان دواهای مورد نیاز بیماران باقیست نمی‌شود و آنان مجبورند ناروی خویش را از بازار آزاد تهیه نمایند. در این بیمارستان حتی از قطره استامنیون که از ابتدایی ترین میکبهای مورد استفاده در ایران است خبری نیست.

همچنین در بیمارستان بندر لنگه یعنی محلی که بیماران حداقل از لحاظ عصبی باید در آن راحت باشند آرامش مختل شده و کثرت ارباب رجوع، سروصدای و ازحام حدی نمی‌شناسد یک روز بعلت خرابی قفلها یا چکش به جان نرهمسا می‌افتند که قفلها را باز کننده یکروز سرو صدای کارگران ساختمانی برای کندن دیوار به گوش میرسد و آنها نمونه از این قبیله آرامش و سکوت از این بیمارستان را بطور کلی سلب کرده است.

در مورد آزمایشگاه بیمارستان بندر لنگه نیز باید گفت که بطور روزانه ۱۵۰۰ نفر مراجعه کننده دارد و

با توجه به وضعیت نرهم و برهم آزمایشگاهها، اکثر نتایج و جواب آزمایشها با منقود شده است و با به افراد اشتباه داده می‌شود. از آنجائیکه موادی که برای آزمایش به بیمارستان بندر لنگه داده می‌شود از مرکز استان می‌آید، گاه تاریخ مصرف مسسواد عکسبرداری به سر آمده و یا مسسوخ آزمایشها در بسیاری از موارد برعکس و نامرست است. باز هم جالب است بدانیم که به برکت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، در طول سالها بخشوران بنیسی ترین ملزومات بیمارستان مرزبور هنوز يك چم پزشکی نامی و یا پزشکی متخصص و جراح بیماریهای زنان و زایمان ندارد. در حالیکه در همین بیمارستان روزانه حدود ۴۰ زایمان صورت می‌گیرد.

بله آنچه که شرح رفت، تصویر کوچکی از وضعیت يك بیمارستان تیبیک در یکی از محرومترین شهرهای میهن تحت سلطه مان است. این واقعات تاسف بار بمنابه نمودی از وضعیت بهداشت و درمان توندهای ستمی شده میهنمان نشان میدهد که رژیم ضد خلقی و وابسته‌ای نظیر جمهوری اسلامی تمام هم و شمش حکمرانی بر جان و مال توندها و تشدید غارت و سرکوب آنهاست و کوچکترین وقتی برای نیازهای پزشکی توندها نظیر بهداشت و درمان و آموزش قائل نیست. این واقعات در همین حال گونه بیمار کوچکی از سیمای گریسه رژیم جمهوری اسلامی و همچنین تصویری از فقر و محرومیت کارگران و زحمتکشان ما زیر حاکمیت زور و سر نیزه ایسین رژیم است.

بدون شك تا این رژیم و مهمتر از

جمهوری اسلامی و تبلیغات زهر آگین ضد کمونیستی

از صفحه ۲۰

زهر آگین شان، مذهب و جمهوری اسلامی را پس از باصلاح فروریختن کمونیسم به عنوان مکتب و نظامی که باید از این به بعد الگوی توده‌های سایر جوامع و منجمله در کشورهای فوق‌الذکر قرار گیرد جا بزنند و برای این کالای امپریالیستی دست دوم خود بازار گرمی کنند. در همین راستاست که در روز یکشنبه گذشته، حسین روحانی نماینده رژیم از تهران در مجلس شورای اسلامی نیز به سیاق دیگر همیالگهایش در اشاره به تحولات اخیر در عرصه جهانی و منجمله فعل و انفعالات در باصلاح اردوگاه سوسیالیسم، به لجن پراکنی بر علیه مکتب کمونیسم یعنی علم رهائی کارگزاران و زحمتکشان پرداخت و طی سخنانی با استناد به عملکردهای رویزیونیستی سردمداران کشورهای بلوک شرق گفت: «آن مکتبی که در طول ۲۰ سال گذشته روبروی دین و مذهب ایستاده بود و بنام علم و بنام اصول تفهیرناپذیر روبروی تفکر منهبسی ایستاده بود، این غول مردود و رهمفکست و از بین رفت.»

روحانی این جیره‌خوار سرمایه‌داران وابسته در ادامه اراجیفش، بنا بر سرعت طبقاتی‌اش در حمله به ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم افزود که: «این از دیدگاه ایدئولوژیک سسک پیروزی برای اسلام و مسلمین است.» ما بارها توضیح داده‌ایم که بموازات

غلبه روزافزون رویزیونیسم بر حزب و دولت در اردوگاه کشورهای باصلاح سوسیالیست، از سالها پیش عملکرد حکام رویزیونیست و خائن این کشورها نه تنها هیچ ربطی به مارکسیسم و طبقه کارگر نداشته بلکه اتفاقا این سیاستها در جهت ضربه زدن به حیثیت والای کمونیسم و همچنین تخریب در انقلابات کارگری این جوامع به نفع بورژوازی بوده و میباشد. بنا بر این برغم میدانداریهای امروز مزدورانی نظیر روحانی در مبارزه با کمونیسم، اتفاقا سخنان اخیر او پیش از هر چیز ترس و وحشت این کارگزاران مزدور سرمایه را از کمونیسم و مارکسیسم اصیل به مثابه تنها تئوری گورکن سلطه امپریالیستی و کارگزاران و ایادیش نشان میدهد. چراکه امثال روحانیها به خوبی میدانند که از تاریخ پیدایش مارکسیسم و کمونیسم در جهان این مکتب، نوید بخش دوران تازه و سرنوشت ساز و بصدا در آمدن ناقوس مرگ تدریجی نظام سرمایه‌داری و نابودی محتوم تماشایی استثمارگران و فریبکاران و بایان کار ایدئولوژیهای کهنه آنان توسط طبقه کارگری بوده که به این ایدئولوژی و جهان بینی مسلح گشته است.

امثال روحانی مزدور خوبی میدانند که در طول تاریخ حیات سرمایه‌داری محتضره، هر جا که کمونیسم و مارکسیسم مهر و نشان سرخ خود را بر جنبشهای طبقات فرودست کوبیده، جنبش آنها بر

علیه استثمارگران چنان سلی را موجب شده که مهار و کنترل آن توسط بورژوازی سرکوبگر بهیچ رو امکان پذیر نگفته است و امروز اگر ما شاهدیم که انقلابات کارگری پیرومند تحت هدایت ایسن ایدئولوژی و پیشاهنگان مسلح به آنها در یک پروسه تدریجی در کشورهای سوسی نظیر چین و شوروی و غیره به تحلیل رفتند، این امر اتفاقا بدلیل آن بوده است که رویزیونیستهای از قماش حکام چین و شوروی بخاطر ماهیت طبقاتیشان در طی یک پروسه، این انقلابات عظیم و دوران ساز را از مسیر مارکسیسم و کمونیسم منحرف ساخته و جهتگیریهای آنها را بر خلاف اهداف و آرمانهای کمونیستی توده‌های محرک این انقلابات سازماندهی کرده‌اند. و گرنه همه و از جمله خود جناب روحانی بخوبی میدانند که بنا به تجربیات تاریخی انقلابات کارگری زیر لوای مارکسیسم و کمونیسم ما نامیکه این انقلابات در پروسه تکاملی به اصول خنثه‌ناپذیر خویسش وفادار ماندند، چه در چین و چه در شوروی، موجب تحولات بسیار شگرفی در زندگی این جوامع گشته و در حالیکه در مدت کوتاهی فقر و فلاکت و مآسای فراوان ناشی از آن را در مقیاس بزرگی از بین بردند، به رها نیدن توده‌ها از خرافات منهبی و تبلیغات ارتجاعی نظامهای بورژوازی و ایدئولوژیهای کثیف آنها باعث نائل آمدن آن جوامع به

بیشرفتهای بسیار بزرگی در همه عرصه‌ها شدند.

بنا بر این آنچه که در تحولات اخیر کشورهای با اصطلاح سوسیالیستی برخلاف اراچیف نارودسته‌های امپریالیستی و منجمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر اثبات شده، عبارت از این واقعیت است که مارکسیسم و کمونیسم اصیل نه تنها در مقابل ایدئولوژیهای ارتجاعی و خرافات مذهبی که جز ابزار در دست رژیمهای بورژوازی جهت تسهیل استثمار توده‌ها نیستند، شکست نخورده بلکه با روشن شدن ماهیت بورژوازی عملکردهای کنونی حکام رویزیونیست، مارکسیسم و کمونیسم زمینه‌های مساعدتری برای رشد و گسترش و بالایش بیش از پیش خویش از انواع رسوبات و آلودگیهای بورژوازی نیز بدست آورده است. پس فریبکارهای روحانی مزدور در این رابطه الحق که بیشتر بکار خود همین سگان زنجیری می‌آید تا بکار تحمیل توده‌ها، آگاهی که دارند از ورای تمامی این تبلیغات هیستریک ضد کمونیستی امثال ایشان و رژیمشان و چهره بورژوازی‌ها را در بریده‌ای را تشخیص دهند که با وجود احتقار روزافزون بشدت مشغول رنگ و لعاب زدن به کالهای کهنه و ارتجاعی خویش است.

واقعیت این است که در کارزار تبلیغات مسموم ضد کمونیستی، امپریالیستها و سگهای زنجیریش جهت مقبولیت بخشیدن به اراچیف ارتجاعی خویش بر علیه کمونیسم و مارکسیسم به فریبکاری رنیلانه‌ای دست می‌زنند. آنها در این کارزار مسموم نخست کمونیسم را با عملکرد دولتهای رویزیونیست حاکم بر کشورهای بلوک شرق معنی میکنند و سپس با استناد به سیاستهای ضد کارگری و ضد انقلابی

تلاش میکنند که ضمن علم کردن بپرق "اسلام" و "مسلمین" و مدلهای ارتجاعی‌ای نظیر "جمهوری اسلامی" که در طول سالها ثابت شده جز ابزاری در دست امپریالیستها و سگهای زنجیریشان برای پیشبرد سیاست نواستعماری و تحمیل توده‌ها نمیباشند، به فریبکاری پرداخته و ضمناً در این کارزار ضد خلقی، به لاپوشانی دفاع و حفاظت بی چون و چرای خود و رژیمش از منافع سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیستان منبول شود. بلکه ترس و وحشت امپریالیستها و سگهای زنجیریشان از کمونیسم، بشا به مکتب رهائی بشریت از قید سلطه امپریالیسم و نوکراتشان میباشد که امروزه آنان را واداشته تا با صرف هزینه‌های گزاف و با استفاده از بست‌ترین و رنیلانه‌ترین شیوه‌ها به دشمنی با مارکسیسم و انقلاب بپردازند. در این راه و رشکستگی‌شان بجائی رسیده که حتی از دست یازیدن به مستمسکهای ارتجاعی و ضد خلقی شناخته شده‌ای همچون مدل جمهوری اسلامی نیز دریغ نمی‌ورزند.

ولی همین دست و پا زدن و تلاشهای مذبحخانه امروز امپریالیستها و وابستگی نظیر جمهوری اسلامی، از سوی دیگر انعکاس هراس روزافزون آنها از يك واقعیت مادی و بتدریج رشدیابنده است. آنها از آنجا که به چشم خود می‌بینند که چگونه امروز در اکثر جنبشهای توده‌ای طبقه کارگر و زحمتکش از آمریکا لائین گرفته تا آسیا و آفریقا، تالان مارکسیسم و کمونیسم بر تارک این نهضتهای انقلابی نهفته است و از آنجا که این جنبشها و تکوین و رشد روزمره آنها بیش از هر چیز نوید دهنده فدائی است که در آن بی‌سگر از در صفحه ۶

آنها به تبلیغات برداشته و سازماندهی شده خویش بر علیه کمونیسم و مارکسیسم اصیل ابعاد وسیعی می‌بخشند و اعمال ضد انقلابی و ضد کمونیستی این نارودسته‌ها را نتیجه گریزناپذیر کمونیسم و مارکسیسم جلوه میدهند. ولی بر خلاف اینگونه‌ها لجن پراکنیها بر علیه ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی کمونیسم، اتفاقاً تحولات اخیر در عرصه جهان و منجمله تحولات اخیر در اردوگاه کشورهای با اصطلاح سوسیالیست بیش از پیش حکم بر این واقعیت میدهند که نه تنها مارکسیسم و کمونیسم شکست نخورده‌اند بلکه امروزه بر عکس، تنها راه رهائی از سلطه امپریالیسم و رویزیونیستها بر جهان و نفی و نابودی هرگونه ستم و استثمار و فقر و فلاکت دائم‌التزاید حاکم بر زندگی کارگران و سایر توده‌های تحت‌ستم جهان تنها و تنها در گرو مسلح شدن خلقهای تحت‌ستم به این تئوری دورانماز و به کارگیری آن در عمل انقلابی است. و اتفاقاً بر اساس چنین واقعیتی است که شاهدیم که عدول رویزیونیستها ی خائن به طبقه کارگر از مارکسیسم بعنوان ایدئولوژی این طبقه تا به آخر انقلابی در طول سالها، امروز بجائی رسیده است که باعث شده تا این نارودسته‌های ضد کارگری چنان عملکردهای ضد انقلابی‌ای از خود نشان دهند که سوزهای بسیاری را در دست امثال حسین روحانی‌ها و غیره قرار دهند، تا آنها از موضع امپریالیستها و سگهای زنجیریشان بر کمونیسم بتازند و مهمتراز آن بگویند که الگوهای امپریالیستی و ارتجاعی‌ای نظیر مدل جمهوری اسلامی را به توده‌های محروم قالب کنند. در چنین چارچوبی هم هست که روحانی مزدور نماینده رژیم از تهران و همپالگهایش یا این اظهارات مذبحخانه

سفر هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران

و تبلیغات عوامفریبانه رسانه‌های امپریالیستی

از صفحه ۲۰

بهدم که گویا در حکومت سیاه این رژیم از با یمال شدن حقوق بشر خبری نیست و تمامی اتهامات سنگینی که در طول یک دهه اخیر مبنی بر شکنجه و سلاخی کردن و قتل عام و سرکوب توده‌های بی‌خاسته توسط جمهوری اسلامی از سوی نیروهای انقلابی به این رژیم وارد گردیده‌اند بی اساس بوده و می‌باشد.

در عین حال که جمهوری اسلامی ضد خلقی با اتخاذ این تاکتیک ریاکارانه می‌کوشد که برخی از نیروها و جریان‌های سازگار اپوزیسیون خود را نیز خلسع سلاح کند. بخصوص نیروهایی که اینروزها با گرفتن ژستی "وجهه‌الملسه" از پشت بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها برای سفر این هیات به ایران کف می‌زنند و آنرا نشانگر دورانی مینامند که در آن گویا قرار است که جمهوری اسلامی بعنوان گرگی خونخوار توبه کرده و از گرگی بودن دست بکشد.

از سوی دیگر رژیم خون آشام جمهوری اسلامی پس از قبول رسمی بازدید هیات تحقیق سازمان ملل از ایران نیز به هیچ رو بی‌کار ننشسته و به تلاشهای مذبحخانه‌ای دست بازیده تا با اتکا به آنها ضمن جو سازیهای مسموم و تطهیر چهره سرکوبگر خویش انعام عمومی را فریفتد و در نتیجه به لایوشانی و کم‌رنگ

نمودن جنایات خویش در نقض حقوق بشر بپردازد.

همانطور که توده‌های آگاه ما شاهدند درست در مقطع ورود هیات حقوق بشر سازمان ملل به تهران است که رژیم جمهوری اسلامی مبارت به تشکیل سمیناری از سرکردگان رژیم سیاه‌چالهای خود نمود و رئیس قوه قضائیه این رژیم یعنی یزدی جلاد از آنها خواست که با زندانیان رفتاری با ملاحظ "معتزانه" داشته باشند. بازم در راستای همین فریبکاریهاست که رژیم جمهوری اسلامی ظرف روزهای اخیر با تشدید لیدرکشیهای خویش تحت عنوان مبارزه با قاچاق مواد مخدر و سازماندهی مانورهای نظیر "ظفر" در تمام کشور می‌کوشد جو رعب و وحشت را بیش از پیش در جامعه حکمفرما کرده و علاوه بر آن سرکوب و قلع و قمع توده‌های ستمدیده در ایران را در افکار بین المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر جا بزند. و بازم در راستای همین سیاست عوامفریبانه است که رژیم مزدور جمهوری اسلامی با جمع کردن طوماری از چنده تن از توابعین خائن و پادای خویش و رساندن آن بدست این هیات مسدعی میشود که اصولاً در سیاه‌چالهای جمهوری اسلامی شکنجه وجود ندارد و سرانجام در راستای همین تلاشهاست که نیروز خامنه‌ای جلاد هم به صحنه آمده و از

نرخیمان رژیم میخواهد با انقلابیون امیر البته همچون گذشته رفتاری اسلامی داشته باشند. خلاصه آنکه جلادان حاکم در این نمایشات سراسر ریا میخواهند در شرایط حضور این هیات در کشور با تلاشهای مذبحخانه‌ای چهره سیاه رژیم خویش را در اعمال رذیله‌ترین جنایات در حق توده‌ها هر چه بیشتر تطهیر نمایند.

صرفنظر از تمام این تلاشها مزدوران جمهوری اسلامی در آستانه ورود هیات مذکور برای بازدید از سیاه‌چالهای کشور با برقراری جو رعب و وحشت بیشتر از هیچ تهدید و فشار افزونتری نسبت به انقلابیون در بند فروگذاری نکرده و از هیچ تلاشی برای جلوگیری از تماس توده‌های مبارز و بجان آمده با این هیات خودداری نورزیده است. تحت چنین شرایطی است که هیات مزبور به ریاست رینالدو گالین دوپل از سوی کمیسیون تحقیق حقوق بشر سازمان ملل وارد تهران گشته و این خبر بعنوان یکی از داغترین سؤزه‌های رسانه‌های امپریالیستی تبدیل شده تا آنها بار دیگر در جهت منافع خویش و رژیم مزدورشان یعنی جمهوری اسلامی به بهره‌برداریهای ضد خلقی محیسی دست بزنند.

در اغلب تبلیغاتی که حول و حوش ورود این هیات به ایران در جریان

جمهوری اسلامی هم " دیکتاتور متزلزل شده " و به این ترتیب " دمکراسی " می‌رود تا دنیا را بگیرد . تبلیغات امپریالیستی برای آنکه این اراجیف رنیلانه را بهتر به خورد توده‌های محروم بدهند ، بسا عوامفریبی تمام ضمن توسل به عملکردهای رویزیونیستی دولتهای حاکم بر کشورهای با اصطلاح اردوگاه سوسیالیسم و نمونه‌هایی همچون پاناما ، چین ، رومانی و غیره دوران دیکتاتور را پایان یافته حساب میکنند و سپس اینطور جلو می‌دهند که حکومتهای ددمنسی نظیر جمهوری اسلامی نیز تحت تاثیر این اوضاع جهانی است که در حال پایان دادن به عمر دیکتاتور است . بنیاد خویش و آغاز دورانی دمکراتیک میباشد . درست در چنین اوضاع و احوالی است که تبلیغات امپریالیستی سفر اخیر مقامات حقوق بشر به ایران را بسه سوژه‌ای جهت فریبکاری بر علیه توده‌های آگاه تبدیل نموده‌اند و به آن نامنه‌هر چه بیشتری بخشدند .

نخستین نکته‌ای که در این رابطه باید متذکر شد آن است که برغم اهداف ضد خلقی کارزار تبلیغاتی امپریالیستها در فریب توده‌ها ، مردم آگاه و مبارزما تجربه سفر اینگونه هیاتها را در زمان دیکتاتور رژیم شاه نیز به یاد دارند و بخوبی میدانند که سفر اینگونه هیاتها مؤید پایان جنايات رژیمهای جلادی نظیر جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و رسیدن سرفصل آزادی و دمکراسی برای مسررم نبوده و نیست . همه میدانند که در زمانهای گذشته و بطور مشخص در آخرین سالهای دوران حاکمیت رژیم منحوس شاه نیزه این رژیم که در نقض حقوق بشر در آن سالها شهره عام و خاص بود با اعزام هیاتهای صلیب سرخ به ایران موافقت

سیاسی نظام سرمایه‌داری وابسته حاکم بر میهنمان میتواند چیزی به جز اعمال دیکتاتور عنان گسیخته سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیستان بر حیات و کار توده‌های محروم باشد .

تبلیغات زهرآگین امپریالیستی از سوی دیگر در صدد تزییق این توهم هم هستند که گویا رژیم جمهوری اسلامی تنها تحت فشار سازمانهای بین‌المللی همچون حقوق بشر سازمان ملل که تازه سرخ آن در دست اربابان امپریالیست رژیم میباشد ، مجبور خواهد شد بجای اعمال فشار و دیکتاتور بر توده‌ها به ایجاد فضای باز و برقراری دمکراسی جهت حل مسائل سیاسی - اقتصادی و اجتماعسی بپردازد . و بنا بر این مردم بجان آمده نیز باید به جای تشدید مبارزاتشان وضع نابسامان موجود را تحمل کرده و چشم براه آمدن اینگونه هیاتها از سوی مراجع بین‌المللی باشند تا تغییری در اوضاع وحشتناک آنها بوجود آید .

بله ! امپریالیستها با اینگونه تبلیغات عوامفریبانه قصد بر آن دارند چنان وانمود کنند که آزادی و دمکراسی‌ای که توده‌های آگاه ماطی سالهای متمادی در جهت تحقق آن خون بهترین و رشیدترین فرزندان خویش را نثار کرده و میکنند نه در گرو گسترش مبارزات و اعتراضات کارگران و سایر توده‌های تحت انقیاد و نهایتا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و قطع سلطه اربابان رژیم بلکه در تحولات از بالا و در چارچوب فعالیتها ی سازمانهای بین‌المللی‌ای همچون حقوق بشر سازمان ملل متقدم تحقق میگردد . مطابق همین اهداف جنایتکارانه هم هست که امروز رسانه‌های امپریالیستی در عمده تبلیغات زهرآگین خویش برایین شگرد عوامفریبانه تاکید دارند که در

است ، رسانه‌های تبلیغاتی امپریالیستی کوبیده‌اند تا سفر اخیر هیات تحقیق سازمان ملل برای دیدار از ایران را چنان وانمود نمایند که گویا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با اعلام توافق خویش با ورود این هیات به ایران بر این عقیده است که دیگر نمیتواند با فشار زندان ، شکنجه و دیکتاتور به حاکمیت منحوس انانامهد و میبایست از " سازش و گفتگو " با توده‌ها و سازمانهای بین‌المللی وارد شود . در این تبلیغات امپریالیستها بدلیل آنکه بهیچ رو قادر نیستند در کثیف سران رژیم جمهوری اسلامی را که تا مرفق بخون دهها هزار تن از انقلابیون و مبارزان در بند آغشته است در جنایات یکده اخیر بر علیه خلقهای محروم ما بیوشانند ، با زیرکی خاصی میکوشند اینگونه القا کنند که رژیم جمهوری اسلامی با قبول آمدن هیات مزبور دیگر در مورد سرکوب و قلع و قمع توده‌ها تغییر رویه داده و قهر و سرکوب لجام گسیخته را به کنار نهاده است . بخش کردن این اراجیف مضحک از رسانه‌های امپریالیستی در درجه اول تلاش مذبحخانه‌ای از سوی جناحهای متفاوت امپریالیستی در جهت وارونه جلوه دادن ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بمثابه حافظ نظام سرمایه‌داری وابسته در میهنمان میباشد . این بوقهای تبلیغاتی بنا بر منافع امپریالیستی گردانندگان آنها سعی دارند که با تزییق ایده‌های سراسر کذبی مبنی بر تغییر رویه رژیم جمهوری اسلامی از دیکتاتور به دمکراسی و غیره ضمن پاشیدن خاک بر چشم توده‌های آگاه جهان و منجمله خلقهای قهرمان ایران ، چنان وانمود سازند که گویا رویسای

کرد. اما سفر این هیاتها به ایسران اساسا بخاطر بیان بخشدن به دیکتاتوری سیاهی که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در طول سالها در کوچه و خیابانها و در سیاهچالهای وحشتناک خود بر علیه تودههای محروم و کمونیستها و انقلابیون اسیر اعمال میکرد نبود. چراکه ایسن سفرها در زمان رژیم شاه نیز اساسا نه بخاطر طرفداری آنها از حقوق تودههای محروم بلکه بخاطر مصالح بین المللی آن روز امپریالیستها و بویژه تحت تاثیر طرح مسئله "حقوق بشر" کارتر رئیس جمهور وقت امپریالیسم آمریکا بود. تودههای کارگر و زحمتکش ما ضمن تکیه بر تجارب و آگاهی انقلابی خویش طی یازده سال گذشته با گویشت و پوست خود لمس کرده اند که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بعنوان سکاندار نظام امپریالیستی حاکم، تنها و تنها در گرو گمترش و تداوم دیکتاتوری خشن و سرپایان و سرکوب اعتراضات و مبارزات آنها میباشد و جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم فقط و فقط در پناه این اعمال جنایتکارانه و وحشیانه است که میتواند موجودیست نظام سرمایه داری وابسته را حفظ و با غارت و استثمار تودههای محروم ما به تامین منافع اربابان امپریالیستش بپردازد.

بنا بر این ما نامیکه اساس و چارچوب مناسبات امپریالیستی بر جای مانده باشد، ما نامیکه طبقه انگل صفت سرمایه داران وابسته بر این نظام حاکم و بر جان و مال تودهها حکم برانند، رژیمهای موجود نیز در هر هیاتی که

باشند از نوع آریا مہری گرفته تا جمهوری اسلامی، جز اعمال کننده این دیکتاتوری سیاه نبوده و کاربرد زور و سرکوب انجام گسیخته، شکنجه و سلاخی انقلابیون و معترضین به نظام و اعدائش و قتل عامهای وحشیانه تودههای دربند از وجود آنان جدائی ناپذیر میباشد. واقعیتی که چه در زمان رژیم مزدور شاه و چه در زمان حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد و درجات متفاوت بعینه در مقابل جنبش انقلابی تودههای ستمدیده ما قرار داشته و دارد.

تحت تاثیر همین قانونبندی سیاه نظامی تحت سلطه است که تودههای ما حداقل در طول دهسال گذشته شاهد بوده اند که سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای حفاظت و صیانت نظام به ارتش رسیده از زمان شاه از اعمال شدیدترین جنایات در حق تودههای انقلابی و فرزندان مبارزان در پی نکرده و در اینراه حتی روی رژیم گذشته را نیز سفید کرده اند. برآستی هم جانی که جمهوری اسلامی ضد خلقی حتی از اعدام زنان باردار و کودکان کم سن و سال خودداری نکرده و سیاهچالهای عرصه تاخت و تاز نرخیمان یکی از وحشی ترین رژیمهای وابسته تاریخ معاصر ایسران بوده و در شرایطی که بطور روزمسر هزاران تن از انقلابیون و مبارزین در این سیاهچالها توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی سلاخی شده و یا قتل عام گشته و میگردند آنها دیگر جانی برای قبول این اراجیف که رژیم دمنش جمهوری از این پس میخواهد تغییر رویه داده و از آدمکشی و جنایت بر علیه تودهها

دست بردارد باقی خواهد ماند؟ آیا سیاه بخر و سیخ این اکا نخب باطل در مورد نتایج شگرف دبدار این هیات از ایران و قبول و ترویج آن از سوی برخی نیروهای سازشکار و ابله و مفرضین متفاوت، جز بمعنای خاک پاشیدن بچشم تودههای تحت ستم و تطهیر چهره سیاه رژیم جسد جمهوری اسلامی است؟ بنا بر این بر خلاف لجن پراکندهای بوقهای تبلیغاتیسی امپریالیسم در مقطع سفر هیات تحقیق حقوق بشر به ایران مبنی بر "نشانه های" تغییر رویه رژیم جمهوری اسلامی از دیکتاتوری بسوی دمکراسی، این واقعیت واضح و روشنی است که آزادی و استقرار دمکراسی و دوام آنها تنها و تنها در گرو نابودی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و نیل به سوسیالیسم و کمونیسم است. آرمانی که در ترجمه اول باید برای تحقق آن تودههای مبارزه ارتش امپریالیستی و دیگر ضامن آنها به عنوان دستگاہهای اعمال زور و قهر ضد انقلابیسی نظام امپریالیستی و

سگان زنجیری حاکم در هم شکنند. در خاتمه باید یادآور شویم که سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل به ایران، در شرایطی که کوس رسوائی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدلیل سالها جنایت و خونریزی در حق تودههای ستمدیده ما، با توجه به افشاگریهای نیروهای انقلابی در سطح بین المللی در همه جا بصدا درآمده است، در چهارچوب سیاست امپریالیستی صورت میگیرد که خواهان تطهیر چهره جنایتکار جمهوری اسلامی و نجات وی از سالها ورشکستگی و در صفحه ۱۳

زنده باد خلق رزمنده گرد که برای آزادی میبند

دولت سوئد و پناهنده

محل زیست بیش از ۶۰۰ پناهنده در یکی از اماکنهای موقت پناهندگان در سوئد، دارای چنان شرایطی است که هم اکنون سلامتی اغلب آنان را تهدید می نماید.

اماکنگاه مذکور در لنگرگاه کشتی های باربری در بندر SANNEGÅRD کشتیسرگی واقع می باشد و مقامات به اصطلاح انساندوست دولت سوئد هم با دو کشتی قدیمی و فرسوده که سالها از رده و استاندارد کشتیرانی خارج شده اند از پناهندگان در آنجا پذیرایی می نمایند.

فنا و شرایط زندگی پناهندگان مورد نظر در نگاه اول تداعی گریز جیتی همانند وضعیت آوارگان ایرانی در پاکستان و ترکیه خواهد بود، ولی واقعیت این است که در کشور متدن و مهد دیکراسی سوئد (البته به معنی ظاهری آن) هم پناهنده و آواره از توحش، مظالم استعماری، اعمال غیر انسانی و سیاست های ضد پناهندگی خلاصی نداشته و ندارد.

در شرح موقعیت پناهندگان اسکان داده شده در آن کشتی ها، همین قدر کافی است اشاره شویم که فضای پر از دود و بوی گاز و شیل ناشی از موتور های کشتی (برای تامین گرما و روشنایی داخل کشتی موتور های آن دائما در حال کردن هستند) تاکنون تعدادی از کودکان و حتی بزرگسالان را پسر از ابتلا به بیماری های گوناگون، از آنجا به محلی دیگر انتقال داده اند و یا بعضی دیگر مانند آن دختر پناهنده های که بعد از ۸۵ روز در یکسک اتاقک ۲X۲ (حتی کوچکتر) و بدون نور طبیعی خود را زندانی می پندارند.

پناهندگانی که در آن کشتی ها بسر میبرند (تعداد تقریبی ۹۰ نفر از آنان ایرانی هستند)، ضمن بدوش کشیدن ستم و مصائب گذشته و دوری از خانواده های خود توأم با نگرانی و افسوس دائمی از دریافت نتایج مصاحبه با پلیس در امر پذیرش یا دپورت (اخراج) میبایست محرومیتها و تنبیقاتی که از طرف دولت سوئد به آنان روا میگردد نیز متحمل شوند.

محرومیت های چون نبود دارو و عدم بهداشت مکان زیستی، برخورد ناپسند از مترجم در مواقع ضروری، کمبود مواد غذایی و تمهیداتی دیگر برای کودکان شیرخواره، کافین نبودن وسایل گرمایی و پیشگیری از سرما، کمبود نور طبیعی در اتاقها و کابین های تنگ و تاریک کشتی، خرابی تهویه ها و گرفتگی توالت ها، دوری از مناطق مسکونی و شهر، عدم داشتن امکانات مالی بسیاری ایجاب و ذهاب و تنبیقاتی دیگر که بیانگر سیاست های ضد پناهندگی دولت سوئد و رفجسار غیر انسانی اداره مهاجرین این کشور می باشد.

تشکل های واقعی پناهندگان:

هموطنان آگاه و مپسسارز:

ما ضمن اعلام همبستگی و حمایت از خواست های پناهندگان، خواهان همکاری و همراهی شما در رساندن صدای اعتراض آنان به گوش مردم، محافل و مجامع مترقی برای تحت فشار قرار دادن دولت و اداره مهاجرین این کشور، منتهی بر انتقال پناهندگان از کشتی ها به اماکن مسکونی می باشیم.

سازمان هوادار

جریکهای فدائی خلق ایران - سوئد
۲۱ نوامبر ۱۹۸۹ISFL
BOX 100 57
560 10 LINKÖPINGISMN
BOX 34 05
400 10 GÖTEBORG

UN دراجی و خواسته های پناهندگان را با چماق پلیس پاسخ میدهد!

پناهندگان و آوارگان ایرانی!

در دومین روز اعتصاب غذا ی خشک و ۱۰ نفر از پناهندگان ایرانی که تنها خواهان روشن شدن وضعیت مهاجرت خود از UN بودند پاسخ خود را با چماق پلیس و زندان دریافت دادند.

در صبح روز یکشنبه اسرامنیتی UN کراچی در جمع اعتصابیون صورت گرفته و ولتیماتوم می داد که ببه اعتصاب غذا ی خشک پایان دهند و محوطه بیرونی UN را ترک گویند و در غیر این صورت پلیس را برای دستگیری آنها فرا خواهد خواند. اعتصابیون که مسمم بودند تا دریافت پاسخی روشن و مثبت به حرکت اعتراضی خود پایان ندهند.

در برابر تهدید UN مقاومت کرده و به اعتصاب خود ادامه میدهند. در همین روز یکی دیگر از پناهندگان پس از چهار سال اقامت در پاکستان که خواستار روشن شدن نسبت به مهاجرتش از UN شده بوده در مقابل UN دست بستہ اعتراض زده و در برابر حرکت سرکوبگرانه UN تهدید نمود: «اگر وضعیت من را مشخص نکنید من فردا استیبه خودکشی می زنم» در شبی که UN همچنان به پناهندگان اطلاع میدهند که پراکنده شوند اسرامنیتی با پیشروی هر چه تمامتر به پناهنده مذکور می گوید: «تو با این حرفها می خواهی ما را فریب دهی و ۱۰۰۰ نفر مذکور که حقکشی های UN بر علیه اش ثابت شده بود هیچ آینه ز روشنی در برابر خود ندانند و با تیغ «بها» دست خود را بسازد باره نمود. در این هنگام که زندگی این پناهنده در معرض خطر حتمی قرار داشت و با بحالت و کمک پناهندگان که در جلوی UN حضور داشتند از خطر مرگ نجات یافت و به بیمارستان منتقل شد اما با اینحال وضعیت وی همچنان وخامت بار است.

پس از این حادثه UN کراچی نه تنها از توجه به خواسته های اعتصابیون طفره رفت بلکه بسته های پلیس را برای بازداشت اعتصابیون فرا خواند. پلیس اعتصابیون را تهدید می کند که: «اگر تا چند لحظه دیگر اینجا را ترک نکنید با زور چماق شما را پراکنده خواهیم کرد» اعتصابیون که از ابتدای حرکت اعتراضی شان برای رسیدن به خواسته های برحقشان خود را آماده مقابله با انواع فشارها و تهدیدات نموده بودند دستهای خردشان را به یکدیگر زنجیر نموده و چون تلی واحد در برابر افراد پلیس چماق بدست مقاومت نمودند. پلیس که متوجه باینداری اعتصابیون می بود تنها با رفتار خشن روحشیا نه خود موفق به برهم زدن مقاومت و زندانی نمودن اعتصابیون نشود. دوساعتی بعد یک عده پلیس زن یک مادر و فرزند دوساله اش را که تا آخرین لحظات مقاومت نموده بوده دستگیر نموده و روانه زندان میکنند. در گرما گرم این حادثه UN کراچی پیشروی را به جایی رسانید که وقتی پلیس حضور یافته بوده به آنان می گوید: «ما در اینجا امنیت نداریم (۱) و ایستادن در دیوار ما را رنگی کردند» (در اینجا UN جهت لوث کردن وقایع و چون پناهنده مزبور بر روی دیوار را به رنگ تشبیه میکند) UN کراچی

جنور پناهندگانی را که ناظر بر حوادث بودند نمی نمایند و به آنان اخبار می کنند که نوراً پراکنده و از UN دور شوند. وقتی که پناهندگان پاسخ دادند که "ما اینجا آمده ایم تا ببینیم چه بالائی بر سر اعتصاب بیون آمده و شما چرا بجای آنکه مسائلمان را حل کنید، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادید؟" UN که هیچ و تمسبی به حرفهای پناهندگان نمی گزارد، مجدداً به پلیس دستور می دهد که همه پناهندگان را از جلوی UN پراکنده سازد و اگر کسی مقاومت کرده دستگیر و روانه زندان نماید. تمامی رفتار پناهندگی UN کراچی در آنروز موجب از انزجار و تنفر پناهندگان ایرانی را بویژه آن دسته از پناهندگانی که خودشان اردو در پاکستان می خوانند بود و نسبت به UN دامن زد.

اطلاعاتی که تا آخرین دقائق به دستمان رسیده اعتصاب بیون هم اکنون در زندان بسر میبرد و به اعتصاب غذای شدت پیدا کرده می دهند. پلیس هم از UN دستور گرفته تا موعنی که آنان اعتصاب خودشان را نکنند آنها پستار زندان آزاد شوند.

پناهندگان و آوارگان ایرانی! تشکلهای دمکراتیک پناهندگی!

نیروهای انقلابی! انسانهای آزادیخواه!

این اولین بار نیست که UN کراچی در برابر خواستههای برحق پناهندگان و آوارگان دست به چنین اعمال ضد پناهندگی میزند و مسلماً آخرین آن نیز نخواهد بود. هم اکنون ما در راههای بسر میبریم که هم در معرض تشرور عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم و هم اینکه UN برای پناهندگان خط و نشان میکشد و هر حرکت اعتراضی و حق طلبانهشان را با چماق پلیس پاکستان و زندان پاسخ میدهد. بر شماست که وضعیت و حمایت بسیار پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان را در یاد و جهت دفاع از پناهندگان و اعمال نشان و انعامات کرد در دست در دست هم به پناهندگان و بویژه اعتصاب بیون باری رسانند و صدای ما را به گوش جهان بیاورند.

زنده باد اتحاد و همبستگی پناهندگان و آوارگان ایرانی در سراسر جهان!

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - کراچی - پاکستان

کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی - کراچی - پاکستان

۲۷ - نوامبر - ۸۹

بایانیه مکتوبه کمیته

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

بسررای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما سه شمس تشکیل دادیم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را بسررای ما بنویسید و بکوشید با مکتوبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمسانسی مسوفسق خواهد بود کسه سه توده مساویه مجموعه هواداران سسش مشکسی با سسسد.



بهنهاد نیما یوشیج
سی امین سالگرد درگذشت او
هست شب ...

هست شب
يك شب دم کرده و خاک
رنگ رخ باخته است
باد، نوباره ابر
از بر کوه و سوی من تافته است

هست شب
همجو ورم کرده تنی گرم
دراستاده هوا
هم از اینروست نمیبیند اگر
گمشده ای راهش را

با تنش گرم
بیایان نراز
مرده را مانند در گورش تنگ
به دل سوخته من ماند
به تنم خسته که میسوزد از هیبت شب
هست شب و آری شب

نیما یوشیج

تحولات رومانی در گدامین سو؟

روند جاری تحولات در بلوک شرق سرانجام طومار حاکمیت نارودسته رومیزیونیستهای حاکم بر رومانی را نیز در نوردید و با سرنگونی حکومت چائوشسکو و جایگزینی دولت موقت موسوم به "جبهه نجات ملی" سند دیگری از اوج ورعکستگی و بی‌بایگی حکومت رومیزیونیستها و ابعاد ختم و نفرت عمیق توده‌ها از آنان، به نمایش گذاشته شد.

در توضیح تحولات رومانی باید گفت که بموازات شدت گیری بحران در این کشور و بتبع از آن رشد اعتراضات نامتکبر توده‌ای، ارتش رومانی که چند روز قبل از سرنگونی هیات حاکمه باصطلاح سوسیالیست این کشوره تا نکهایش از روی مردم معترض و بجان آمده "تیمسوآرا" گذشته و صدها تن از توده‌های ناراضی را ب خاک و خون کشیدند، چیزی نگذشت که به "انقلاب" رومانی اظهار وفاداری نمود. و چند روز بعد نیز جبهه نجات ملی و سران این ارتش با سرکوب اندک مقاومت باقیمانده گارد امنیتی چائوشسکو، ضمن اعلام استقرار دولت موقت جدید، "انقلاب" رومانی را نیز پایان یافته اعلان نمودند. در ۲۵ دسامبر چائوشسکو و همسرش بعنوان اصلی‌ترین مظهر تنفر توده‌ها از سالها حاکمیت رومیزیونیستها در میان شوق و شغف بیحد توده‌های

رومانی اعدام شدند و به این ترتیب آنها نیز از برخی دیگر از رومیزیونیستهای "سج" آلمان شرقی که با سودای "مقاومت" در برابر موج بحران و اصلاحات آقای گورباچف بالخره مجبور به "خودکشی" شدند، سرنوشت بهتری پیدا نکردند.

از سوی دیگر دولت جدید یعنی "جبهه نجات ملی" هم پس از آنکه باصطلاح حزب کمونیست رومانی را منحل و نام حکومت این کشور را تغییر داده از جانب اکثر دول غربی و نیز خود رومیزیونیستهای شوروی، به مثابه دولتی برآمده از "انقلاب" توده‌ها برسمیست شناخته شد و بلندگوهای امپریالیستی نیز با دمیدن در شهبورهای تبلیغاتی مسموم خویش، پایان عمر دیکتاتوری در رومانی و رسیدن سرفصل "دمکراسی" و آزادی در این کشور را در همه جا جار زدند. اما برغم همه این تبلیغات و قضاای پشت پرده در رومانی مؤیدحقایق دیگری میباشند. واقعیت این است که رویدادهای خونین رومانی پیش از هرچیز نتیجه اجتناب ناپذیر مقاومت نارودسته چائوشسکو در مقابل امواج بحران و روند پیشروی اصلاحاتی است که گورباچف و هرگاه مدتهاست با "پروشریکا" و "گلاسنوست" خویش برای سوار شدن بر موج بحران

فزاینده اقتصادی - سیاسی گریبانگیر حاکمیت رومیزیونیستها در باصطلاح اردوگاه سوسیالیزم آنها را طرحریزی و بمرحله اجرا در آورده‌اند.

همه میدانند هیات حاکمه رومانی در شرایطی سریماس سرنگون شد که چائوشسکو از قبل رسماً و مکرراً اعلام کرده بود که رژیم او با اصلاحات جاری در شوروی و آلمان شرقی و لهستان و سایر حکومتها و احزاب "برابر" کاری نداشته و نخواهد داشت و رومانی همچنان در مسیر "سوسیالیزم" گام بر خواهد داشت و در عین حال جزئیات بیشتری که از سوی يك کانال تلویزیونی فرانسه در توضیح روند "انقلاب" رومانی انتشار یافت نشان میدهند که سران ارتش رومانی از مدتها پیش از سرنگونی چائوشسکو و ایابایش و در شرایطی که ظاهراً به حکومت او و حزب منفورش وفادار بوده‌اند، درست در همان زمان جلسات مخفیانه و محرمانه متعددی با نارودسته "جبهه نجات ملی" داشته و سرگرم طرحریزی برای آینده تحولات این کشور و جنبش توده‌ها بوده‌اند.

حکومت جدیدی که با نام "جبهه نجات ملی" و ظاهراً به نیابت از "انقلاب" رومانی در حکومت قرار گرفت، خیلی زود درصدد ایجاد روابط در صفحه ۶

اخبار و

گزارشهای خبری

گسترده‌ای را بر علیه زنان تحت‌تسم میهنمان سازمان داده و با ضرب و شتم آنان نمادی دیگر از وحشیگری خود را بنمایش گذاشتند.

* - در حالیکه کوسن رسوائی مربوط به نژادها و اختلاسهای کلان چندی پیش بهزاد نبوی در نزد توده‌ها و درهر کوی و برزن بصدا درآمد است، دیروز مجلس فاسد و جیره‌خوار رژیم تمامی اتهامات آشکار نژدی و اختلاسن را از وی میرا دانست. بهزاد نبوی مزدور نه تنها از اتهام مربوط به اختلاسن چند میلیون دلاری در شرکت سایپا و سایر اختلاسه‌ها و نژدیه‌های ریسنز و درشتی که در وزارت صنایع سنگین رژیم و در زمان تصدی او صورت گرفته بود، تبرئه شد بلکه بعنوان پادشاه‌سران رژیم به این کارگزار همبالگی خویش دست جدیدی هم در دستگاه دولتی واگذار کردند.

* - روزنامه کیهان به تاریخ ۲۶ دیماه نوشت " در زندان اوین ۴ انگشت از دست راست فردی که متهم به ۲۱ فقره سرقت بود قطع گردید " همچنین طبق خبر دیگری از جرایسد جمهوری اسلامی در ۲۵ دیماه ۵ جلادان رژیم يك زن ۳۱ ساله را به اتهام فساد اخلاقی در انظار مردم بشدرانزلی سنگسار نمودند.

* - در چهارچوب بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته قرار داد احداث يك پالایشگاه نیکر در بندرعباس با دو شرکت ژاپنی و ایتالیائی امضاء شده طبق گفته وزیر نفت جمهوری اسلامی قرارداد این پالایشگاه که هفتمین پالایشگاه نفت رژیم محسوب میشود و با کنسرسیومی مرکب از دو شرکت استامبول جوتی ایتالیائی و کیووی ژاپنی با مبلغی حدود يك میلیارد و دویست میلیون دلار منعقد گشته ۳۸ ماهه ساخته خواهد شد.

* - علیرغم اینکه سیل خانمان برانداز در جنوب کدوره زندگی بسیاری از توده‌های ستمدیده ما را در گناوه و صدها روستای دیگر منطقه ویران نمود و خسارات سهمگینی به آنها وارد آورده رژیم جمهوری اسلامی از ارسال حداقل کمکهای لازم به این مناطق خودداری میکند. از قول یکی از نمایندگان مجلس: " در گناوه يك سوم شهر غرق در آب گشته و آب سه ارتفاع بیش از ۳ متر در کوچه‌ها و خانه‌ها بالا رفته و ساکنین خانه‌های آب گرفته به منارس و دیگر اماکن عمومی منتقل شدند ۳۰۰ در گناوه حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد خسارت میشود. مردم در هوای سرد زمستانی بدون سرپناه و پوشاک و وسائل گرم کننده در محقت شدید و ناراحتی میگذرانند "

* - مدت ۶ ماه است (حدوداً از خرداد ماه به بعد) که حقوق ماهانه کارگران زحمتکشی کارگاه بیجار که زیر نظر سازمان توسعه راه قرار دارد پرداخت نشده است. مسئولین کارگاه در مقابل مراجعه و اعتراضات کارگران عنوان میکنند که بودجه ندارند.

* - در شرایطی که هر ماه حداقل ۲۰۰ تومان از دستمزد نازل کارگران تحت عنوان پول بیمه کسر میشود، طبق قانون جدید بیمه هر کارگر دارای دفترچه بیمه درمانی که مجبور باشد برای تهیه دارو به داروخانه‌ها مراجعه کند اضافه بر پرداخت پول داروهای مورد نیاز خویش باید مبلغ ۵ تومان هم بعنوان مالیات به رژیم غارتگر جمهوری اسلامی بپردازد.

* - در اثر بی مسئولیتی و بی مبالائی رژیم وابسته جمهوری اسلامی معدن ذغال سنگ پرده شاهرود مجدداً فروریخت. در اثر ریزش این معدن يك کارگر زحمتکشی قربانی مطامع سرمایه‌داران وابسته شد و جان خود را از دست داد. لازم به یادآوری است که در دو هفته اخیر این دومین بار است که معدن فوق‌الذکر ریزش میکند و کارگران ستمدیده این معدن را به کام مرگ میکشد.

* - طبق اخبار منتشره در تاریخ ۱۱ بهمن ماه عسده‌ای از مزدوران سرکوبگر رژیم، کمیته‌چپها و حزب ایللی‌های چاقوکش در اطراف میدان انقلاب و خیابان امیرآباد و چهارراه امیراکرم تهران به ضرب و شتم مردم بهدفاع و بخصوص زنستان پرداخته و عده‌ای از آنان نیز سوار بر موتورسیکلت از میدان انقلاب شیشه‌های مغازه‌ها را در مسیر خود خرد نمودند. این دومین یورش وحشیانه مزدوران رژیم به توده‌های ستمدیده ظرف یکماه اخیر است. در طی دیماه نیز کمیته‌چپهای قدره‌بند در میدان ولیعصر تهران به بهانه بدحجابی حمله

بوده است.

۴ - در چهار رجب خیمه شب بازی خونینی که مدتهاست تحت نام مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از طرف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی صورت گرفته و میگیرد در تاریخ ۱۷ دیماه را دیوی دولتی طی آنچه که يك عملیات گسترده خوانده شد، از کف صفا کیلوگرم مواد مخدر بهمراه مقادیر معتنایبی سلاح و مهمات جنگی در اطراف زاهدان خیر داد. مطابق این خبر پاسداران رژیم اینبار ۱۳۵۶ کیلوگرم تریاک، هروئین، هکس و ۱۸ قبضه سلاح جنگی و غیره را کشف و ضبط کرده اند. البته را دیوی رژیم هیچ اشاره ای به صاحبان این محصولات و هویت آنها نکرد اما وسعت دامنه عملکرد و قدرت آنها را بواقع با این موضوع که در نزد باندهای قاچاق مویشک کاتوشا ۱۰۷ و ۲ هزار عدد فشنگ دوپکا و همچنین يك نوع سلاح چینی کشف کرده است، توضیح داد.

۵ - رفسنجانی رئیس جمهور رژیم بدنبال سفر اخیرش (اوایل دیماه) به استان خوزستان در مورد نحوه عملیات باصلاح ستانهای بازاری گذاشتی عنوان داشت: "ستادهای بازاری در بعضی از استانها خوب عمل نکرده اند" و در ادامه سخنانی بعنوان مثال گفت: "اهالی تهران که وعده داده بودند بازاری شهر خرمشهر را بعهده بگیرند، بقول خود وفا نکردند" رفسنجانی در حالی وقیحانه گناه عدم بازاری شهر خرمشهر را به گردن "اهالی تهران" انداخت که در آب انماه گذشتنسه خانه ای مزدور از کیسه تهی زحمتکشان تهرانی بذل و بخرسش نموده و به نهایت از طرف مردم این شهر اعلام داشت که "بازسازی خرمشهر را مردم تهران تقبل کرده اند و متعهد شده اند که خرمشهر را دوباره بسازند".

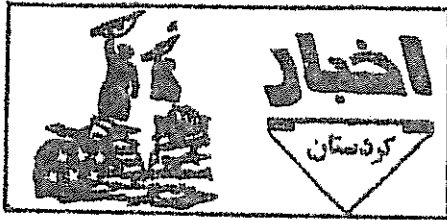
۶ - طبق لایحه جدیدی که در تاریخ ۱۰/۳ در مجلس ضد خلقی شورای اسلامی به تصویب رسیده بیگاری کفیدن از مشمولین وظیفه مجاز شمرده شده و عنوان گردید که دولت میتواند به منظور تامین نیازهای نیروی انسانی خود و غیره در کارهای کشا وری، دامیاری، آموزش، تولیدی و جهاد سازندگی از خدمت مشمولین وظیفه در دستگاهاهی اجرائی نیروی استفاده نماید.

۷ - اخیرا فاش شد که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی طی قراردادی با يك کمپانی هلندی جهت تهیه و تولید گازهای کننده و سلاحهای بیولوژیکی، لوازم و تجهیزات تریافت کرده است که ظاهرا بمنظور ساختن واکنش و نارو به ایران فرودخته شده است.

۸ - مجله اقتصاد میگوید چاپ لندن طی گزارشی فاش نمود که جمهوری اسلامی در جریان تاراج دادن منابع و ذخایر میهنمان، بزرگترین معامله پهن فروش نفت را با یکی از شرکتهاهی امپریالیستی در آلمان بنام "مارین پکس" انجام داده است. نفت به پخما داده شده ۸۰۰ میلیون دلار ارزش داشته است.

۹ - بنا به اعتراف استاندار سیستان و بلوچستان، اگر وزارت نیرو بموقع اقدام نکند مردم شهر زاهدان تا ۱۵ سال دیگر حتی از داشتن آب خوردن محروم خواهند بود. او اضافه نمود: "منابع آب و سفره های زیرزمینی در اطراف زاهدان به علت خشکسالیهای متوالی و ازبیداد جمعیت این شهر در چند سال اخیر و مهاجرت روستائیان از شهرهای اطراف و حضور ۱۳۰ هزار تن از برادران مهاجر افغانی که در این شهر ساکن هستند در حال اتساع است و در صورتی که وزارت نیرو بموقع نصبت بسه تامین آب این شهر از منابع شناخته شده اقدام نکند تا ۱۵ سال دیگر آب آشامیدنی در این شهر وجود نخواهد داشت."

۱۰ - فرمانده بسیج سپاه پاسداران اعلام کرد که بمنظور تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی و سازماندهی نیروهای بسیجی و نیروهای بسیج جایگزین سپاه کتوری شد. بر اساس این تصمیم تمامی امور اجرائی بسیج به نیروهای مقاومت بسیج منتقل میشود. ۱۱ - در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی ظرف روزهای اخیر بشدت در تلاش برای تکذیب رابطه های گسترده اقتصادي - سیاسی خویش با رژیم اشغالگر اسرائیل است و هنوز افتخار ناشی از اغشای فروش يك محموله حدود ۴ میلیون بشکه نفت از سوی جمهوری اسلامی به عمپالگیاهی صهیونیستی نقل در مجلس است، اخبار منتشره بار دیگر از تازه ترین دیدار يك هیات جمهوری اسلامی با مشاور ویژه نخست وزیر اسرائیل خبر میدهد. مطابق این اخبار در جریان ملاقات بین مقامات رژیم جمهوری اسلامی و عمپالگیاهی صهیونیستشان سفیر جمهوری اسلامی در یونیس، نماینده رژیم در دفتر سازمان ملل در ژنو و همچنین یکی از عناصری که در جریان افتخار ایران گیت دخیل بوده است، شرکت داشته اند و موضوع نشست اخیر نیز عقد قراردادهای جدید نظامی و اقتصادی و امنیتی بین اسرائیل و جمهوری اسلامی



"ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی"

در راستای ایجاد تسهیلات هرچه بیشتر برای سرمایه داران زانو صفت وابسته جهت سرمایه گذاری و در شرایطی که دولتمردان رژیم بحران زده جمهوری اسلامی احتیاج مبرمی به مشارکت فعال سایر همپالنگی‌های خویش در بخش خصوصی دارند که هم‌اکنون پیمان‌برخی آثار رسمی جدا قلداری ۱۴۰۰ میلیارد تومان نقدینگی هستند و در همین حال ایسین نقدینگی را به دلیل سود جویانه خاص خود در رشته‌های مورد نظر دولت بکار نیانداخته‌اند، اخیراً مجلس شورای اسلامی اقدام به تصویب قانونی نمود که مطابق آن به دولسنت اجازه داده شده که در سه نقطه از مناطق مرزی کنسور مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایجاد نماید، در همین رابطه اخیراً الویری عضو هیات‌ترتیبه مجلس کمیسیون برنامه و بودجه رژیم در رابطه با اصطلاح بحاسن این طرح، اذعان نمود که: "اگر یک منطقه‌ای از سیستان و بلوچستان، اگر در آنجا، منطقه آزاد تجاری اعلام بشه، نتیجه‌اش ایسین خواهد بود که اینکا سرمایه دار مت می‌خواد سرمایه‌گذاری بکنند برای فعالیت صنعتی چون می‌بینند که در او نجایبخش دیگه‌ای کامل وجود داره و کالاشی که بخواد به‌کار ببره، ساختمانی‌که بخواد بسازه، لوازمی که مورد نیازش باشه، از سود بازرگانی و عوارض گمرکی مسافراست تریجیح می‌ده که بره سرمایه‌گذاری‌ش رو در اونجا بکنه و خوداین مساله موجب جذب سرمایه به اون منطقه‌ای می‌شود کسه آزاد تجاری اعلان شده" وی همچنین مدعی شد که حسن این مساله توسعه یافتن اون منطقه‌ای است که آزاد اعلام می‌شود.

- مزدوران رژیم در کردستان، مردم ستمدیده منطقه میدانان باشه راتحت فشار قرار داده و بتاشدید اذیت و آزار آنان، بهایشان اخطار کرده‌اند که باید اسلحه‌های خود را که در خانه‌های خود پنهان کرده‌اند تحویل دهند و لیسسی اهالی روستا مطرح می‌کنند اسلحه‌ای در پیش خود ندارند.

- مدتی است که رژیم اقدام به خلع سلاح شماری از جاش‌های خود فروخته در منطقه باشه نموده‌است. رژیم بسا این ترسند یعنی خلع سلاح خود فروخته‌ها شی‌که مدت‌ها ریزه‌خوار رژیم بوده و در سرکوب خلق کرد شرکت داشته و بدین اعتبار مورد تنفر و انزجار بیش از حد مردم کردستان می‌باشند، قصد دارد گروه ضربتی متشکل از سربازان کرد را به حساسی آنان جایگزین نماید.

- طبق گزارشات منتشره چندی پیش مزدوران سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در تداوم جنایات وحشیانه‌شان بر علیه توده‌های ستمدیده و زحمتکش خلق کرد، به یک جنایست سنگین دیگر توسل جسته و شب هنگام با تیراندازی بسوی کاروانچیان زحمتکش در شمال کردستان یکی از آنها را بشدت زخمی نمودند. مزدوران شهکار رژیم پس از ایسین عمسسل وحشیانه که در منطقه "برادوست" اتفاق افتاد، وقبحانه اعلام کردند که دلیل تیراندازی آنها بسوی زحمتکشان بی‌دفاع و بی‌گناه این بوده است که پیشمرگان دلاور خلستق کرد به همراه کاروانچیان در منطقه رفت و آمد می‌کنند.

- بر طبق اخبار دریافتی در تاریخ ۲۲ آذرماه جاری در روستای نالاس منطقه سردشت با ردیگر دو دسته از جاش‌های مزدور رژیم بر روی هم اسلحه کشیده و مسلحانه بجسمان یکدیگر افتادند. در جریان این درگیری ۴ تن از مزدوران بدست همپالنگی‌های خویش کشته شدند.

- در دوم دیماه سال جاری یکی از محافظان شخصی امام جمعه مزدور سندی طی یک عمل قهرمانانه و انقلابی توسط یکی از فرزندان مبارز خلق کرد در منطقه ترمینال

جاودان باد خاطره سرخ رفیق حیدرو
عموا و غلوه کمونیست بزرگ، دشمن آشتی‌نا پذیر
استیالیست‌ها و استعمارگران و رهبر جنبش
کمونیستی ایران.

- طبق گزارشات رسیده گرانی در شهرهای کردستان همچنان پدیدار میگردد منجمله در سردشت و پیرا نشهریک حلب روغنسن ۱۰ کیلو موشی ترکیب بین ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بونج بسته به مرغوبیت و جنس آن کیلو موشی ۸۰ تا ۱۲۰ تومان، و هر عدد تخم مرغ به ۶ تومان به فروش میرسد.

همچنین از آنجا که علیرغم فرا رسیدن فصل زمستان و سرمای شدید، هنوز مردم کوپن های مربوط به سوخت را در بافت نکرده اند که تازه در چنین صورتی نیز سوخت نسازل پیش بینی شده در آن کوپنها تکافیوی اجتیاجات مسردم مسروم را نمیکنند. هر بشکه گازوئیل تا ۷۰۰ تومان در بازار آزاد به فروش میرسد و قیمت یک بشکه نفت نیز در شهرهای پساد شده اگر پیدا شود بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان میباشد.

- اخیرا رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی یورش دیگری را به روستاهای مرزی آغاز نموده تا با توسل به زور و رعب روستائیان ستم دیده این خطه را وادار بسد تخلیه روستاهایشان نماید. همچنین رژیم به اهالی ۲۰ روستا و دهکده در نقاط مرزی در منطقه با نه نیز اخطار کرده است که حداکثر تا اوائل سال آینده روستاهای خود را ترک کنند. - مزدوران رژیم با فشار و تهدید توده های ستم دیده روستای "ماله دون" با نه را مجبور به ترک روستای خویش نموده اند، این عمل سرکوبگرانه که به قصد تخریب روستای فوق الذکر صورت گرفته است، باعث گردید اهالی روستا در فصل زمستان و سرما از محل زندگی خود دست بکشند و به روستاهای دیگر مهاجرت نمایند.



گرامی یاد دوم بهمن ماه (۲۰ ریبندان سالسروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان توسط خلق مبارز و به پا خاسته گردد. دوریبندان یادآور جمله ای از سابقه درخشان مبارزاتی خلق در بند بست که سالیان متمادی برای آزاد شدن و آزاد زیستن سلاح بردوش گرفتند و بر علیه سلطه امپریالیستها و سگان زنجیریش دلاورانسه می جنگند!

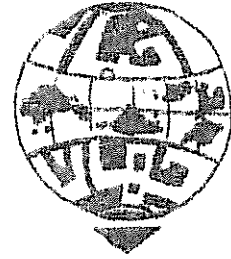
سنندج - تهران ترور شد و به مزای اعمال کثیف و سنگین خود رسید اعدام انقلابی این مزدور خود فروخته در خالی صورت گرفت که نامبرده در اعمال اذیت و آزار توده های مبارز سنندج از زمره کثیف ترین آبدی رژیم در سنندج بسود.

- اخیرا سه هزاران تن از آوارگان محروم منطقسه آلان که خانه و کاشانه شان در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق ویران و نیمه ویران شده و مجبور به ترک روستاهایشان شده اند گفته شده که حق ندارند به روستاهای خود برگردند. در ضمن جمهوری اسلامی از پرداخت هرگونه خسارت به آنها امتناع میورزد.

- در تداوم سیاست های غارتگرانه جمهوری اسلامی، رژیم کسار و قاحت را به حدی رسانده است که از مردم مبارز کردستان خواهان کمک مالی جهت احداث و افزایش پاسگاه های نظامی سرکوب خود در کردستان میگردد. در همین رابطه چندی پیش راهزنان رژیم در یکی از مناطق اطراف شهر بوکان به مسردم رنج دیده اعلام داشته اند که هر خانوار باید مبلغ ۵۰۰ تومان جهت ساختن پاسگاه های نظامی جدید بپردازد و با اذخره رژیم با تحت فشار قرار دادن روستائیان موفسوق به اخذ ۹۰ هزار تومان از آنان شد.

- از آنجا که پاسداران سرکوبگر رژیم اغلب ساختمان مدارس روستاها را در کردستان به تصوف خویش در آورده و بساط ضد خلقی خود را در آنجا پهن نموده اند، در اوائل دیماه مردم مبارز روستای "برده زرد" بوکان، پاسداران مستقر در مدرسه این روستا را تحت فشار قرار می دهند که بایسد ساختمان مدرسه را تخلیه و آسراجت تحصیل دانش آموزان در اختیار آنان قرار دهند. ولی پاسداران از ایسن کسار خودداری نموده و اعلام کرده اند که در صورتی حاضر به تخلیه مدرسه روستا خواهند بود که هر یک از روستائیان مبلغ ۵۰۰ تومان جهت ساختن پاسگاه سرکوب جدید به آنها پرداخت نمایند.

- مزدوران رژیم در شهر بوکان از رانندگان جهت سوختگیری به پمپ بنزین این شهر مراجعه می کنند مبلغ ۳۰۰ تا ۶۰۰ تومان تحت عنوان کمک به پاسداران مستقر در پمپ بنزین، اخاذی می کنند و در صورت مقاومت رانندگان، کارت اتومبیل و کارت شناسائی آنها را توقیف می کنند.



امریکای لاتین

در تاریخ ۱۸ نوامبر (۲۷ آذر) ۶ روحانی که یکی از آنها رئیس دانشگاه بوده به همراه بهترین در محل دانشگاه مذهبی توسط ۴۰ نفر مسلح کشته شدند. روسا و دانشجویان دانشگاه ارتش و دست راستیها را مسئول این کشتار می دانند. مقامات اولیه نشان می دهد که ۶ روحانی مذکور با همسان اسلحه هائی کشته شده اند که ارتش از آنها استفاده می کند. گفته می شود که کشتارهای این دانشگاه از نیروهای مخالف رژیم السالوادور پشتیبانی می کنند.

در تاریخ ۲۱ نوامبر (۳۰ آذر) در زد و خوردی که بین چریک ها و ارتش السالوادور بوجود آمده، چریک ها یک هتل بزرگ و گرانقیمت را تسخیر و ۲۴ نفر را که ۴ نفر آنها آمریکائی بودند به گروگان گرفتند. چریک ها بعد از اینکه ساختمان هتل به محاصره کامل نیروهای نظامی رژیم درآمد، هتل را ترک نمودند.

کلمبیا - طی درگیری مسلحانه ای که بین نیروهای نظامی دولت کلمبیا و نیروهای مسلح انقلابی FARC بوجود آمد ۹ چریک کشته شدند. یک سرباز نیز به هلاکت رسید. FARC از قندیترین نیروهای چریکی است که گفته میشود ۴۴۰۰ نفر عضو دارد.

چریک های ارتش رهایی بخش ملی کلمبیا در تاریخ ۲۱ اکتبر یک لوله نفتی اصلی این کشور را منفجر ساختند.

در تاریخ ۷ نوامبر (۱۶ آبان) حدود ۲۰۰ هزار نفر در مناطق رشد و تولید مور در حمایت از موز چیدان کلمبیا که تعدادشان به ۱۸ هزار نفر می رسد نسبت به اعتصاب زدند. آرژانتین - اول نوامبر (۱۰ آذر) ارزش پول آرژانتین (آسترال) بازم به پائین رفت. این امر بدنبال اعتصابی صورت گرفت که کارگران معدن، مقامات دانشگاهی، معلمین و مکانیک های هواپیما و ... بدلیل تورم ۴ رقی آرژانتین به آن دست زده اند.

شیلی - ۱۱ نوامبر (۲۰ آذر) جنبش جوانان لانسارو - بعنوان بازوی نیروهای جنگنده مسلح مردمی لاتاروه که بر علیه دولت شیلی می جنگند، بسیج دانش آموزان دبیرستان و بچه هائی را که در حلی آبادهای اطراف شهر سانتیاگو زندگی می کنند، برای یک "قیام عمومی مسلحانه" در دستور کار خود قرار داده است. بنا بر مدارک "جنبش جوانان" بچه های چریک قرار است برای "عملیات بهبودی" در خدمت گرفته شوند که در طی آن به پلیس حمله نموده و ضمن کشتن آنها اسلحه و مهماتشان را محاصره نمایند.

السالوادور - در یک حمله به منطقه اعیان نشینسی در سان سالوادور که در ۲۰ نوامبر (۹ آذر) توسط چریک های مسلح جبهه فارابوندومارتی صورت گرفت ۲۸۲ هزار نفر از افراد امریکائی ساکن آن منطقه خانه های خود را تخلیه کرده و به امریکا پرواز کردند. طبق یکسری گزارشات خانواده های امریکائی مسلح بوده و در مواردی حتی به شلیک گلوله دست زده و با چریک ها درگیر شدند. مبارزین جبهه فارابوندومارتسی طی این حمله موفق به اشغال آن منطقه اعیان نشین شدند.

در تاریخ ۲۸ نوامبر (۷ آذر) یکسری از سیاستمداران دست راستی دولت بنام فرانسیسکو هرزه گسوارو در یک عملیات درختان چریکی توسط مبارزین جبهه فارابوندومارتی اعدام شده و به عزای اعمال جناایت بار خویسش برعلیه ستم توده های ستم دیده السالوادور رسید. چریک ها که در پشت بام یک رستوران کمین کرده بودند به هنگام نیکه ماشین گوارو ضمن عبور از میان محل، در پشت چراغ قرمز توقف نمود از بام رستوران به خیابان پریده و او را به مسلسل بستند. عنصر ضد خلق با اصابت ۵ گلوله به وی به هلاکت رسید.

در اثر انفجار بمب پر قدرتی که در تاریخ ۲۱ اکتبر (۹ آبان) توسط نیروهای دست راستی دولت السالوادور در مرکز "فدراسیون ملی کارگران السالوادور" کارخانه شده بود ۱۰ تن از کارگران کشته و ۳۰ تن دیگر مجروح شدند که از این میان ۴ تن دیگر در بیمارستان جان سپردند. بدنبال این انفجار و دیگر عملیات نظامی نیروهای دست راستی بر علیه کارگران و نیروهای چپ، یکی از اعضای فدراسیون مذکور اعلام کرد راهی بجز جنگیدن نداشته است.

هائیتی - ۲ نوامبر (۱۶ آبان) پس از دستگیری سه رهبر اتحادیه‌های کارگری در هائیتی توسط دولت " اتحادیه کارگران خود مختار هائیتی " بمدت ۴۸ ساعت اعلام اعتصاب عمومی کرد.

" دمکراسی دوزیر سونیزه؟! "

رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم بر پرو که با اعلام روز ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) بعنوان روز انتخابات عمومی در کنار بکارگیری دیگر ترفندهای ضد خلقی از این قبیل سمسی داشت چهره دیکتاتور خویش را بزرگ نموده و خود را بعنوان رژیم مدافع دموکراسی جا بزند، با توجه به آگاهی و هوشیاری توده‌های تحت‌ستم این کشور و شرایط مبارزاتی که در اثر فعالیت انقلابی و مسلحانه حزب کمونیست پرو بوجود آمده است، مجبور شد نقاب از چهره برگیرد. دولت پرو که میکوشید به هر نحوه شده توده‌ها را به پای صندوق‌های رای بکشانند با اعلام تحریم " انتخابات " از طرف حزب کمونیست پرو (راه درختان) و از آنجا که توده‌ها به این تحریم پاسخ مثبت داده و عدم تمایل خود را به رای دادن بر مبنای می نمودند، تهدید کرد که رای‌ندان غیر قانونی است و امتناع از رای دادن دستگیری و حبس بدنبال خواهد داشت و در تناوب تهدیدهای خود ۵۰ دلار جریمه برای هر فردی که حاضر به رای دادن نباشد تعیین نمود. تهدید به جریمه نقدی آن‌هم به مبلغ ۵۰ دلار در شرایطی است که دستمزد يك کارگر از ۳۰ تا ۴۰ دلار در ماه تجاوز نمی‌کند.

حزب کمونیست پرو اعلام کرده بود که چنانچه در روز انتخابات اتوبوسی مردم را به پای صندوق‌های رای ببرد آنرا آتش خواهد زد. در همین رابطه اتحادیه اتوبوسرانی با اعلام عدم تامین جانی و با این عنوان که حاضر به خطر انداختن جان راننده‌ها نخواهند شده اعلام اعتصاب نمودند.

دولت آمریکا نیز به دلیل تهدید حزب کمونیست برای بهم زدن انتخابات و حمله نظامی به دولت به امریکائیهائیکه قصد مسافرت به پرو را داشته‌اند هشدار داد که نامدتی از سفر به این کشور خودداری کنند.

بولیوی - در حمایت از اعتصاب غذای ۲۰۰ معلم بسرای اضافه حقوق، هزاران کارگر روز ۳۱ اکتبر (۹ آبان) در لاپاز يك تظاهرات سراسری برپا نمودند. دولت بولیوی مدارس شهر لاپاز را برای يك هفته بسته اعلام کرده است.

- روز ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) دولت بولیوی حالت اضطراری در کشور اعلام نمود و در شروع کار ۸۵۸ تن از معلمین و رهبران اتحادیه کارگران را دستگیر کرد. وزیر کشور بولیوی از اینکه ۱۴۶ نفر از دستگیر شدگان به جنگلهای دورافتاده آمازون تبعید شده‌اند، خبر داد و رئیس جمهور اظهار داشت که اقدام ضد انقلابی فوق را جهت خاتمه دادن به اعتصاب غذای معلمینی که تعدادشان به ۸۰ هزار نفر می‌رسد انجام داده است در عین حال قصد براینست که کارگرانی که راکه از حمایت از معلمین است به اعتصاب زده اند از این کار باز داریم. معلمین بولیوی که تاکنون ماهانه ۴۵ دلار حقوق می‌گرفتند خواستار ۱۰۰ دلار حقوق در ماه شده‌اند.

ونزوئلا - بدنبال عمیق تر شدن بحران اقتصادی و قطع کمک‌ها و خدمات دولتی، اعتراضات دانشجویی دوباره در ونزوئلا از سر گرفته شده است، در همین رابطه دانشجویان در دانشگاه " آندس برمریدا " که يك مرکز کوهستانی تروریستی بوده و در ۳۷۵ مایلی جنوب شرقی کاراکاس قرار دارد در مسیر کامیون‌های حامل مواد غذایی، موانع چاده‌ای قرار داده و آنها را به غنیمت گرفتند. در جریان درگیری که در همین رابطه بین پلیس و دانشجویان بوجود آمد حداقل ۲۶ پلیس زخمی و ۱۷ دانشجوی دستگیر شدند. پلیس در این درگیری از گاز اشک‌آور و تیراندازی هوایی استفاده نمود. این سومین دور شورش در " مریدا " در عرض سال گذشته بود.

- طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل، تعداد شکنجه شدگان و اعدام شدگان و نابدید شدگان در امریکای جنوبی چندین برابر شده است این ساله بخصوص در مورد کشورهای پرو، کلمبیا، بولیوی بیشتر صادق است. طی سال گذشته در پرو ۳ هزار نفر که توسط نیروهای دولتی دستگیر و زندانی شده بودند، مفقود الاثر گشته و به همین تعداد نیز اعدام شده‌اند. در همین حال دولت امریکا روز ۱۳ سپتامبر اعلام کرد که جرج بوش روز ۱۵ فوریه ۱۹۹۰ با رئیس‌جمهورهای سه کشور پرو، بولیوی و کلمبیا در اجلاس‌های در مورد شرایط و مشکلات این منطقه صحبت خواهد کرد. جرج بوش ۲۴۰ میلیون دلار کمک مالی به این سه کشور را تصویب کرده است.

می‌توان به مجازات یکی از وزیران فرهنگ اشاره کرد که چریکها او را در نهکده‌ای در ۱۸۵۵ مایلی لیماسناسائی و به جزای اعمال ضد خلقی خویش رساندند و همچنین بنا به خبر منتشره در ۲ نوامبر، ۱۰۰ چریک به یک گرنهائی مذهبی پلیس در لیماسنا حمله نموده و عده‌ای از افراد پلیس را به هلاکت رساندند.

- ۲۲ دسامبر (اول دی) در شرایطی که پنج رئیس‌جمهور از پنج کشور امریکای جنوبی (ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور، پرو، بولیوی) مجبور شده‌اند تحت عنوان حل مسائل اقتصادی و سیاسی نواحی کوهپایه‌ای (محل فعالیت اصلی حزب کمونیست پرو "راه درختان") در مورد این ناحیه انقلابی در کشور اکوادور به مذاکره بپردازند، چریک‌های حزب کمونیست پرو پس از یک محاکمه انقلابی که توسط مردم ستم‌دیده یکی از شهرهای واقع در منطقه آند و این حزب صورت گرفت، ۸ صاحب‌مخازنه همکار دولت را اعدام نمودند. حکم اعدام بدان دلیل صادر شد که ۸ تن مذکور طی همکاری با پلیس خوراک و پوشاک در اختیار آنان قرار می‌دادند و در عین حال کالاهای خود را به قیمت گزاف به دیگر مردم شهر می‌فروختند. در اقدامی دیگر چریک‌های راه درختان ۸ روستائی را که توسط دولت پرو مسلح شده و بر علیه انقلابیون کشتی می‌دادند، به هلاکت رساندند. لازم به یاد آوری است که گروه‌هایی بنام "گروه دفاعی جاسد نهقانان" در پرو توسط دولت بر علیه انقلابیون سازماندهی شده‌اند.

فلسطین

- دولت صهیونیستی اسرائیل رسماً اعلام نمود که برای تنبیه نوجوانانی که بر علیه دولت به مبارزه برخاسته‌اند، خانه پدر و مادرشان را موقتاً از آنها خواهد گرفت. این قانون در ماه می ۱۹۸۸ وضع گشت که مطابق آن خانواده فلسطینی پس از مدتی با پرداخت مبلغی خانه‌اش را پس خواهد گرفت. اما در واقعیت امر مبلغ تعیین شده آنقدر هنگفت است که هیچیک از خانواده‌های نوجوانان مبارز قادر به پرداخت آن نیستند و در ضمن دولت تاکنون هیچ خانه غصب شده را به صاحبش مسترد نداشت است.

- دولت اسرائیل تصمیم دارد که کارت‌های شناسائی کامپیوتری برای فلسطینی‌های مناطق کرانه غربی رود اردن چاپ کند. این کارت برای اشخاصی است که روزانه برای کار روانه داخل اسرائیل می‌گردند.

از طرف دیگر از میان ۸ هزار تن از ابادی رژیم که بعنوان کاندیدای شهرداریها (انتخابات مذکور مربوط به شهرداریهاست) نام نویسی کرده بودند، ۲۰۰ تن از آنان طی یک رشته عملیات مسلحانه توسط حزب کمونیست پرو به هلاکت رسیدند و ۱۵۰ تن دیگر در وحشت از قدرت آتش انقلابیون خود ترجیح دادند از کاندید شدن رسماً استعفا دهند. از جمله کاندیداهای شهرداریها که توسط چریک‌های راه درختان اعدام انقلابی گردیدند کاندیدای شهر سانتیاگو بود.

"پلیس، مردم، درگیریها و عملیات مسلحانه در پرو"

در یکی از حملات نیروهای سرکوبگر به دانشگاه پزشکی دانشگاه سن مارکوس، ۲۰۰ دانشجوی دستگیر شدند. پلیس ضمن ادعای کشف چند بمب دست‌ساز در نزد دانشجویان، آنها را متهم به همکاری با حزب کمونیست پرو (راه درختان) نمود. در عین حال پلیس در همان روز به مراکز اصلی دانشگاه حمله کرده و ۲۰۰ تا ۳۰۰ دانشجوی دیگر را دستگیر کرد.

در یک اقدام ضد خلقی دیگر پلیس پرو به چند مرکز روزنامه‌های مختلف حمله کرده و به جرم همکاری این روزنامه‌ها با حزب کمونیست پرو، چند نفر از کارکنان این روزنامه‌ها را دستگیر نمود.

بدنبال اقدامات ضد خلقی پلیس پرو که در آستانه انتخابات فرمایشی و جهت مستولی ساختن رعب و وحشت در میان توده‌های تحت سلطه صورت گرفت، چریک‌های راه درختان با خمپاره و سلاحهای اتوماتیک به ۲ شهر واقع در شمال شرقی پرو حمله کرده و در طی درگیری با پلیس قدرت خویش را بنمایش گذاشتند. به گفته خود مزدوران پلیس این یکی از حملات سخت انقلابیون بود که از سال ۱۹۸۲ تا به حال بیسابقه بوده است. در این درگیری ۵ پلیس کشته و ۹ پلیس دیگر زخمی شدند. در این رابطه سخنگوی ارتش پرو عاجزانه اعلام کرد آنها - یعنی چریک‌ها - از تکنیک‌هایی که از طرف فیدل کاسترو ابداع شده استفاده می‌کنند.

از دیگر عملیات انقلابی "راه درختان" در این دوره

مادرات آمریکا به لهستان : ۳۰۴ میلیون دلار
 سرمایه‌گذاری‌ها - بخش خصوصی : ۳۳ میلیون دلار
 کمک : ۸۵۲ میلیون دلار
 واردات آلمان از لهستان : ۱/۵ میلیارد دلار
 صادرات آلمان به لهستان : ۱/۶ میلیارد دلار
 سرمایه‌گذاری‌ها : ۷/۱ میلیون دلار
 کمک : ۲/۴ میلیارد دلار

منبع - وزارت تجارت آمریکا

موارد بالا شامل کفترت‌های درازمدت و دوجانبه نیست.

باناما - رئیس‌جمهور جدید باناما که توسط ارتش آمریکا پس از اشغال نظامی این کشور بکارگمارده شد خواهان ۱/۵ میلیارد دلار کمک مالی برای آغاز نوسازی و ترمیم کشورش از آمریکا شد.

... مانوئل توریگا پس از دستگیر شدن توسط ارتش آمریکا در باناما برای محاکمه شدن توسط دولت آمریکا در روز ۴ ژانویه به میامی انتقال داده شد. بگفته مقامات آمریکایی، توریگا رابطه بسیار نزدیکی را با سازمان "سیا" از سال ۱۹۷۰ آغاز کرده بود. سازمان سیا توریگا را بعنوان منبمی بسیار پرارزش تلقی می‌کرد. بگفته این مقامات جرج - بوش تاکنون ۲ بار خصوصی با توریگا ملاقات داشته است. سخنگوی کاخ سفید مارلین فیتز واتر گفت توریگا هرچه بخواهد می‌تواند بگوید اما قادر به افشا ساختن و باعث بی‌آبرو گشتن جرج بوش و دولت نخواهد شد.

بگفته برخی از دیپلمات‌های آمریکا، توریگا نه تنها برای "سیا" بلکه برای سازمان ضد مواد مخدر آمریکا و همچنین ارتش آمریکا کار می‌کرده است. او هر عین حال برای کنتررها که علیه دولت نیکاراگوئه می‌جنگیدند تجهیزات نظامی و تعلیمات نظامی فراهم می‌آورد.

گفته می‌شود زمانیکه جان پویندکستر که آنزمان مشاور ریگان بود خواستار قطع رابطه با توریگا (بخاطر یکسری اختلافات) شده و پلیم کسسی که رئیس سیا بود در جواب به پویندکستر گفت: "توریگا بسیار ارزشمند تر از آن است که برسر مسائل کوچک با او قطع رابطه کنیم".

طبق گزارشات قبلی "سیا" توریگا تنها ۲۰۰ هزار دلار سالانه از این سازمان حقوق دریافت می‌کرد.

در اسرائیل نزدیک به ۱۰۰ هزار فلسطینی کرانه‌های غربی زندگی می‌کنند که نصف آنان غیر قانونی هستند و بیشترشان نیز کارگران ساختمانی می‌باشند. رئیس پلیس اسرائیل یگال مارکوس گفت: انقلاب فلسطین در حال نفوذ به اسرائیل است و باید از آن جلوگیری کنیم.

هند - پلیس هند در یک تظاهرات برای اعتراض به کشته شدن ۳۵۰۰ نفر در پالایگاه اتمی بوپال متعلق به کمپانی آمریکایی یونیون کارباید (Union Carbide) ۸۰۰ نفر را دستگیر کرد. این تظاهرات در پنجمین سالگرد جریان بوپال برگزار شد.

سریلانکا - سازمان عفو بین الملل در گزارشی چند صفحه‌ای در مورد سریلانکا اعلام کرد که از زمان اعلام حکومت نظامی از ژوئن ۱۹۸۹ در این کشور، نیروهای دولتی تاکنون ماهانه ۱۰۰۰ (هزار) نفر را اعدام کرده‌اند.

... فیلیپین ۱۱ سامپیر (۲۰ آذر) فرمانده نیروی پلیس در فیلیپین ژنرال "رامون مونتانو" ادعا نمود که ارتشهای خصوصی و سندیکاها خوب اداره شده، ثبات مملکت را مسورد تهدید قرار داده‌اند "مونتانو" در یک گزارش به "هورای ملی صلح و قانون" تعداد ۱۵۲ ارتش خصوصی را که در حدود ۱۷۰۰ نفر مرد مسلح و ۴۴۹۰ اسلحه را در برمی‌گیرد، برشمرد این گزارش همچنین خاطر نشان کرد که ۴۲۱ سندیکا ای جنایتکار که اکثر آنها در امر دزدی شرکت دارند، در سراسر کشور مخفی - فعال هستند و در بعضی از آنها افراد پلیس و ارتش عضو هستند.

آلمان غربی - در تاریخ ۳۰ نوامبر (۹ آذر) بزرگترین بانکدار این کشور بنام آلفرد هرها وزن تراثر انفجار بمبی که روی دوچرخه‌ای کار گذاشته شده و از راه دور کنترل میشد در شهر بادها مپورگ به هلاکت رسید. وی از بالانترین مقامات، از مشاوران اقتصادی دولت کهل بود. "ارتش سرخ" که مسئولیت این عملیات را بعهده گرفت، طی اعلامیه‌ای که در محل انفجار بجای گذاشته بود، توضیح داده بود که آنها هرها وزن را بجرم توسعه صنعت نظامی گری در جهان کشتند.

لهستان - قروض لهستان: به دولت آمریکا ۳ میلیارد دلار، به بانکهای آمریکا ۲۸۰ میلیون دلار.

به آلمان غربی ۷/۲۵ میلیارد دلار، به بانکهای آلمان - غربی ۴/۵ میلیارد دلار

واردات آمریکا از لهستان: ۳۷۹ میلیون دلار

محاكمه ژنرال در رابطه با افتضاح ایران گیت

ایران از دریچه آمار

سرانجام محاکمه محرمانه ژنرال سیکورد امریکائی، یکی دیگر از عوامل اصلی افتضاح ایران گیت که در آن گوشه کوچک دیگری از روابط ارباب و نوکری بین جمهوری اسلامی و امپریالیسم امریکا برداشته شد، به پایان رسید و طی آن یک دادگاه فرمایشی، ژنرال امریکائی را به دو سال زندان تادیبی محکوم نمود، ژنرال سیکورد یکی از چهره هائی بود که در جریان افتضاح ایران گیت با سازماندهی بالاترین مقامات و ارگانهای امپریالیسم امریکا نظیر جناب ریگان و سازمان سیا اسلحه و تجهیزات به رژیم جمهوری اسلامی تحویل میداد و درآمد ناشی از آن را بدست فدا انقلابیون کنترادر نیکاراگوئه می رساند.

در جریان این افتضاح بین المللی که در چهارچوب تشدید تضادهای غارتگرانه بین جناحهای امپریالیستی افشا شد، جزئیات بیشتری نیز از روابط همه جانبه بین رژیم مزدور جمهوری اسلامی و اربابان امریکائی آش رو گردید و همچنین فاش شد که به رغم سالها جنگ زرگری و تبلیغاتی جمهوری اسلامی و امریکا، بالاترین مقامات و مزدورهای حکومتی در امریکا و منجمله جناب ریگان از سالها پیش را با این افتضاح را سازماندهی و هدایت می کرده اند.

جالب اینجاست که در حالی که سردمداران جاسوسی امپریالیسم امریکا با هزار و یک کوشش فریبکارانه موفق شدند که پای ریگان رئیس جمهور وقت امریکا را از ایمن مسرکه بیرون بکشند، ژنرال سیکورد پس از شنیدن حکم محکومیت خویش ریگان را به بزدلی مشهم ساخته و افزوده است که: رئیس جمهوری وقت ایالات متحده به طور کلی از این ماجرا آگاهی داشت ولی از به عهده گرفتن مسئولیت طنز ه رفت.



- حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی و ژاپن مرتباً در حال افزایش است و خرید کالاهای ژاپنی از سوی ایسران در سال گذشته بالغ بر ۸۶۸ میلیون دلار بوده است. همچنین صادرات آلمان غربی به جمهوری اسلامی در سه سال گذشته به حجم قابل توجه سالانه سه میلیارد مارک رسیده است.

- بنابه گفته مسئول نهفت سواد آموزی آذربایجان شرقی از سه میلیون و دویست هزار نفر افراد بالای ۶ سال تنها یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سطح استان آذربایجان شرقی با سواد و ۴۸٪ بقیه بیسواد هستند. طبق همین برآورد تعداد بیسوادان در آذربایجان شرقی ۹٪ بیش از میانگین بیسوادان در سایر نقاط ایران می باشد. در همین رابطه جندی پیش یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران فاش کرد که در طول ده سال گذشته ۷۰۰ هزار نفر بر تعداد بیسوادان کشور افزوده گشته است.

- در تدویم سیاستهای غارتگرانه رژیم مبالغ زبیر به عنوان مختلف طی روزهای اول دیماه از توده های ستمدیده ما اخاذی شده است ۴ بدبها نه رفع کمبود فضای آموزشی و احداث یک دبیرستان و دبستان از کانال انجمن اولیاء و مربیان شهرستان خوانسار بیش از ۲۹ میلیون ری سال اخاذی شده است.

راهزنان رژیم همچنین تحت بهانه فوق الذکر میلیونی بالغ بر ۵۰ میلیون ریال از اعضای صنف فخرار و کوره پزخانه های دولت آباد اصفهان جپاول نموده اند. باز به عنوان گسترش فضای آموزشی از اهالی روستای آشوربای ۱۰ هزار متر مربع زمین و از اهالی روستای قدریقا از توابع بخش آقا قلا ۵ هزار متر مربع زمین غصب کرده اند.

از مردم زحمتکش تنکابن و روستاهای اطرافش نیز

- در شرایطی که صفوف بیکاران هر روز طویل تر میگردد بنا به نوشته روزنامه ابرار، فقط طی یک ماه گذشته بساط حدود ۹ هزار از دکهداران و دستفروشان تهران جمع آوری شده است.

- طبق اعترافات مخبر کمیون بودجه و برنامه رژیم تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۹۲۲/۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ بود به سطح ۲۹۶۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت، با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت معادل ۳/۲، تولید ناخالص داخلی سرانه از ۱۱۴ هزار ریال به قیمت ثابت سال ۵۲ به ۵۵/۵ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ تنزل یافته است.

- قیمت تمام شده هر کیلوگرم پوش پنبه در سال زراعی ۶۸ حداقل ۳۷۲/۵ ریال است در حالی که قیمت مصوبش ۲۳۸ ریال میباشد بنا بر این به طور متوسط ۱۳۴/۵ ریال زیان متوجه کشاورز پنبه کار با نرخ دولتی خواهد شد، این ضرر برای هر هکتار بالغ بر ۲۶۹ هزار ریال میگردد.



گرامی باد خاطرہ تختی ،
سمبل صفا و مردانگی ، مبارز ملسی
و آزادخواه پاکبخته ای که بخاطر
پیوند عمیقش با توده هادر ۱۷ دیماه
سال ۴۶ توسط رژیم مزدور ششاه
به شهادت رسید .

تحت پوشش کمک به سیل زدگان مناطق جنوبی ایران مقادیر زیادی برنج ، آرد ، سیب زمینی و تعدادی بتو و مقداری پوفاک کرم چپا ول شده است .

- در رابطه با کمبود شدید لوازم التحریر و گرانی کاغذ و دفتر دبیرکل صنایع شیمیایی و سلولزی وزارت صنایع اعلام کرد: "ما به احتیاج کشور سالانه بیش از ۶۰۰ هزار تن از انواع کاغذ می باشد که حدود ۱۶۰ هزار تن از آن در کارخانجات داخلی تولید و مابقی آن از خارج کشور تامین میگردد .

- بنا به اعتراف مدیرکل سازمان تامین اجتماعی رژیم ، جمهوری اسلامی در طول سالها میلیاردها ریال را تحت نام بیمه اجتماعی از کارگران و زحمتکشان اخاذی کرده و به جیب زده است . در طی ۱۲ سال یعنی از سال ۵۴ تا ۶۶ نهاد غارتگر تامین اجتماعی جمعا یک تریلیون و ۴۷ میلیارد ریال از توده های ستمدیده تحت لوای بیمه اجتماعی اخاذی کرده . بخش بزرگی از این وجه در بانک رفاه کارگران رژیم سرمایه گذاری شده و تنها ثلث این میزان بابت خدمات درمانی به وزارت بهداشت و درمان پرداخت گردیده است .

- در ایران تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی حداقل ۱۸۰۰ تن از مادران بخاطر عوارض حاملگی و زایمان بدلیل نبود امکانات درمانی قربانی می شوند ، همچنین سالانه ۹۰ هزار کودک زیر یکسال بدلیل فقدان کمتربستن امکانات بهداشتی و درمانی از بین میروند . بواقع از هر هزار طفل زیر یکسال سالی ۴۵ نفر از آنان هلاک میگرددند - در آماري که از سوی گمرک جمهوری اسلامی منتشر شده ، آمده است که صادرات فرش دست باف ایران در سال ۱۳۶۷ به وزن ۷/۵ هزار تن و ارزش ۳۸۷ میلیون ریال بوده که ۳۱/۸۵٪ ارزش کل صادرات غیر نفتی را تشکیل میدهد و از لحاظ وزن و ارزش به ترتیب ۳/۶٪ و ۳۵/۵ درصد نسبت به سال قبل یعنی سال ۱۳۶۶ کاهش داشته است .

- مطابق آمار خود رژیم ، هشتاد درصد اکثر کارخانجات قند کشور با ظرفیت ۵۰ درصد کار میکنند . همچنین سه کارخانه قند در ممسنی ، یاسوج و اهواز بکلی از کار افتاده اند و تولید چغندر قند در ده سال گذشته ۱/۵ میلیون تن کاهش داشته یعنی ۷۲۲ هزار تن در سال ۵۵ به ۴۶۸ هزار تن در سال ۶۷ رسیده است .

نمادهائی از تضادهای درونی هیأت حاکمه

عمر تضادهای درونی رژیم جمهوری اسلامی تقریباً به قدمت حاکمیت این رژیم فداخلقی می‌رسد. آنچه که در روند حاکمیت ده ساله جمهوری اسلامی بارز و آشکار می‌باشد، این واقعیت است که بحران گریبانگیر رژیم و تضادهای جناحی متخاصم درون جمهوری اسلامی همواره روند شدیدتری نسبت به گذشته داشته است. رشد شدت گیرنده و روزافزون این تضادها را می‌توانست در بحسبان گریبانگیر نظام سرمایه‌داری وابسته که خود نمودی آن بحران جهانی نظام امپریالیستی است جستجو نمود. درست بر چنین زمینه‌ایست که بخش‌های متفاوت طبقه حاکمه در رابطه با چگونگی پیشبرد و هدایت نظام بحران زده سرمایه‌داری وابسته دچار اختلافات و تضاد بی‌سابقه دیگری شده و برعلیه هم صف‌آرایی می‌کنند. این تضادها بطور روزمسر خود را در عملیات تبلیغاتی جناح‌های حکومتی برعلیه یکدیگر و برگزیناری مهره‌ها و تعویض آنها، و تصفیه روزانه سران حکومتی نشان می‌دهند. همچنین تشدید جدالهای درونی سگان رنجبری حاکم تا سرحد تصفیه‌های خونین و لشکرکشی‌های متفاوت مزدوران بسیج شده از سوی جناحها برعلیه یکدیگر خود با رزترین گواه حدت و شدت این تضادها می‌باشد. وجود مبارزات توده‌ها و ناراضی‌های روز افزون آنان از وضع موجود در شرایطی که حاکمیت

امپریالیستی بعد اعلا از قدرت سوزیه خویش استفاده کرده و لیکن به توفیق بد نظرش نرسیده، خود بنویسه خویش بر شدت گیری تضادهای جناحی درونی جمهوری اسلامی تا شیرگذاشته و موجب گشته تا سگان رنجبری با احساس خطر نسبت به این واقعیت برای اعمسال سیاستهای خویش و کسب هژمونی در رهبری نظام سرمایه‌داری وابسته، شدیدتر از پیش به جدال با یکدیگر برخیزند. در همین حال که خطرات جدت‌یابی تضادهای درونی خویش را با گوشزد نمودن عمق خطراتی برای حاکمیت روبه‌روالشان به همپالکیهای خویش با کلمات "تاکید بر وحدت" و غیره بیان می‌نمایند، اما با این وجود گویی پیرو شدیدیست تضادهای درونی رژیم، تمام شدن است. و نیروهای متخاصم طبقه حاکمه از هر فرصتی و از هر رویدادی برای ضربه زدن به جناحی رقیب در دستگاه حاکمه خویش کوتاهی ننموده و بی‌سابقه یکدیگر می‌تازند.

حال برای روشن شدن هرچه بیشتر واقعیات فوق‌الذکر چند نمونه از مهمترین کشمکشهای درونی جناح‌های جمهوری اسلامی در طی ماههای اخیر را در اینجا ذکر می‌کنیم.

سفرچا شوکو و معدوم به تهران در شرایطی که رویدادهای رومانی بدنبال بازگشت وی به بخارست به سرنگونی رژیم او اعدام وی منجر گردیده به یکی از سوزهای داغ‌سختی

تبدیل شد که بعضی از سگان رنجبری رژیم از آن استفاده نموده و بی‌سابقه حملات شدیدی برعلیه جناح رقیب دست زدند. آماج این حملات وزیر امور خارجه دولت رومانی بود و از آنجا که پیش از ۱۷۰ تن از مزدوران مجلس ششمین از استیضاح ولایتی سخن می‌راندند و حملات شدت هرچه بیشتری یافته بود، این امر باعث گردید تا خامنه‌ای رهبر سگان رنجبری حاکم سربا در این موضوع دخالت کرده و طی اظهاراتی به پشتیبانی از وزیر امور خارجه دولت بپردازد. خامنه‌ای طی اظهاراتی در ششم دی ماه در پشتیبانی از ولایتی با تذکر "حفظ منافع کشور در صحنه بین‌المللی" اعلام داشت که: "صحب نیست که مقامات بلند پایه وزارت امور خارجه به طور غیر منصفانه‌ای مورد اشتداد و استیضاح قرار گیرند." وی همچنین در سخنان خویش خواهان پایان دادن به تبلیغات نمایندگان مجلس علیه وزارت امور خارجه شد، او که در حضور بعضی از مزدوران رژیم سخن می‌راند، ضمن تاکید بر مواضع وزارت امور خارجه رژیم به همپالکیهای خود هشدار داد و از آنها خواست تا "هوشمندان به سیاست و تبلیغات زهرآگین دشمن برعلیه دیپلماتهای وزارت امور خارجه، برخورد نمایند. لیکن این اظهارات خامنه‌ای نیز نتوانست خاموش کننده

آتش‌گر گرفته تفادهای درونی رژیم باشد و از اینرو موسوی اردبیلی در مقام امام جمعه تهران در تاریخ هشتم دی ماه قدم به میدان گذارد و دهبگر بار در مورد "حفظ وحدت" درونی به سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خویش خطاب به همپالکهایش گفت که: "یکی از مسائل بسیار مهم در این مقطع تاریخی اینست که ما انسجام مسون و وحدتمون، همراهی و همگامی مسان را حفظ کنیم، با هم باشیم، اگر با هم باشیم دست خدا با ماست." اردبیلی سپس بلافاصله خطاب به منتقدان درونی طبقه حاکمه که با توجه به افتضاح ناشی از دعوت چاوشکوبه تهران به آزار فریبکاریشان بر علیه رقبای خودگرمز شده بود گفت: "من در این صحبت‌مسم شبگوییما زهمدیگرا منتقا دشکنیم ازهمدیگر خرده‌نگیریم یا نمیکویم ما اشکسالات همدیگر را نگیریم، اما اشکال گرفتن انتقاد کردن بکوجه سازنده است، اون در تمام شرایط لازمه و مسن تا بوده‌ام تا بادم می‌آید خصوصا "بمداز انقلاب هیچگاه نشده من پیام از طرف مقابل این حرف دفاع کنم." وی ادامه داد: "اما بنظر من اصلاح گفتن غیر از اینسه، به وقتی ما بیایم با دست خود مون کاری بکنیم که بهانه به دست دشمن بدهیم".

اما سخنان اردبیلی و خامنه‌ای چاره ساز مسئله نشد و علیرغم تمامی کوششهای انجام گرفته از جمله اقدام به برکناری سخبر ایران در رومانی بدستور ولایتی، جناحهای متخاصم، وزیر امور خارجه را به مجلس گشاندند و او را حول مسئله سفر چاوشکو به ایران، استیضاح نمودند. این واقعه است

در حالیکه یکبار دیگر شدت اختلافات دولتمردان جمهوری اسلامی را نشان داد، بیاتنگز این امر است که جناحهای رقیب درون هیئت حاکمه برای حفظ و تحکیم موقعیت خویش و تضعیف رقبای حتی ظرفیت زیر پا گذاردن فتوای رهبر جمهوری اسلامی را نیز دارند. نگاهی به سخنان دوزدو زانی یکی از نمایندگان مجلس رژیم که در تاریخ دهم دی ماه ایراد شد، بخوبی امر فوق را آشکار می‌سازد. وی در سخنان خویش در تاریخ یاد شده تا آنجا پیش رفت که حتی در رابطه با سخنان خامنه‌ای مبنی بر اینکه ایران وزارتخانه خارجه نباید مورد انتقاد "غیر مشخصانه" و "احضار و استیضاح" قرار گیرند گفت: "تا وقتی که فرامین امام است طبیعی است که قید کردن این عناصر غیر مطلوب، که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای هم بود با حقوق نمایندگان مجلس اصلا تناسب ندارد". دوزدو زانی در سخنان خود با حمله به افرادی که نامه ۱۷۵ تن از نمایندگان مجلس خطاب به وزارت خارجه رژیم مبنی بر استیضاح سرکرده آن یعنی ولایتی را سرزنش کرده و آنرا حرکتی غیر مسئولانه ارزیابی می‌کنند ادامه داد که: "این مسئله و قید غیر مسئول، مربوط به نمایندگان و مربوط به سوال قانونی از وزیر نیست". دوزدو زانی سپس جهت ایجاد فضای ماسور بیشتر برای خویش و همپالکهایش در هیئات حاکمه به نماینده‌ای که سخنان وی را بر علیه اظهارات اخیر خامنه‌ای قلمداد کرده بود، گفت: "آقای که من واقعا نمیتوانم نسبت به ایشان آرام باشم میگویند که در تظاهرات و کجا های دیگر اینها بجای اینکه بگویند خامنه‌ای رهبر می‌گویند خمینی رهبر" و چنین ادامه داد که منشاء این مسائل کجاست

چرا اینطور تضاد پیدا می‌کنید در حالیکه هنوز سالگرد امام نرسیده است. باکش و قوس یافتن بیشتر دعواهای درونی و شدت گیری کشمکشهای جناحهای متخاصم بر علیه یکدیگر، بر مبنای سوز سفر چاوشکو به تهران، خامنه‌ای طی پیام شدیدالحنی در هیجدهم دی ماه که رادیوی رژیم آن را "پیام بسیار مهم خامنه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ملت رشید و سسزرگ ایران" خوانده، شدیداً به دولتمردان رژیم و جناحهای متخاصم هشدار داد که مصلحت "انقلاب" و کشور و پایه عبارت صحیحتر مصلحت نظام سرمایه داری وابسته را با هیچ چیز دیگر معاوضه نمی‌نمایند. و خنرات ناشی از تفرق در میان صفوف هیئت حاکمه را گوشزد کرده و عنعنموان داشت که: "باید بیش از هر وقت از وحدت صفوف ملت پاسداری کنند و اختلافات سلبیته سیاسی و شخصی را به تنازع و تفرقه نکشاند. مخصوصا نمایندگان محترم در مجلس شورای اسلامی باید بسته دقت مراقب باشند که بیاد اخصسندای ناخواسته اظهارات آنان دلسردی و بیاس را از تریبون عمومی مجلس دو سطح جامعه برانگیزد سازد". خامنه‌ای همچنین در دفاع از اصل ولایت فقیه به عنوان اصلی که تجلی بارز اعمال دیکتاتوری سرمایه داران وابسته در نظام جمهوری اسلامی است به دیگر سرمایه داران رژیم شدت هشدار داد که به پیروی از خمینی معدوم" با همه وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهند کرد و به کمک الهی به تکلیف خود در همه موارد عمل خواهند کرد. خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری خدشه در کلیت نظام اسلامی است و ایستادن

جانب این را از هیچ کس دسته و گروهی
تحمل نخواهم کرد".

طی ماههای گذشته برخورد در رابطه
بسا منتظری، ولیعهد خلع شده جمهوری
اسلامی موضوع دیگر تضادهای درونسی
طبقه حاکمه بود. سخنان منتظری در اواخر
دی ماه بر علیه خامنه‌ای و ولی فقیه
بودن وی بار دیگر موجب لشکر کشی
جناحهای درونی هیئت حاکمه بر علیه
بیکدیگر شد در همین رابطه اخبار منتشره
از وقوع تظاهرات متفاوت ایستادی و
دار و دسته‌های درونی رژیم در شهرهای
قم، اصفهان، نجف آباد به طرفداری از
منتظری و ایضا بر علیه او خبر میدهد. در ضمن
در گزارشات منتشره عنوان شده که
آخوند سعیدی، روز شنبه شانزدهم
دی ماه در جریان تظاهرات دار و دسته‌های
حوزه علمیه قم و طلبه‌های این مدرسه
بر علیه منتظری و بهانه تظاهرات ولیعهد
مخلوع رژیم را مستقیماً مورد خطاب
قرار داده و عنوان کرده است که: "اگر
کسانی خیال می‌کنند که ما از رهبران
دست بر می‌داریم و سراغ آنان می‌رویم،
گور خوانده‌اند". "ما اخطار می‌کنیم
اگر به توعیه‌های امام توجه نموده و در
مقام درس و بحث با شهید محترمید و لسی
اگر چنانچه بخواهید مطالبی بفرمایید
مطرح کنید و نظام اسلامی را زیر سؤال
ببرید، یقیناً بدانید که آرام نخواهیم
نشست". پس از شهیدهای آشکارا خوانند
سعیدی، دادستان کل کشور یعنی آخوند
ری شهر نیز به صحنه آمد و با صراحت تمام
منتظری و دار و دسته‌اش را تهدید به
دستگیری نمود. وی خطاب به ولیعهد

سابق رژیم اخطار کرد: کلمه کسانی که
در جریان باند مهدی هاشمی بوده‌اند
و دوباره دارای پروبال گشته‌اند
دستگیر می‌شوند.

در ایسن زمینه کار تا آنجا
بالا گرفت که مطابق برخی گزارشات
منتشره در جریان وقوع تظاهرات ایادی
منتظری مخلوع در شهرهای قم و اصفهان
و نجف آباد، مقامات رژیم خود منتظری
را هم به مدت چندین ساعت بازداشت و سپس
اورا آزاد کردند.

پس از این وقایع در سوتیهای
تبلیناتی و تریبون‌های عمومی
لشکر کشی بر علیه منتظری از سوی
جناحهای حاکم همچنان تداوم یافت.
سران رژیم برای کوبیدن منتظری کسه
زمانی او را "امید امام و امت" و تنها
حائشین بر حق خمینی معذوم می‌نامیدند،
از هیچ کوششی فرو گذاری نکردند، در
چهار جوب همین خط و نشان کشیدن با سرای
منتظری، امام جمعه سیروار نیز با
حمله به منتظری در یکی از نماز جمعه‌های
این شهر عنوان داشت: او را که از مقام
فائمه مقامی رهبری عزل شد، عده‌ای به
اسم مرجعیت می‌خواهند مطرح کنند.
می‌خواهند بپرندش بالا، شما دیدید در
ایسن لحظه حساب هم با او می‌گفتند
آیت الله، حالا کلمه آیت الله هم از کنار
استش حذف شد.

حاشی همین قاطعانه خطاب به
منتظری اضافه کرد: "من اعلام می‌کنم
برای اینکه حرف رهبری شکسته نشود،
دست آمریکا از هواستینی بیرون بیاید
و بخواهد تنها ستون این نظام را در هم
بشکند هر جا باشد باید قطع شود".

حال جای دارد به جنبه‌های دیگر
از بروز تضادهای درونی هیات حاکمه
اشاره کنیم که خود را در اغشاگریمهای
جناحهای متخاصم نسبت به یکدیگر نشان
می‌دهد. واقعیت رشد تضادهای زمینهای
است که بر مبنای آن گاهی اوقات
عناصر و جناحهای مختلف هیئت حاکمه
بر علیه یکدیگر به افشاء گری پرداخته
و طی آن واقعیت ما هیئت نا رنگرانه رژیم
فدائلی جمهوری اسلامی را برملا می‌کنند.
در این رابطه برای نمونه لازم است
به سخنان مزدوری بنام فرج الله
افزایده توجه نمایم. این مسزودر
که به اصطلاح نماینده مردم نوشهر و
چالوس در مجلس شورای اسلامی می‌باشد،
در نطق پیش از دستور مجلس در اواسط
بهمن ماه گفت که: "آخر آخوند را
چه کار به کارخانه‌داری و مرغداری".
وی همچنین در ادامه سخنانش اظهار
داشت که: "بعضی از ائمه محترم جمعه
در شهرتشانها برای خود تشکیرات مخلص
به هم زده‌اند و در همه کارها دخالت
می‌کنند". "عده‌ای از کسانی که سابقه
فساد داشته‌اند، الان ریخی باخند کرده‌اند
و تشبیهی در دست می‌گیرند، حتی بعضی
از آنها شعلین می‌پوشند و در پناه این
جناح و آن جناح پست‌های کلیسادی را
اشغال کرده و به ریش من و توم می‌زنند".
در رابطه با شمه دیگری از سخنان
جناحها بر علیه یکدیگر می‌بایست به
سخنان به اصطلاح نماینده هردشت
مزدور تشبیه گری اشاره نمود. وی کسه
در اعتراض به سخنان شعله سعیدی نماینده
دیگر جمهوری اسلامی در مجلس سخن میگفت
در صفحه ۱۶

بمناسبت سالگرد تولد رفیق مائو تسه دون یکی از رهبران بزرگ پرولتاریای جهان و خلق کبیر چین!

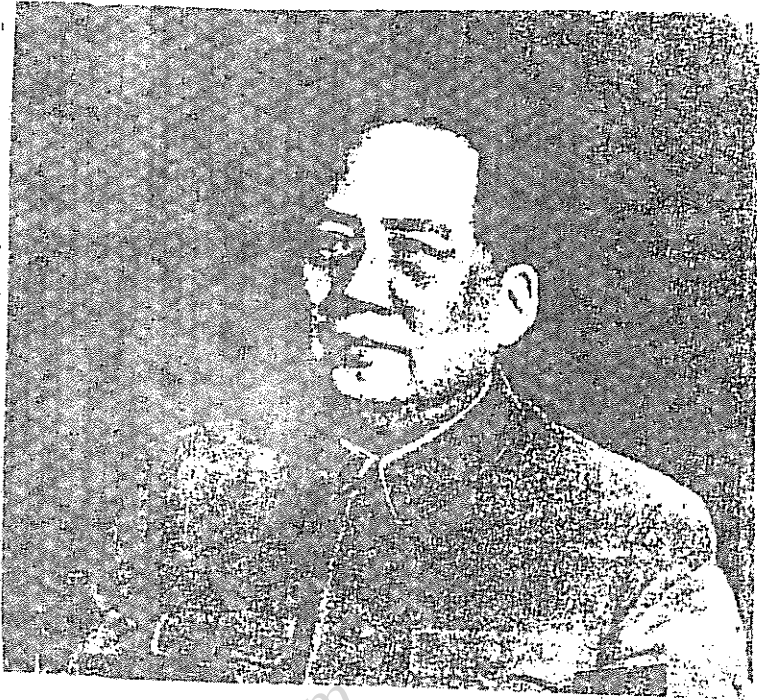
کمونیست کبیری که در طول سالیان متعادی حیات پر بار و انقلابی به با اتکا به خلقها و نیروی لایزال آنها:
- در صدر پیکار توده‌ای و طولانی خلق چین با امپریالیسم و سگان زنجیریش.

- در راس حزب کمونیست چین و پیشاپیش میلیونها تن از کارگران و توده‌های ستمدیده و در مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان با رویزیونیستها، اپورتونیستها و انواع خائنین و فرصت‌طلبان منحرف،

- و در يك کلام در مقام رهبری و هدایت نهضت عظیم خلق چین زیر لوای مارکسیسم و کمونیسم،
خدمات گرانبھائی را به امر انقلاب و منافع و آرمانهای طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش انجام داد.

کمونیست کبیری که بمنابه يك ثور یسین و براتیسین بزرگ، با ایمان به قدرت دوران ساز کارگران و زحمتکشان بی‌خاسته و با اتکا به نیروی شگرف آنان، امر نابودی نظام کهنه و پوسیده و آغاز ساختمان نظامی دمکراتیک و عادلانه برای قریب به يك پنجم از توده‌های زحمتکش دنیا یعنی خلقهای تحت ستم چین را رهبری نمود.

در نود و هشتمین سالروز تولد این انقلابی بزرگ و آموزگار کبیر پرولتاریا و در شرایطی که رویزیونیستها و خائنین به خلق چین سالها پس از او، دستاوردهای طبقه کارگر و انقلاب کبیر چین را به مسلخ گاه امپریالیستها و دشمنان خلق برده‌اند، بکوشیم تا همچون او پیگیرانه در میدان مبارزه طولانی و توده‌ای با تمامی امپریالیستها و استثمارگران و وابستگان به آنها، با دفاع و صیانت از امر انقلاب، با دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و کمونیسم و بسا لرد قاطع تمامی رویزیونیستها و اپورتونیستهای خائن، راه و یاد این انقلابی کبیر و این آموزگار بزرگ خلقهای تحت ستم را در عمل و به شیوه خود او زنده داریم!



مژگ بر رژیم سلطنتی

۲۶ دیماه ۶۸ دوازدهمین سالروز فرار شاه، این سگ زنجیری امپریالیسم که در نتیجه مبارزات دلاورانه خلقهای قهرمان مجبور به هزیمت از ایران شد، بر کارگران و زحمتکشان مبارز گرامی باد.

فرار مفتضحانه شاه و پرتاب رژیم سلطنتی و ننگین دودمان او به زیاله‌دان تاریخ توسط توده‌های بی‌خاسته نشان داد که دیکتاتوریهای ضد خلقی، هر چند که در سرکوب و غارت آنان قدر قدرتی کنند، سرانجام در مقابل خصم و نفرت و اراده مبارزاتی توده‌های بی‌خاسته مجبور به تسلیمند. و در مقابل قدرت لایزال جنبش توده‌ها آنها را هیچ راه گریزی نیست. گرچه با فرار خائفانه شاه و با به گور سپاردن سلطنت ننگین پهلوی توسط توده‌های مبارز، امپریالیستها رژیمی را بر سر کار گمارده‌اند که جز خلف بر حق رژیم شاه نیست، اما همین تجربه مبارزاتی به خلقهای تحت ستم ما نشان داد که امپریالیستها و رژیمهای مزدوری چون رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی در مقابل طغیان جنبش و انقلاب توده‌ها جز ببرهای کاغذی ای بیش نیستند. و سرانجام پیروزی از آن خلقها و شکست و ننگ ابدی از آن دشمنان خلق است.



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه صنایع خلق
 قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
 برافرازیم و در راهی کدما خون آنها سرخ شده است،
 به پیش رویم!"

(ما شوشه دون)

روزشمار

دی و بهمن ماه

شهادت دی و بهمن ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

تاریخ شهادت	نام شهادت	تاریخ شهادت	نام شهادت
۱۰/۵	فتح الله کریمی	۰۲/۱۱/۶۷	یوسف زرکار
۱۰/۶	حسین محمودیان	۰۲/۱۱/۶۸	ابراهیم پوررضا خلیق
۱۰/۶	مرتضی احمدی	۰۲/۱۱/۶۸	سعید پایانی
۱۰/۶	مرتضی حاج شفیعیها	۰۲/۱۱/۶۸	فاطمه افدرنیا
۱۰/۶	حسن نوروزی از رهبران کبیر	۰۲/۱۱/۶۸	مجید پسرزاده جهرازی
۱۰/۲۰	سازمان	۰۲/۱۱/۶۸	جعفر محتشمی
۱۰/۱۸	فاطمه حسن پورامیل	۰۲/۱۱/۶۸	مسعود پرورش
۱۰/۱۹	سرور فرهنگ	۰۲/۱۱/۶۸	مصطفی ذقیق عمدانی
۱۰/۲۱	فاطمه (شمسی) نهانی	۰۲/۱۱/۶۷	کاووس رهگذر
۱۰/۲۷	بهمن روحی آهنگران	۰۲/۱۱/۶۸	حمید مومنی از رفقای ارزنده
۱۰/۲۵	خدا بخش عالی	۰۲/۱۱/۶۸	سازمان
۱۰/۲۷	فرهاد را دور	۰۲/۱۱/۶۸	انوش فضیلت کلام
۱۰/۲۷	محمد سعیدی	۰۲/۱۱/۶۸	کیومرث سلجری
۱۰/۲۰	عبدالصمد بارماندگان	۰۲/۱۱/۶۸	حسین چرخاچی
۱۰/۲۴	منصور بنازاده	۰۲/۱۱/۶۸	قاسم بیادتی (عضو مرکزیت سازمان)
۱۰/۲۴	پرویز شانگی پور	۰۲/۱۱/۶۸	بابک سیلانی
۱۰/۲۴	حسین مکرانی	۰۲/۱۱/۶۸	خسرو پناهی
۱۱/۲۳	پوران بدالهی	۰۲/۱۱/۶۸	مهدی اقتدارمنش
۱۱/۲۳	بهروز عبیدی	۰۲/۱۱/۶۸	محمد جواد عرفانیان
		۰۲/۱۱/۶۸	مهرداد اردلان

- ۱۰/۵ تولد رفیق مائوتسه دون ۱۸۹۳
- ۱۰/۵ شهادت رفیق خیرعماد و غلو
- ۱۳۵۷/۱۰/۵ شهادت استاد کامسران نجات الهی
- ۱۳۵۷/۱۰/۹ کشتار مردم مشهد
- ۱۰/۱۱ آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین ۱۹۶۵
- ۱۰/۱۱ سالروز انقلاب کوبا ۱۹۵۹
- ۱۳۵۸/۱۰/۱۲ تحصن مردم سلطینج
- ۱۳۳۸/۱۰/۱۶ درگذشت نیما یوشیج
- ۱۳۴۶/۱۰/۱۷ شهادت جهان پهلوسروان غلامرضا تختی
- ۱۰/۱۹ کشتار کارگران پتروگراد ۱۹۰۵
- ۱۳۵۷/۱۰/۲۶ فرار شاه مزدور
- ۱۰/۲۷ شهادت پارتیزان لومومبا ۱۹۶۱
- ۱۳۵۷/۱۰/۳۰ آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی رژیم شاه
- ۱۱/۱ درگذشت لنین ۱۳۰۲ (۱۹۲۴)
- ۱۳۱۲/۱۱/۱ درگذشت بمارفان قزوینی
- ۱۳۴۰/۱۱/۱ حمله چترپیسازان به دانشگاه تهران
- ۱۳۲۴/۱۱/۲ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان (۲ری بنیان)

هرچه برفراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق



۱۳۵۷/۱۱/۸ - کدنا مردم تهران توسط
بختیسار
۱۳۵۰/۱۱/۱۱ - شهادت مجاهد فلسطینی
احمد رشائی اولین شهید سازمان
مجاهدین خلق ایران
۱۳۱۸/۱۱/۱۴ - شهادت رفیق مبارز دکتر
تقی اراکی

۱۳۲۷/۱۱/۱۵ - شیراندازی ناسرخ آرائی
بسوی شاه مزدور
۱۳۵۷/۱۱/۱۸ - پایان ما موریت زسوال
هویر آریکائی در ایران
۱۳۵۸/۱۱/۱۱ - دستگیری رهبران شورای
دفاعی ترکمن صحرا
۱۳۴۹/۱۱/۱۹ - رستاخیز سیا هگل و آسار
جدیدین مسلحانه در ایران
۱۳۵۸/۱۱/۱۹ - تحویل جنگ دوم فلسطینی
مطلق ترکمن
۱۳۵۷/۱۱/۱۹ - شهادت مجاهدین فلسطینی
موسی فیاضی ، اشرف بیستکی و
دیگر همرزمانشان
۱۳۵۷/۱۱/۲۱ - قیام شکوهمند فلسطینی و
عزیزان زمان جریده های فدائی
خلق ایران

۱۳۵۷/۱۱/۲۲ - انامه قیام خونین بهمن
۱۱/۲۲ - تولد برتولت برشت
۱۳۵۷/۱۱/۲۶ - شهادت رفیق مبارز محمد
حسین کریمی از رهبران کومله
۱۳۵۸/۱۱/۲۹ - شهادت رفیق : شمسرو
گلبرخی و کرامت الله نا نیشان -
شهادت رهبران شورای دفاعی
ترکمن صحرا رفقا : محمد درخشنده
توماج ، عبدالعظیم مظفری
طوای محمد واحدی و حسین جرجانی

ی	ایرینکسا
۱۰۰ کرون	اوهایی - مجاهد شهید مریم کیانی ۳۴ دلار
۴۵۰ دلار	دالاس - محسن ۴۰ دلار
۴۵۰ دلار	دالاس - کارگران گوگرد ساری ۵۴ دلار
۶۰ کرون	ویجتا فالس - بهشمرگه شهرمان ۲۱ دلار
	کالیفورنیا - مقصد ۱۰۰ دلار
۵۰ فرانک سوئیس	هوستن - سیما دریایی ۱۰۰ دلار
	هوستن - خلق عرب ۲۰ دلار
	هوستن - م ۲۰ دلار
۲۰ مارک	هوستن - بهام فدایی ۲۰ دلار
۲۰ مارک	هوستن - صدای جریده های ۲۲ دلار
۲۸۰ مارک	هوستن - حمید سولتی ۴۰ دلار
۲۰ مارک	دیوکتوریکو - پرونده ۵۵ دلار
	هوستن - بویمان ۵۰ دلار
۹۴/۸۸ پوند	میشیگان - مهرنوش ۵۰ دلار
۲۵ دلار	کانیگت - م ۱۰۰ دلار
۲۷۱ پوند	دیپرویت - احمدزاده ۱۰۰ دلار
۵۰۰ دلار	

انگلستان

	م - محمد ۵۰ پوند
	آزاده ۱۵ پوند
	ک ۷۱ پوند
	م - ۱۱۶۰ دلار
	م - محمد ۵۰ پوند
	م - لندن ۱۵ دلار
	روز

۲۰ پوند	ج
۱۰۰ پوند	بیانترالیزم دمکراتیک
۱۰ پوند	ن
۲۰۰ کرون	ج



تظاهرات در تهران

هنگامی که این شماره از نشریه زیر چاپ میرفت مطلع شدیم که هزاران تن از مردم مبارز تهران تظاهرات گسترده‌ای را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی انجام داده‌اند. مطابق گزارشات واصله در پی لغو مسابقه فوتبال باشگاههای تهران که قرار بود روز جمعه ۲۷ بهمن ماه در ورزشگاه آزادی و امجدیه انجام شود، توده‌های معترض و خشمگین در این دو ورزشگاه شروع به شعار دادن بر علیه سردمداران مزدور رژیم میکنند.

در ورزشگاه آزادی هزاران تن از مردم معترض بحرکت درآمده و علاوه بر شعارهای مرگ بر خائنه‌ای و مرگ بر رفسنجانی، شعارهایی نیز در حمایت از زندانیان سیاسی قهرمان و بر علیه دیکتاتوری سیاه رژیم سر میدهند. با این مضمون که "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "ما آزادی می‌خواهیم". همچنین تظاهرات کنندگان عکسهای رهبر معدوم جمهوری اسلامی یعنی خمینی جلا را پاره میکنند. مطابق برخی گزارشات منتشره دیگر توده‌های تظاهرکننده در مسیر خویش از ورزشگاههای فوق چندین ماشین دولتی را نیز به آتش میکشند. سرانجام پس از این وقایع پاسداران سرکوبگر رژیم که خود را سازماندهی کرده بودند، به مقابله با توده‌های معترض و بجان آمده پرداخته و طی یک درگیری خونین با وحشیگری تمام بسوی آنان آتش می‌گشایند که طبق گزارشات منتشره چندین تن از توده‌های بهداشت و از جمله یک کودک خردسال زخمی میشوند. همچنین پاسداران جانی رژیم جمهوری اسلامی آنها نفر را نیز دستگیر میکنند.

تظاهرات گسترده و حرکت قهرمانانه مردم آگاه و مبارز تهران در شرایطی صورت گرفت که ظرف روزهای اخیر سردمداران جیره‌خوار رژیم با فریبکاری تمام توسط بلندگوهای وقیح تبلیغاتی خویش و از جمله از تریبون نمایشات نماز جمعه تهران از حمایت قاطع و گسترده مردم نسبت به رژیم مزدور فاشان دم میزدند. تظاهرات قهرمانانه و گسترده مردم آزاده تهران، جلوه‌ای از خشم و کین بی پایان توده‌های تحت ستم، نسبت به رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری است. خشم و نفرت مبارزاتی‌ای که بدون شک در روند محتوم خود بالآخره طومار حیات ننگین این رژیم دهنش را نیز با قدرت لایسزال کارگران و خلقهای بی‌باخته در هم خواهد پیچید.

هرچه پرخروش‌تر باد قیام قهرمانانسه
خلق فلسطین در یازدهم بهمن ۶۸، سی و پنجمین
سالگرد آغاز مبارزه مسلحانسه توسط
توده‌های به‌پاخاسته فلسطینسی برعلیه
امپریالیسم و رژیم اشغالگر و متجاوز اسرائیل.

جمهوری اسلامی

فدائیسویست (۱۱) و

مهاجرت نفت با اسرائیل

با انشای فروش دو میلیون تن نفت از طرف جمهوری اسلامی به اسرائیل و بار دیگره علیرغم همه هیاهوهای به اصطلاح ضد صهیونیستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و تاکیدات مکرر سردمداران رها کار این رژیم مبثی بر عدم وجود هرگونه رابطه ای بین جمهوری اسلامی با اسرائیل و گوشه ای از روابط این رژیم با اسرائیل در مقابل دید جهان نیان قرار گرفتست و رسوائی دیگری بر رسوائیهای پیشمسار سردمداران جمهوری اسلامی افشا گردید.

مطابق گزارش تلویزیون ABC آمریکا در ۲۷ ژانویه رژیم جمهوری اسلامی دو میلیون بشکه نفت به دولت اسرائیل فروخته است و قرار داد این معامله در جریان مذاکرات محرمانه ای که دولتهای مزبور در سوئیس داشته اند منعقد گردیده است.

در پی انشای معامله فوق الذکر وزارت انرژی اسرائیل با استیجابگی گزارشات مربوط در این زمینه را تکذیب نمود و نرهمان حال سنگسوی وزارت نفت جمهوری اسلامی نیز بسا وقاحت تمام اعلام کرد که "از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی" ایران "حتی یک بشکه نفت" به اسرائیل نفروخته است و سپس در راستسای در صفحه ۱۱



۲۱ ژانویه ۱۹۷۴ قلب پر طبعش (ولادیمیر ایلیچ اولیانوف) آموزگار کبهر پرولتاریا رهبر انقلاب کبیسر سوسیالیستی اکثر و یار همه ستمکشان و رنجبران از طبق با زایستاد.

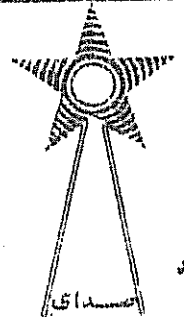
لنین نه تنها پیشوای پرولتاریا بلکه رهبر زحمتکشان سراسر جهان بود.

لنین سالهای طولانی در راه مبارزات انقلاب در روسیه و دفاع از جوهر انقلابی

مارکسیسم که به انحاء گوناگون بوسیله اپورتونیستها تحریف میشد، به مبارزه برداشت و توانست مارکسیسم را تکامل بخشد. بهمین دلیل است که لنینیسم و مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریایی نامیده میشود. اهمیت عظیم کار لنین زمانی آشکارتر میگردد که بر این امر آگاه باشیم که بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی نمیتواند مفهوم داشته باشد و مارکسیسم - لنینیسم تئوری انقلاب پرولتاریائی و قطب نمائی است که کشتی انقلاب بدون وجود آن هرگز به ساحل پیروزی نخواهد رسید.

کوششهای خستگی ناپذیر لنین راه انقلاب را هموارتر کرد و حال دریا دهبود صخت و دشمنان سال در گذشت او باید بگوئیم همچون او خستگی ناپذیر در راه اهداف پرولتاریا و سوسیالیسم و کمونیسم پیش برویم.



<p>با کتکهای مالی خود چریکهای فدائی خلق ایران را یاری رسانید</p>	<p>در لکتبر آثار سازمانی مکتوب کنید</p>										
<p>ساعات پیش: ۹ شب و ۶،۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد ردیف ۷۵ هنر چریکهای فدائی خلق ایران</p> 	<p>برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانیهای زیر مکاتبه کنید:</p> <p>انگلستان فرانسه</p> <table border="0"> <tr> <td>F. S</td> <td>BM BOX 5051</td> </tr> <tr> <td>B. P. - 181</td> <td>LONDON</td> </tr> <tr> <td>75623 PARIS</td> <td>WCIN 3XX</td> </tr> <tr> <td>CEDEX 13</td> <td>ENGLAND</td> </tr> <tr> <td>FRANCE</td> <td></td> </tr> </table>	F. S	BM BOX 5051	B. P. - 181	LONDON	75623 PARIS	WCIN 3XX	CEDEX 13	ENGLAND	FRANCE	
F. S	BM BOX 5051										
B. P. - 181	LONDON										
75623 PARIS	WCIN 3XX										
CEDEX 13	ENGLAND										
FRANCE											

برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق به رهبری طبقه کار و کول!